

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهکارهای تقویت

انگیزه و نشاط

محسن قرائتی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی ایران:

قرائتی، محسن / ۱۳۲۴.

راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط. مؤلف: محسن قرائتی

تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.

۱۴۴ ص. ۰۰ ریال. ISBN 978-600-5421-29-3

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیر نویس



راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط

محسن قرائتی

ناشر:	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
چاپ:	سازمان چاپ و انتشارات
نوبت چاپ:	
شمارگان:	
قیمت:	
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۲۹-۳

* حق چاپ برای ناشر محفوظ است *

مرکز پخش: تهران - تلفن و نمابر ۶۶۹۴۶۳۶۳

فهرست موضوعات

- سخن ناشر ۹
- پیشگفتار: ۱۱
- دلایل یا بهانه‌های بی‌انگیزه شدن ۱۲
- راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط
- فصل اول: راهکارهای اعتقادی ۱۵
۱. ایمان به خدا ۱۷
- ایمان، عامل بازدارنده از پلیدی‌ها و تشویق به نیکی‌ها ۱۸
- نتیجه ایمان ۱۹
۲. ایمان به معاد ۲۲
- نقش معاد در مسائل اقتصادی ۲۲
- نقش معاد در مسائل نظامی ۲۳
- نقش معاد در برخورد با طاغوتیان ۲۵
- نقش معاد در توجه به محرومان ۲۶
- ایمان به معاد، پشتوانه تمام کمالات ۲۷
۳. توکل بر خداوند ۲۹
۴. دعا و نیایش ۳۱
۵. نذر و قسم ۳۲

۵۸	۱۸. انجام وظیفه، نه نتیجه
۵۸	۱۹. مقایسه
	فصل سوم: راهکارهای مدیریتی
۶۱	۱. برنامه‌ریزی و نظم
۶۲	۲. نظارت و کنترل
۶۳	۳. دسترسی به امکانات
۶۴	۴. همکاران علاقه‌مند
۶۴	۵. وقت‌شناسی و مدیریت زمان
۶۶	۶. فضا سازی و مدیریت مکان
۶۷	۷. دوستان هم سلیقه
۶۸	۸. مقبولیت مدیر
۶۸	۹. امنیت شغلی
۶۹	۱۰. جرأت و شجاعت
۷۰	۱۱. محیط و فضای عاطفی
۷۰	۱۲. عدالت
۷۲	۱۳. همیاری
۷۳	۱۴. ایجاد رقابت و مسابقه
۷۵	۱۵. چشم‌پوشی از لغزش‌ها
۷۷	۱۶. کار متناسب با استعداد
۷۸	۱۷. توصیه دیگران
۷۸	۱۸. نقش الگویی مسئولان
۸۰	۱۹. مشورت و مشاوره

۳۲	۶. ایمان به نصرت الهی
۳۴	۷. تکلیف‌گرایی
۳۵	۸. یاد امدادهای الهی
۳۵	۹. حسن ظنّ و امیدواری
	فصل دوم: راهکارهای معرفتی
۳۹	۱. شناخت مقام انسان
۴۰	۲. آشنایی با زندگی افراد موفّق
۴۱	۳. آشنایی با تاریخ
۴۲	۴. توجّه به نتایج کار
۴۳	۵. دانش و تجربه
۴۶	۶. قداست موضوع و واسطه‌ها
۴۷	۷. مقایسه با مطلوب
۴۸	۸. آشنایی با قوانین و سنّت‌های الهی
۴۹	۹. دیدن آثار و نشانه‌ها
۵۰	۱۰. شناخت اهداف مخالفان
۵۰	۱۱. توجّه به فداکاری بزرگان
۵۲	۱۲. همراهی با هستی
۵۲	۱۳. فهمیدن فلسفه و راز امور
۵۳	۱۴. توجّه به کوتاهی و گذران فرصت
۵۴	۱۵. مبارزه با تبلیغات منفی
۵۶	۱۶. آینده‌نگری
۵۷	۱۷. آثار کار در دنیا

۹۶	۴۲. تهدید
۹۶	۴۳. قطع رابطه
۹۷	۴۴. اخطار
فصل چهارم: راهکارهای اجتماعی	
۱۰۱	۱. تشویق اجتماعی
۱۰۴	۲. تنبیه اجتماعی
۱۰۵	۳. تحسین (تشویق کلامی)
۱۰۵	۴. تلقین
۱۰۷	۵. تعاون و همکاری
۱۰۹	۶. امر به معروف
۱۰۹	۷. تفریح و ورزش
۱۱۱	۸. آراستگی و زیبایی
۱۱۴	۹. توجه به سود و درآمد
۱۱۵	۱۰. احساس مؤثر و مفید بودن
۱۱۶	۱۱. جایزه
۱۱۶	۱۲. رسانه‌های جمعی
۱۱۷	۱۳. محیط تمیز و پاکیزه
۱۱۸	۱۴. ورزش
۱۲۰	۱۵. کار گروهی و جمعی
۱۲۱	۱۶. مراعات افراد ضعیف
۱۲۱	۱۷. تمرین و عادت
۱۲۲	۱۸. حرکت تدریجی

۸۱	۲۰. استفاده از تجربیات دیگران
۸۲	۲۱. تنوع
۸۳	۲۲. تذکرات مفید هنگام کار
۸۴	۲۳. سعه صدر در مدیریت
۸۵	۲۴. پاداش بر اساس تلاش
۸۶	۲۵. شروع با امور ساده
۸۷	۲۶. آموزش ضمن خدمت
۸۷	۲۷. ورود در هر کاری از راهش
۸۸	۲۸. انصاف مدیر و مسئول
۸۸	۲۹. پذیرفتن پیشنهادات
۸۸	۳۰. پیشگام شدن مسئولان
۸۹	۳۱. آسان جلوه دادن امور
۹۰	۳۲. توجه به امور فراموش شده
۹۱	۳۳. تأمل و تجدید نظر
۹۱	۳۴. بررسی پیوسته مشکلات
۹۲	۳۵. نظارت بر ناظرین
۹۲	۳۶. پاک دلی و جرأت
۹۳	۳۷. درجه و منصب
۹۴	۳۸. احساس خطر
۹۴	۳۹. سازماندهی و تشکیلات
۹۵	۴۰. پذیرفتن کار ناقص
۹۶	۴۱. عرضه به کارشناس

۱۹.	تکیه به توانمندی‌های خود.....	۱۲۳
۲۰.	تقدیر و تشکر منصفانه.....	۱۲۳
۲۱.	ارتباط با افراد انگیزه‌دار.....	۱۲۵
۲۲.	مالکیت خصوصی.....	۱۲۶
۲۳.	برخورد محترمانه.....	۱۲۶

فصل پنجم: راهکارهای عاطفی

۱.	تحریک غیرت و حمیت.....	۱۲۹
۲.	توجه به یاد نیک.....	۱۳۰
۳.	تأثیرگذاری راه و رسم پدران.....	۱۳۰
۴.	گرایش‌های ملی و قومی.....	۱۳۱
۵.	هنر.....	۱۳۱
۶.	استفاده از ادبیات.....	۱۳۳
۷.	تأمین نیازهای طبیعی.....	۱۳۳
۸.	عشق و محبت.....	۱۳۶
۹.	روابط عاطفی.....	۱۳۷
۱۰.	استقبال مردمی.....	۱۳۸
۱۱.	استفاده از چهره‌های محبوب و فرهیخته.....	۱۳۹
۱۲.	تکریم و احترام.....	۱۴۰
۱۳.	بیان و نمایش سختی‌ها.....	۱۴۱
۱۴.	توجه به گرایش‌های روحی.....	۱۴۲
۱۵.	وجدان.....	۱۴۲

سخن ناشر

«مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» در سال ۱۳۷۵ با هدف نشر آثار قلمی، صوتی و تصویری حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی تأسیس گردید و در این راستا فعالیت‌های گوناگونی را به انجام رسانیده است. از جمله:

- ۱- نشر و تجدید چاپ کتب قبلی ایشان با ویراستاری جدید.
- ۲- نشر یک دوره تفسیر کامل قرآن تحت عنوان «تفسیر نور» که در سال ۱۳۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته شد.
- ۳- نشر برخی کتب قرآنی و تفسیری همچون «هزار و یک نکته از قرآن» و «تفسیر قرآن برای جوانان» تألیف برخی همکاران مؤسسه.
- ۴- نشر تفسیر سوره‌های کوتاه قرآنی به صورت مجزا و در قالب پالتویی.
- ۵- عرضه نرم‌افزار اصول عقاید و فروع دین.
- ۶- عرضه نرم‌افزار برنامه درسهایی از قرآن تحت عنوان «بلاغ».
- ۷- عرضه نرم‌افزار مجموعه فیش‌های تحقیقی با عنوان «توشه تبلیغ».
- ۸- ارائه تفسیر صوتی و تصویری سوره‌های مختلف قرآن در لوح فشرده.
- ۹- راه اندازی پایگاه اینترنتی به نشانی: www.Qaraati.ir با امکان دسترسی به کلیه متون تفسیری و کتب حجت‌الاسلام قرائتی و امکان شرکت در مسابقات برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن.

کتاب حاضر دربردارنده ۱۱۰ راهکار برای ایجاد و تقویت انگیزه و نشاط است که در زمینه‌های مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کارآمد است. در پایان بر خود لازم می‌دانیم از زحمات معاونت محترم تربیت و آموزش و اداره کل منابع و متون درسی نیروی انتظامی به جهت فصل‌بندی موضوعی این کتاب تقدیر و تشکر به عمل آوریم.

از خوانندگان محترم انتظار داریم نظرات و پیشنهادات خود را در این باره به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ ارسال نمایند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

پیشگفتار:

برای بررسی مسئله‌ی انگیزه توجه به عوامل متعددی لازم است:

- ۱- عامل وراثت: بعضی ویژگی‌ها از راه وراثت به انسان منتقل می‌شود. بعضی از علاقه‌ها و سلیقه‌ها و انگیزه‌ها از نیاکان است.
- ۲- عامل روانی: بعضی امور بستگی به عواطف و هیجان‌های روحی و روانی دارد.
- ۳- عامل فرهنگی: گاهی مسائل فکری و فرهنگی و تربیتی در انگیزه‌ها و رفتارها مؤثرند.
- ۴- عامل مذهبی: گاهی باورها و ایمان و عقاید، انسان را نسبت به کار با انگیزه یا بی‌انگیزه می‌کند و هر کدام از این عوامل دارای شدت و ضعف است و در افراد متفاوت آثار متفاوتی دارد.

همچنین بحث انگیزه از چند جهت قابل بررسی است:

- * از زاویه‌ی مدیریت، که چگونه انگیزه کار را در کارگر و کارمند بالا ببریم.
- * از زاویه‌ی اجتماعی و اینکه چگونه دیگران را نسبت به هدفی که داریم حساس و عاشق و با نشاط کنیم.
- * از زاویه‌ی اقتصادی که چگونه با تقویت انگیزه‌ها، در رقابت‌های اقتصادی تولید و توزیع بهتر و بیشتری داشته باشیم.

* از زاویه‌ی سیاسی که چگونه انگیزه مردم را در امور سیاسی مثل حضور در انتخابات و حمایت از نظام بالا ببریم.

* از زاویه‌ی فرهنگی که چگونه نشاط علمی را در دانش‌آموزان و دانشجویان زیاد کنیم.

* از زاویه‌ی دینی که چگونه مردم را نسبت به عقاید و تکالیف دینی متعهد کنیم.

به هرحال بحث انگیزه یک بحث همیشگی و همگانی و در همه امور قابل تحلیل است. در ضمن توجه به این نکته ضروری است که عوامل ایجاد انگیزه و بی‌انگیزگی و زاویه‌های گوناگون آن در افراد مختلف، متفاوت است.

موضوع بحث این نوشتار «راههای ایجاد و تقویت نشاط و انگیزه» است.

برخی مردم در امور دنیوی و اخروی بی‌تفاوت هستند، بدیهی است که کسالت و عدم تحرک، علامت بیماری است. بنابراین برای درمان آن ابتدا باید علل آن را از جهت تربیتی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و غیره جويا شد.

اینجانب پس از بررسی همه جانبه عوامل انگیزه، تا کنون به ۱۱۰ عامل برخورد کرده‌ام که در این نوشتار بیان کرده و امیدوارم توانسته باشم حداقل بخشی از آنها را شرح دهم.

جامعه بی‌انگیزه و کم‌نشاط، جامعه‌ی مرده است. از این رو بحث عوامل ایجاد و تقویت انگیزه و نشاط به شدت مورد نیاز و زمینه رشد و سعادت مردم است.

دلایل یا بهانه‌های بی‌انگیزه شدن

۱- به اندازه‌ای که مزد می‌دهند کار می‌کنم.

۲- رئیس ما که قدر ما را ندارد و با ما مشورت نمی‌کند.

۳- پایان کارم را نمی‌دانم.

۴- مدیرم بی‌نظم و انضباط است و خودش کارش را درست انجام نمی‌دهد، من چرا تلاش کنم؟

۵- ابزار مناسب ندارم.

۶- اختیارات ما محدود است.

۷- از ما که نامی برده نمی‌شود.

۸- مهارت جدیدی که به ما نیاموخته‌اند.

۹- با این کار به خوبی آشنا نیستیم.

۱۰- فلان شخص یا چیز مانع است.

۱۱- این کار با روحیه من سازگار نیست.

۱۲- همکاران ما کم یا زیادند و کار پیش نمی‌رود.

۱۳- سازماندهی در کار نیست.

۱۴- نظارت در کار نیست.

۱۵- کارها به نمایش گذاشته نمی‌شود.

۱۶- به پیشنهادات و انتقاداتم توجهی نمی‌شود.

۱۷- میان مدیران اختلاف نظر یا بی‌اعتمادی است.

۱۸- اگر این کار را نکنم چه می‌شود؟

۱۹- آرامش محیط کار از نظر نظافت، سرما و گرما، نور و روشنایی تأمین نیست.

۲۰- با ادب با من برخورد نمی‌شود و مرا تحقیر می‌کنند.

۲۱- بیماری و اعتیاد دارم.

۲۲- گرفتاری‌های خانوادگی، نشاط مرا از بین برده است.

و موارد بسیار دیگر.

اینها نمونه‌هایی از عوامل بی‌نشاطی و بی‌انگیزگی است که ایمان به خدا و نظارت و پاداش او از یک سو، و آشنایی با تاریخ و مشکلات اولیای خدا که چگونه در برابر انواع بی‌مهری‌ها و تهمت‌ها و کمبودها و تحقیرها مقاومت کردند و بر راه خود پافشاری کردند

تا بالاخره موفق شدند از سوی دیگر، می‌تواند انگیزه کار و نشاط را در انسان بیشتر کند. آری، در میان عوامل ایجاد انگیزه، عامل معنوی و ایمانی و عامل الگوها قوی‌ترین عامل‌اند.

اکنون به بررسی راهکارها و عوامل تأثیرگذار در انگیزه و نشاط می‌پردازیم:

فصل اول:

راهکارهای اعتقادی



۱. ایمان به خدا

ایمان در دل انسان همچون شعله پر فروغی است که پشتوانه‌ی محکمی برای اراده محسوب می‌شود.

انبیا بدون پاداش مادی، سخت‌ترین کارها را که هدایت و تربیت بشر است، با دست خالی شروع کردند و تا مرز شهادت پیش رفتند.

انگیزه‌ای که انسان در سایه‌ی ایمان به خدا پیدا می‌کند، قوی‌ترین انگیزه‌ها است. انسان مؤمنی که برای خدا کار می‌کند، با یاد خدا دلی آرام دارد. وسوسه‌ها و جاذبه‌های مثبت و منفی در او بی‌اثر است.

او با خدا معامله می‌کند و از مردم توقع اجر و شکر ندارد. اگر مردم به او بی‌مهری کردند، انتقام نمی‌گیرد، از کارش نمی‌کاهد، قهر نمی‌کند، استعفا نمی‌دهد، کارش را با بهشت معامله می‌کند و هرگز احساس ضرر و خسارت نمی‌کند.

در سوره شعراء سرگذشت شمش نفر از پیامبران الهی بیان شده است که به قومشان اعلام کردند ما از شما مزد و پاداشی نمی‌خواهیم، مزد ما با خداوند است.

توجه به هریک از صفات خداوند، به نوعی انگیزه انسان را تقویت می‌کند.

ایمان به رحمت خدا، به انسان روح امید و نشاط، و انگیزه مهرورزی به دیگران را می‌دهد.

ایمان به قدرت خدا، به فرد جرأت و جسارت و شجاعت می‌دهد و احساس می‌کند که تنها نیست و انگیزه حضور فعال و مواجهه شدن با دشمن در او تقویت می‌شود. قرآن می‌فرماید: «و لا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱، سست نشوید و اندوهگین مشوید، چرا که شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید.

ایمان، عامل بازدارنده از پلیدی‌ها و تشویق به نیکی‌ها

مؤمن به خدا می‌داند، هر عملی انجام دهد، حساب و کتاب دارد و فرشتگان الهی آن را ثبت می‌کنند، چند برابر پاداش می‌گیرد و رضایت الهی را جلب می‌کند، لذا:

۱. همین که غضب کرد با خود می‌گوید: در کظم غیظ و فروبردن خشم، رضای خدا و در خشم و اعمال غیظ، رضای خودم است، پس به خاطر رضای خدا از غیض و غضب صرف‌نظر کرده و خشم خود را فرومی‌خورم.
۲. همین که محرومی را دید، با خود می‌گوید: او بنده خدا است و مال نعمت خدا، و من امانت‌دار و خلیفه خدا هستم، پس انفاق می‌کند.
۳. همین که فسادی را در جامعه دید، قهر خدا او را نگران می‌کند، به پا خاسته و با زبان و دل و تمام قوا جلو فساد را می‌گیرد.
۴. همین که تهدید و تطمیع پیش آمد، با خود می‌گوید: رضای خدا از دنیا بهتر و قهر خدا از تهدیدات دیگر سخت‌تر است، پس تسلیم تهدید و تطمیع نمی‌شود.
۵. همین که صحنه‌های گناه و بی‌عفتی را دید، خدا را حاضر و ناظر دیده و حیا می‌کند.

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۹.

۶. همین که مظلومان را دید، با خود می‌گوید: همه انسان‌ها در برابر خدا یکسانند و باید از حقوق بشر دفاع کنم.

۷. همین که مال مردم در اختیار او قرار گرفت، خدا را حاضر دانسته و خیانت نمی‌کند. او می‌داند هر کمال و فضیلتی مستلزم تحمّل محرومیت در دنیا است که با اهرم ایمان، انسان قادر بر تحمّل آن می‌باشد.

البته اگر افراد غیرمؤمن در اثر تقلید یا تلقین یا تبلیغ و یا تهدید موقتاً فداکاری از خود نشان می‌دهند، هرگز عمومی و همیشگی نخواهد بود، زیرا اعمال و حرکاتی که از درون انسان و ریشه ایمانی ندارد، همچون ساختمانی بر لب پرتگاه است، آن هم روی خاکی سست. «مَنْ أَسَسَ بُيُوتَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ»^۱

نتیجه ایمان

کسی که می‌داند تمام کارهای او زیر نظر است و هیچ یک از اعمال او نابود نمی‌شود و تلاش او را خدا خریدار است، آن هم به قیمت بهشت و رضوان، با عشق و دلگرمی تلاش می‌کند. خدایی که حتی به خاطر حسن نیت و فکر خوب اجر و پاداش مرحمت می‌کند.

کسی که بندگی او را پذیرفته است، تن به تسلیم هیچ قدرت و مقامی غیر از او نمی‌دهد و همه را بندگانی همچون خود می‌داند. نه خودباختگی در برابر بر قدرت‌ها دارد و نه تکبر نسبت به دیگران.

توکل به خدا، پناه بردن به او، عشق به او، گفتگوی با او، استمداد از او، امید به او، دلگرمی به قدرت و علم بی‌نهایت او، از آثار ایمان است.

اینکه او مرا دوست دارد، قدرت حل مشکلاتم را دارد، ذره‌ای از تلاش و

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۹.

کارم هدر نمی‌رود، برای کار خوبم پاداش چند برابر می‌دهد و خلافم را می‌پوشاند و توبه‌ام را می‌پذیرد، این ایمان و باور، نشاط و انگیزه‌ای در انسان به وجود می‌آورد که با هیچ عامل دیگری قابل مقایسه نیست. خداوند به حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: در پیش چشم ما کشتی بساز. یعنی ما بر کار تو نظارت داریم. به موسی و هارون می‌فرماید: به سراغ فرعون بروید، من شما را می‌بینم و سخنانتان را می‌شنوم.

مؤمن عقیده دارد که خداوند وعده نصرت داده و به وعده‌اش عمل می‌کند و بارها مؤمنان را یاری کرده و دست او برای هرگونه کمک و امداد باز است و بخل و منتی ندارد و از لطف خود نه خسته می‌شود و نه پشیمان. و هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به افراد ندارد و به هرکس می‌تواند لطف کند، حتی در آخرین لحظات لطف خود را سرازیر می‌کند و توطئه‌ها را خنثی می‌نماید و مشیت ناهلان را باز می‌کند.

کسی که خدا دارد چه ندارد، نور و امید و عشق دارد. ولی کسی که خدا ندارد، حرص می‌زند، به دیگران حسادت می‌ورزد و هرگز به آنچه خدا به او داده قانع و راضی نیست.

آری، کار برای خدا شکست ندارد، ولی برای مردم شکست دارد. زیرا مردم گاهی از کار ما خبر ندارند. گاهی به خاطر حسادت کار ما را مطرح نمی‌کنند. گاهی مزدی ندارند تا بپردازند. گاهی از مزد دادن بخل می‌ورزند، ولی کسی که برای خدا کار کند:

اولاً؛ خدا از کار بلکه از نیت و اسرار قلبی او خبر دارد.

ثانیاً؛ در خداوند حسادت و بخل نیست.

ثالثاً؛ دست او برای هرگونه پاداش باز است.

رابعاً؛ خداوند به بهای سنگین (بهشت جاودان) می‌خرد. خامساً؛ او کار کم را هم می‌پذیرد.

در کار الهی، آن را از معصوم (پیامبر و امامان) یاد می‌گیریم.

در کار الهی، تجدید نظر و پشیمانی و عقده نیست.

در کار الهی، همراهان ما اولیای خدا هستند.

در کار الهی هم اصل کار و هم شیوه‌ی آن و هم هدف آن و هم الگوی آن برای ما بیان شده است.

در کار الهی، قدرت و توانایی جسمی، علمی، مادی، فرهنگی، سیاسی در نظر گرفته می‌شود. زیرا قرآن می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱، «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»^۲

در کار الهی، افراد محروم و تهیدست می‌توانند با نیت صادقانه خود به درجه افراد کامیاب برسند.

در کار الهی، کمیت و تعداد ملاک نیست، بلکه توان و نسبت‌ها ملاک است؛ پاداش کسی که از ده ریال یک ریال می‌دهد با پاداش کسی که از ده میلیون، یک میلیون می‌دهد، یکسان است. زیرا هر دو یک دهم مال خود را انفاق کرده‌اند. پس جای نگرانی و حسادت نیست.

توجه به این امور به ما می‌گوید: قوی‌ترین انگیزه‌ها، ایمان به مبدأ و معاد است.

انگیزه‌های معنوی درمان بسیاری از بیماری‌های روحی و بی‌تفاوتی‌ها و نداشتن انگیزه است.

۲. سوره طلاق، آیه ۷.

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲. ایمان به معاد

شخصی که معتقد است ذره‌ای کار خیر یا شرّ از محضر الهی مخفی نیست و همه در قیامت حاضر می‌شود، یقین پیدا می‌کند که هر قدمی که در خدمت مردم برمی‌دارد، بی‌اجر نخواهد بود، حتی اگر در زمان وقوع عمل، مردم شاهد اعمال وی نباشند. می‌داند پاداش او از دو برابر شروع می‌شود: «ضِعْفٌ» تا چند برابر: «اضْعَافاً» و تا آنجا که احادی مقدار آن را نمی‌داند. «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ»^۱

آنگاه که از او پرسیم چرا این کار را انجام دادی؟ می‌گوید: «فَنَنْعَمَلْ مُثْقَلًا ذَرَّةً خَيْرًا يَرَهُ»^۲

ایمان دارد که خدا جبار است، جبار یعنی جبران کننده.

کسی که می‌داند اگر یک زحمتی بکشد، نزد خدا جایی نمی‌رود، گرچه مردم متوجه نشده و قدردانی نکنند، انگیزه پیدا می‌کند.

در قرآن کریم دهها آیه درباره نقش معاد در انگیزه بخشی به مسائل مختلف زندگی وجود دارد:

نقش معاد در مسائل اقتصادی

قرآن به کسانی که تجارت و داد و ستدی دارند می‌فرماید: وای برکم فروشان، کسانی که وقتی از مردم پیمانه می‌گیرند و خرید می‌کنند، سعی دارند تمام بگیرند، لیکن هرگاه بنا دارند پیمانه بدهند و یا وزن نمایند و بفروشند، کم می‌دهند. سپس می‌فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ»^۳ آیا این کم‌فرشان نمی‌دانند که برای روزی بسیار بزرگ مبعوث

۱. سوره سجده، آیه ۱۷.

۲. سوره زلزال، آیه ۷.

۳. سوره مطفّفين، آیه ۴ و ۵.

خواهند شد و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن همه کم‌فروشی را بدهند؟ در اینجا قرآن با یادآوری قیامت جلو کم‌فروشی را می‌گیرد.

البته ایمان به معاد در تمام مسائل اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مصرف، مدیریت، بازرگانی و تجارت و هر نوع فعالیت دیگر نقش مهمی دارد، به خصوص در مصرف و ولخرجی و اسراف.

نقش معاد در مسائل نظامی

قرآن می‌فرماید: گروهی از بنی اسرائیل نزد یکی از پیامبران خود آمده و گفتند: ما بنا داریم در راه خدا با متجاوز ستمگر بجنگیم، لیکن نیاز به یک فرمانده لایق داریم. آن پیامبر فرمود: من فکر نمی‌کنم که شما مرد جنگ باشید! آنان گفتند: با این همه ستمی که از متجاوز می‌کشیم حتماً، ما آماده جنگ در راه خدا هستیم. پیامبر گفت: خداوند طالوت را که فردی شایسته و نیرومند و آشنا به مسائل رزمی است، به عنوان فرمانده شما معرفی می‌کند. آنگاه مردم در برابر این وعده و فرمان پیامبر، به چند دسته تقسیم شدند: - گروهی از داوطلبان جبهه و جنگ بعد از شعارهای زیاد همین که فرمان جنگ صادر شد، در همان مرحله‌ی اول نافرمانی کرده و فرار نمودند.

- گروهی دیگر فقر مالی فرمانده را بهانه قرار داده و از رفتن به جبهه سرباز زدند.

- گروه دیگر با اینکه قول داده بودند که در آزمایشی که خداوند از آنها می‌گیرد استقامت کنند، اما بی‌صبری کرده و مردود شدند.^۱

۱. آزمایش این بود که فرمانده به همراهان خود فرمود: خداوند شما را با یک نهر آب آزمایش می‌کند، نباید (جز بسیار کمی) از آن بنوشید و هر کدام نوشیدید از لشکریان من نیستید، لکن این لشکر تشنه همین که به نهر آب رسیدند، جز افراد کمی همه سر بر آب نهادند و بطور کامل نوشیدند و بدین وسیله از آزمایش الهی مردود بیرون آمدند.

- گروه دیگری گرچه به هنگام صدور فرمان جنگ نترسیدند، امّا همین که لشکر قدرتمند دشمن را دیدند خود را باخته و گفتند: ما امروز طاقت مبارزه نداریم.

- تنها یک دسته کوچکی که ایمان به معاد داشتند با شعار: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱ یعنی چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد به اذن خدا پیروز می شوند، به دشمن حمله کرده و دشمن را از پای در آوردند.

در این ماجرا (که به نام داستان طالوت و جالوت در آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره مطرح شده)، رمز پیروزی و پایداری در جبهه و جنگ را ایمان به معاد دانسته است، زیرا می فرماید: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ»^۲، کسانی که ایمان به ملاقات خدا و روز قیامت داشتند، گفتند: پیروزی مربوط به جمعیت زیاد یا کم نیست، باید به دشمن حمله کنیم و به وظیفه الهی خود عمل کنیم که خداوند با صابران است.

آری، تلاش و روحیه رزم آوری رزمنده، وابستگی کامل به نوع دید و جهان بینی او دارد، رزمنده ای که آینده خود را زندگی ابدی و بهشت جاودان و همسایگی رسول خدا و اولیای الهی می داند، با رزمنده ای که قتل خود را نابودی و پوچی می داند، قابل مقایسه نیست.

قرآن نسبت به کسانی که در رفتن به جبهه سستی نشان می دهند و به لذات دنیوی دلبسته اند، می فرماید: «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ»^۳ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شدید؟!

نقش معاد در برخورد با طاغوتیان

فرعون برای اینکه آبروی حضرت موسی را بریزد، ساحران را از همه ی شهرها دعوت کرد تا با سحر و جادویشان معجزه حضرت موسی را خنثی نمایند.

ساحرانی که تا آن موقع ایمان به معاد نداشتند، همه به سگّه و هدایای فرعون چشم داشتند و به فرعون گفتند: «أَتَنْنَا لِأَجْرًا»^۱ آیا اگر ما بر موسی پیروز و غالب شویم، پاداش و مزدی به ما می دهی؟ آنان با پاسخ مثبت فرعون شروع به کار نمودند و هر چه در توان داشتند انجام دادند، اما هنگامی که حضرت موسی عصای خود را انداخت و ازدها شد و تمام بافته های آنان را نابود کرد فهمیدند کار موسی از سحر و نوع کارهای محدود خودشان خارج بوده و کاری صددرصد الهی است، در حضور فرعون به موسی ﷺ گرویده و به او ایمان آوردند.

فرعون که خشمناک شده بود، همه آنان را تهدید کرد و گفت: آیا قبل از اجازه من ایمان می آورید؟! من دست و پای شما را بر خلاف یکدیگر^۲ قطع می کنم و به شاخه ها و تنه های درخت خرما آویزانتان می کنم.

امّا آنان که تا دقایقی قبل ایمان نداشتند و به جایزه های فرعونیی چشم داشتند، اکنون به خاطر ایمان به خدا و معاد، در برابر فرعون ایستاده و با کمال آرامش به او گفتند: «إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»^۳ هر کاری می خواهی انجام بده، زیرا زور و ستم تو فقط در این دنیا است. «وَقَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا

۱. سوره اعراف، آیه ۱۱۳ و شعراء، آیه ۴۱.

۲. یعنی دست راست را با پای چپ و یا دست چپ را با پای راست قطع می کنم و این بدترین

نوع شکنجه است. ۳. سوره طه، آیه ۷.

۲. سوره بقره، آیات ۲۴۴ تا ۲۵۱.

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳. سوره توبه، آیه ۳۸.

مُتْقَلِبُونَ^۱ کشتن ما مهم نیست که ما به سوی خدای خود باز می‌گردیم.^۲ راستی ایمان به معاد چه غوغایی در روح این افراد بوجود آورد، سگه‌ها و پادشاهایی که تا چند لحظه پیش برای آنها مهم‌ترین مسئله جلوه می‌کرد، یکسره به هیچ می‌انگارند و به ریش فرعون می‌خندند و زور و قدرت او را محدود و ناچیز می‌دانند.

آری، ایمان به معاد در این افراد انقلاب فرهنگی بوجود آورد، روحشان را بزرگ نمود و آنها را تا عشق به شهادت پیش برد.

نقش معاد در توجّه به محرومان

«عقیل» که پیرمرد عیال‌واری بود، خدمت برادر خود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام رسید و درخواست کرد تا از بیت‌المال به سبب خویشاوندی خود سهمیه بیشتری به او بدهد. امام آهنی را داغ کرد و نزدیک دست عقیل آورد، عقیل از ترس دست خود را کشید! امام فرمود: اگر تو از این آتش ساده دنیا می‌ترسی، من از عذاب و قهر ابدی خدا می‌ترسم.^۳

امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کودکی بیمار شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله که همراه اصحابش به عیادت آنان آمدند، به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که خوب است برای سلامتی این دو کودک سه روز روزه نذر کنید. امام پذیرفت و هنگامی که بیماری آنان برطرف شد، حضرت علی علیه السلام به همراه همسر خود حضرت زهرا علیها السلام و بقیه خانواده روزه گرفتند.

۱. سوره شعراء، آیه ۵۰.
 ۲. تمام ماجرا در سوره اعراف، آیات ۱۱۲ تا ۱۲۶ و سوره شعراء، ۳۷ تا ۵۱ و سوره طه، ۵۶ تا ۷۲ بیان شده است.
 ۳. نهج البلاغه فیض الاسلام، کلام ۲۱۵.

روز اول هنگام افطار در حالی که غذایی در منزل نبود و با زحمت بسیار کمی نان تهیه شده بود، همین که خواستند افطار کنند، صدای در خانه و صدایی را شنیدند که شخصی می‌گوید: من فقیر و نیازمند هستم، به من کمک کنید! آن بزرگواران نان خود را به فقیر داده و تنها با آب افطار کردند. روز دوم همین که خواستند افطار کنند، یتیمی تقاضای نان کرد، و روز سوم نیز اسیری از پشت در تقاضای نان کرد. هر سه مرتبه آن عزیزان با آب افطار نمودند و دلیل این فداکاری را اینگونه بیان کردند: «إِنَّا خُفَّاءٌ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوَسًا قَطْرِيرًا...»^۱ ما از روز قیامت که روزی گرفته و سیاه و دردناک است می‌ترسیم.

به راستی ایمان به معاد اینگونه انسان را در برابر محرومان جامعه مسئول و متعهد بار می‌آورد.

آری، کسانی که در برابر محرومان بی تفاوت هستند، در قیامت اقرار می‌کنند که یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ این بی تفاوتی‌ها بوده است: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينُ»^۲ به مسکین و بیچاره‌ها غذا نمی‌دادیم.

چنانکه در سوره ماعون دلیل بی‌اعتنایی به یتیمان و محرومان، نداشتن ایمان به قیامت عنوان شده است.

ایمان به معاد، پشتوانه تمام کمالات

اکثر کمالات و ایثارها و فضائل اخلاقی، همراه با یک نوع محرومیت، زندگی ساده، تحمل فشار و ناگواری‌ها برای انسان حاصل شده و همراه آنان

۱. سوره انسان، آیات ۱۰ تا ۲۲.
 ۲. سوره مدثر، آیه ۴۴.

می باشد. آن اهرمی که بتوان با آن این وزنه‌ها را حرکت داد و آن ناگواری‌ها را تحمّل کرد، همان ایمان به قیامت و جبران و تلافی‌های آن روز است.

ایمان به پادشاهای اخروی، به انسان انگیزه می‌دهد که اگر چند روزی در دنیا فشار و ناراحتی دیدی، جای دور نمی‌رود و فردای قیامت که روز نیاز است، اجر تمام زحمات را چندین و چند برابر می‌گیری.

به راستی با چه عاملی رزمندگان جان خود و ثروتمندان پول و ثروت خود را ایثار می‌کنند، یا چه نیرویی می‌تواند انسان را به کنار گذاردن هوسها و شهوت‌ها دلگرم کند؟

اگر عشق ملاقات خدا و اولیای او نباشد، با چه انگیزه‌ای این همه راههای پر پیچ و خم پیموده شود؟

اگر جزایی در کار نباشد، چرا انسان زیر بار تکلیف برود؟

اگر انتقامی نباشد، چه نیرویی انسان را از تجاوز باز دارد؟

اگر مؤمنان این همه زخم زبان و تهمت و متلک کافران را در دنیا تحمّل می‌نمایند، به خاطر وعده و بشارت‌هایی است که در قرآن آمده است. قرآن می‌فرماید: ﴿قَالِیَوْمَ الَّذِیْنَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ یُضْحَكُونَ﴾^۱ امروز (که روز قیامت است) مؤمنان به کفار می‌خندند.

اگر زن فرعون به هیچ قیمتی جذب قدرت، مال، عنوان، کاخ و طلاهای فرعون نمی‌شود، چون او چشم به جای دیگر دوخته است: ﴿رَبِّ ابْنِ لِیْ عِنْدَكَ یَتِیًّا فِی الْجَنَّةِ﴾^۲ خدایا! مرا از کاخ فرعون نجات ده و برای من در بهشت خانه‌ای در جوار رحمت خودت بنا کن.

آری، دل که هوای بهشت کرد، کاخ فرعون هم برایش زندان می‌شود و لذا

۱. سوره مطففین، آیه ۳۴.

۲. سوره تحریم، آیه ۱۱.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوْضًا عَنِ الْآخِرَةِ»^۱ زیان‌کارترین مردم کسی است که (به جای آخرت) به دنیا راضی و دلگرم باشد.

نقش ایمان به معاد، در تقوا، امانت، امنیّت و در بسیاری از مسائل جزئی و کلی بر کسی پوشیده نیست و ما تنها به چند نمونه قرآنی و روایی اشاره کردیم.

۳. توکل بر خداوند

از چیزهایی که به انسان انگیزه‌ی جدّی می‌دهد، توکل بر خداست. توکل کنندگان جسارت و شجاعت دارند و از حوادث نمی‌هراسند. وقتی امام خمینی ره با این سؤال مواجه می‌شود که با دست خالی چگونه می‌خواهید با رژیم سرپا مسلح شاه در بیفتید؟ می‌فرمود: بر خدای قادر توکل می‌کنم. ناگفته پیداست که معنای توکل دست روی دست گذاردن، تن‌پروری و استفاده نکردن از قدرت و ابزار نیست، بلکه در کنار عمل به وظیفه و تلاش و کوشش، تکیه کردن به قدرت بی‌نهایت الهی است.

توکل در موفقیت انسان بسیار مؤثر است؛ خیلی آدم‌ها خانه دارند، مدرک و شغل هم دارند، اما ازدواج نمی‌کنند، می‌ترسند. و در مقابل آدم‌هایی هستند که هیچ ندارند و راحت ازدواج می‌کنند.

کسی که به خدا توکل دارد وصل به بی‌نهایت می‌شود، مثل لامپی که وقتی به برق متصل شد، روشن می‌شود. لامپ کوچک اگر وصل به برق باشد، روشن می‌شود. لامپ بزرگ اگر وصل به برق نباشد، نور ندارد.

۱. غررالحکم.

بسیاری از آدم‌ها جثّه و توانشان کم است، امّا به خاطر توکل کارهای بزرگی انجام می‌دهند.

در قرآن بارها می‌خوانیم که مؤمنان در مواجهه با مشکلات و گرفتاری‌ها، توکل بر خدا نموده و پیروز شده‌اند.

حضرت نوح علیه السلام که نزدیک هزار سال برای رساندن پیام الهی ایستادگی کرد، به قوم خود گفت: من تنها به خدا توکل می‌کنم شما هم با بت‌ها و خدایان باطل خود هر مکاری دارید بکار گیرید.^۱

ابراهیم آن پیامبر بزرگ الهی به نمرودیان فرمود: چرا ما به خدای خود توکل نکنیم در صورتی که ما را به راههای سعادت راهنمایی فرموده است، ما بر آزارهای شما صبر می‌کنیم و مؤمنان به خدا توکل می‌کنند.^۲

مادر موسی با توکل به خدا نوزادش را در رود نیل انداخت، خداوند نیز دلش را آرام کرد و فرزندش موسی را در دامن فرعون بزرگ کرد، او نیز به مردم فرمود: اگر به خدا ایمان آورده‌اید پس به او توکل کنید.

و این چنین بود که مردم مستضعف با توکل بر خدا نظام چند صد ساله فرعون را درهم شکستند.^۳

پیامبر بزرگ اسلام با توکل بر خدا و با کمترین امکانات توانست آئین خود را به بیشتر نقاط جهان منتشر کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر دوست داری که نیرومندترین مردم باشی، به خدا توکل کن.^۴

آری، توکل یعنی به خدا اعتماد کردن و این اعتماد پشتوانه محکمی برای

تلاش و فعالیت و مشعل امید است که یاس را می‌زداید و بیم شکست را از دل بیرون می‌کند.

۴. دعا و نیایش

قرآن می‌فرماید: رزمندگان در بحبوحه جنگ می‌گفتند: «ربّنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»^۱ در دعا با خدا حرف می‌زنیم، از او کمک می‌طلبیم، به او دل می‌بندیم، نیازهای خود را با او در میان می‌گذاریم، از او طلب بخشش می‌کنیم، از خطرهای او پناه می‌بریم و تمام اینها در ما انگیزه ایجاد می‌کند و با نشاط و شوق در میدان عمل گام می‌نهیم. قرآن کریم می‌فرماید: «استعینوا بالصبر و الصلاة»^۲ در مشکلات و بحران‌ها از صبر و نماز کمک بگیرید و از این دو اهرم بزرگ استفاده کنید.

دعای مردم در حقّ انسان نیز انگیزه را تقویت می‌کند. پزشک، کارگر، تکنسین و مهندسی که می‌داند دعای مردم پشت سر اوست، با دلسوزی بیشتری تلاش می‌کند.

دعا، توجّه به صفات و اسما و الطاف الهی است؛ توجّه به خدای رحیم و غفور، امید انسان را به عفو زیاد می‌کند. توجّه به قدرت و امدادهای الهی، یأس را از انسان دور می‌کند.

دعا و نیایش، انسان کوچک را به قدرت بی‌نهایت وصل و باعث تقویت و شارژ روحیه انسان است.

در دعا هم توکل است، هم تلقین و هم استمداد.

۱. سوره یونس، آیه ۷۱. ۲. سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

۳. سوره یونس، آیه ۸۴ و ۸۵. ۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۰. ۲. سوره بقره، آیه ۱۵۳.

۵. نذر و قسم

عهد شرعی نوعی الزام است که عادت به کار و تلاش را در انسان بیدار می‌کند. درباره‌ی شهید رجایی گفته‌اند که وقتی ناهار آماده می‌شد و از وی می‌خواستند که بر سر سفره حاضر شود، می‌گفت: با خدا عهد شرعی بسته‌ام که اگر نمازم را اول وقت نخوانم، یک روز روزه بگیرم.

همچنین این جمله از این شهید بزرگوار در خاطره‌ها به یاد مانده است که: «به نماز نگویند کار دارم به کار بگویند نماز دارم». افراد متعددی را دیده‌ام که چون اراده آنان ضعیف بوده، تصمیم و اراده‌ی خودشان را با نذر و عهد و سوگند تقویت کرده‌اند.

کسی که در برخورد با نامحرم نمی‌تواند نگاه خود را کنترل کند، با نذر و جریمه مادی، نگاه خود را اصلاح کند، یا اگر تکلیف الهی و یا وظیفه‌ی خود را نسبت به مردم عمل نکرد، روزه بگیرد. این جریمه و تعهد که گاهی در قالب سوگند و نذر و عهد است، می‌تواند اراده را تقویت کند.

۶. ایمان به نصرت الهی

توجه به نصرت الهی عامل بسیار خوبی در تقویت انگیزه است. قرآن می‌فرماید: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»^۱ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نمی‌کند و در سوره حج می‌فرماید: حتماً خداوند کسانی که او را یاری کنند، یاری می‌کند. به حقیقت خداوند قدرتمند با عزت است.^۲

خدایی که نوح پیامبر را از میان مشرکان، ابراهیم را از دل آتش، موسی

کلیم الله را از میان فرعون و فرعونیان و یوسف صدیق را از دل چاه نجات داد و یاری کرد.

خدایی که پیامبر اکرم و مسلمانان را در جنگ بدر یاری فرمود، (جنگی نابرابر که تعداد مسلمانان یک سوم مشرکان و موقعیت مسلمانان پایین کوه و مشرکان بالای کوه، امکانات و تسلیحات مسلمانان بسیار اندک بود)، نصرت الهی باعث پیروزی مسلمانان شد.

البته یاری خداوند در گرو انجام کارهای نیک و اطاعت از فرامین و دستورات الهی است. بارها قرآن فرموده است: اگر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند.

در قرآن می‌خوانیم: دو پیامبر عزیز (موسی و خضر) مأمور شدند تا در روستایی دیوار خرابی را به رایگان تعمیر کنند تا در آینده کودکان یتیم صاحب آن مکان، به گنجی که در زیر دیوار بود دسترسی پیدا کنند، یعنی نصرت الهی در همین دنیا شامل حال افرادی شد که والدین آنان نیکوکار بوده‌اند.

عمل خیر، آثار خیری به دنبال دارد که علاوه بر آخرت در دنیا هم به عامل آن می‌رسد.

قرآن کریم می‌فرماید: اگر تمام ثروت روی زمین را هم داشته باشی، اراده‌ی الهی به دنبال آن نباشد، هیچ توفیقی پیدا نخواهی کرد.^۱

در روایات می‌خوانیم: تا زمانی که انسان در مسجد یا در سفر حج مشغول وظیفه‌ی دینی است، خداوند مشکلات زندگی او را حل می‌کند.

با کمی مطالعه در حوادثی که در اطرافمان می‌گذرد، به راحتی درمی‌یابیم

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۶۰. ۲. سوره حج، آیه ۴۰.

۱. سوره یونس، آیه ۵۴.

که افرادی هستند که امکانات فراوانی هم دارند، اما توفیق و محبوبیت ندارند و افرادی بدون امکانات می‌باشند، اما توفیقات فراوان نصیبشان می‌شود، قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»^۱، برکات آسمان و زمین را به شرط داشتن تقوا و ایمان نصیب مردم می‌کنیم.

قرآن می‌فرماید: مردم باید یکدیگر را مورد عفو و بخشش قرار دهند تا از عفو الهی برخوردار شوند. «وَلْيَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»^۲ همین‌که انسان احساس کند ناصر و یاورى توانا دارد، انگیزه بیشتری پیدا کرده و از سعی و تلاش دست برنمی‌دارد. و چه یاورى بهتر از خداوند.

۷. تکلیف‌گرایی

تلاش انسان برای انجام هر کاری، گاهی به نتیجه نمی‌رسد و در مواردی با اینکه با برنامه و تدبیر کار را شروع کرده است اما شکست می‌خورد، یا به نتیجه دلخواه نمی‌رسد و یا چون جنس کار از مقوله‌ی معنوی است، نتایج عمل قابل محاسبه مادی و کمی نیست. آنچه در این موارد انگیزه را تقویت می‌کند و استقامت به انسان می‌بخشد این است که هدف، انجام وظیفه و تکلیف باشد، نه رسیدن به نتیجه.

امام خمینی علیه السلام همواره می‌فرمودند: ما مأمور به تکلیف هستیم، به نتیجه برسیم یا نرسیم.

آری، مهندسی که محاسبات ساختمانی را انجام می‌دهد، می‌تواند قدرت و استحکام ابزار و مصالح را محاسبه و قاطعانه پیش‌بینی و سخن بگوید، اما

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. سوره نور، آیه ۲۲.

گاهی انسان به انجام مراسم مذهبی مشغول است و یا برای خدا مجاهده و تلاش می‌کند و یا به قصد کشف حقیقت مطالعه می‌کند، در این موارد نتایج به راحتی قابل محاسبه نیست.

البته کسی که به تکلیف عمل می‌کند، در حقیقت به یاری خدا برخاسته و خداوند یاری‌کننده‌اش را وانمی‌گذارد.

۸. یاد امدادهای الهی

یاد خدا و یادآوری نعمت‌های او در حین انجام کار، باعث تقویت انگیزه و تلاش می‌شود. چنانکه در گرما گرم جنگ و مبارزات مسلمانان، آیه نازل شد: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»^۱ همانا خداوند شما را در میدان‌های متعدد یاری کرد، از جمله در جنگ حنین که مغرور کثرت جمعیت خود شده بودید و ابتدا شکست خوردید، ولی سرانجام به لطف خدا پیروز شدید و نجات پیدا کردید.

توجه به خدا و کمک و پشتیبانی او، انگیزه و نشاط افزون به انسان می‌دهد.

۹. حسن ظن و امیدواری

دلیل بسیاری از کاهلی‌ها و کسالت‌ها و بی‌نشاطی‌ها و نداشتن انگیزه، یأس و سوء ظن است. افرادی خودباخته و مأیوس هستند که سخن آنان این است: پول ندارم، نمی‌دانم، نمی‌شود، قدرت ندارم، یاد ندارم، ابزار ندارم، وقت ندارم، شانس ندارم، اثری ندارد و کار از کار گذشته است. این افراد هم به خدا سوء ظن دارند، «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ»^۲ هم به مردم و هم به

۱. سوره توبه، آیه ۲۱.

۲. سوره فتح، آیه ۶.

خودشان. این افراد حتی در اشتغال و ازدواج انگیزه ندارند، خیال می‌کنند اگر مجرد باشند خداوند می‌تواند رزق آنان را بدهد، ولی اگر ازدواج کنند قدرت خداوند تمام می‌شود و خدا نمی‌تواند رزق او و همسرش را بدهد. در حدیث می‌خوانیم: کسی که از ترس هزینه زندگی ازدواج نکند، به خدا سوءظن برده است.

افراد مایوس باید به تاریخ توجه کنند که چگونه خداوند با تار عنکبوتی پیامبرش را در غار حفظ کرد و کودک ضعیفی را در صندوق روی آب حفظ، ولی فرعون قدرتمند را در همان رودخانه غرق کرد.

اگر بدانند که هزاران یتیم در دنیا از چهره‌های موفق و برجسته شده‌اند. اگر بدانند که خداوند از درخت خشک برای حضرت مریم رطب تازه آورد. اگر بدانند که خداوند با پرنده‌ای کوچک، فیل سوارانی را که قصد تخریب کعبه را داشتند تار و مار کرد. اگر بدانند که خداوند یونس را زیر آب در شکم ماهی و نوح را روی آب در کشتی و یوسف را کنار آب در ته چاه حفظ کرد. اگر بدانند که خداوند در برابر نقشه زلیخا که تمام درها را محکم بست تا هیچ‌کس خلاف او را نفهمد، ولی همه فهمیدند. اگر بدانند که دست خداوند باز و قدرت او بی‌نهایت و رحمتش گسترده است، تا آنجا که ما با قصد کار خیر به پاداش می‌رسیم، خواه آن کار انجام پذیرد یا نپذیرد، جایی برای یأس و ناامیدی نمی‌ماند.

به هر حال حسن ظن، رمز انگیزه، و ناامیدی، رمز بی‌انگیزگی است. اسلام، یأس و ناامیدی را از گناهان کبیره می‌داند.

فصل دوم:

راهکارهای معرفتی

۱. شناخت مقام انسان

اگر کسی نسبت به مقام و ارزش انسان آگاهی یابد، عمرش را با کسالت هدر نمی‌دهد.

اگر آدمی باور کند که خداوند جهان را مسخّر وی ساخته است؛ خورشید به خاطر وی می‌درخشد، اقیانوس‌ها برای انسان پدید آمده و ابر و باد و مه و خورشید همه در کارند تا آدمی عمر را به غفلت نگذراند. این باور و تلقین و تذکر به آن، عامل مهمی در پدید آوردن انگیزه محسوب می‌شود.

انسان‌ها به طور فطری از چیزهای گران‌قیمت محافظت بیشتری می‌کنند، هیچ‌گاه قطعه زمین باارزشی را به هر مهندس و معمار و بنایی واگذار نمی‌کنند و پارچه‌ی نفیسی را به هر خیاطی نمی‌سپارند. کسانی که برای مقام انسانی قدر و ارزشی قائلند، سعی می‌کنند از عمر خویش حداکثر بهره‌برداری را در راه کمال ببرند.

یکی از دلائلی که ما کار نمی‌کنیم، این است که یادمان می‌رود چه کسی هستیم. می‌دانی که هستی؟ تو خلیفه خدا هستی. بیکار نشسته‌ای، خورشید به خاطر تو می‌سوزد و نور می‌دهد، اقیانوس‌ها برای تو، درختان برای تو اکسیژن سازی می‌کنند.

خداوند در آیات متعدّد انسان را به جایگاه واقعی‌اش متذکر می‌کند و هشدار می‌دهد که:

﴿فَصَلُّنَا﴾^۱، ای انسان، تو را بر همه موجودات برتری دادیم.
 ﴿كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^۲، تاج کرامت و بزرگی بر سرت نهادیم.
 ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۳، در بهترین شکل تو را آفریدیم.
 ﴿وَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾، از عنصری آسمانی در تو دمیدیم.
 ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾^۴، در آفرینش تو به خود آفرین گفتیم.

به راستی اگر انسان بفهمد که بهترین است و بسیار ارزشمند، انگیزه پیدا کرده و تلاش و کوشش می‌کند. وقتی می‌گویند: آقا تو فوق لیسانس هستی چرا نشسته‌ای پاسور بازی می‌کنی؟ تکان می‌خورد. تو دکتر هستی، مغزت را در اختیار این گذاشته‌ای، چرت و پرت گوش می‌کنی، تو باید با بسوادتر از خودت بنشین، حیف نیست مغزت را در اختیار این شخص یا این کتاب و فیلم گذاشته‌ای؟ متذکر می‌شود.

۲. آشنایی با زندگی افراد موفق

یکی از چیزهایی که عامل ایجاد انگیزه در انسان است و بی تفاوت را متعهد می‌کند، آشنایی با سرگذشت زندگی افراد موفق است. مطالعه‌ی تاریخ بزرگان و آشنایی با رنج‌هایی که شخصیت‌های بزرگ در طول تاریخ متحمل شده‌اند، حس تلاش و کوشش را در آدمی برمی‌انگیزد. مطالعه در تاریخ عبرت آموز و برانگیزاننده است. به برخی افراد گفته می‌شود چرا مطالعه نمی‌کنی، عذرتراشی کرده و مثلاً می‌گویند: هوا گرم است، پول نداریم و از اینگونه بهانه‌جویی‌ها. در حالی که علمای بزرگ با هوای ۵۰ درجه گرما در نجف اشرف مجتهد شده‌اند و حتی

گاهی برای خرید کتاب قبایشان را فروخته‌اند. مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی برای خرید کتاب مجبور می‌شدند ماهها نماز و روزه استیجاری بخوانند، خود ایشان می‌فرمودند: یکبار ترسیدم که کتابی که در صدد خریدش بودم از دستم برود و کتابفروش آن را بفروشد، از طرفی پولی هم نداشتم. فوراً قبایم را که تازه تهیه کرده بودم فروختم و رفتم آن کتاب را خریدم.

اگر بدانیم علامه امینی صاحب کتاب الغدير، برای نسخه برداری از کتاب‌های مهم کمیاب، ماهها در کشورهای هندوستان، عراق، مصر، ترکیه، متحمل سختی‌های فراوانی شد، مشکلات ما را بی انگیزه نمی‌کند.

در خاطرات علامه امینی نگاشته‌اند که ایشان به دنبال کتابی بود و در هیچ کتابخانه‌ای آن را نیافت. عاقبت با خبر گردید که آن کتاب در هندوستان موجود است. به آنجا سفر کرد و در صدد خرید آن کتاب برآمد، اما آن کتاب را نمی‌فروختند، حتی به صورت امانت و عاریه هم ندادند. سرانجام ایشان مجبور شد که در کتابخانه بماند و کتاب را رونویسی کند. به مدت شش ماه، روزی هیجده ساعت رونویسی می‌کند. وقتی به ایران بازگشت، از آب و هوای آنجا از او پرسیدند. ایشان فرمود: آنچنان غرق در مطالعه بودم که نفهمیدم هوا گرم بود یا سرد. یعنی چنان عاشق مطالعه است که نفهمید هوا گرم است یا سرد. مثل فوتبالیست‌ها که گاهی استخوان پایشان می‌شکند و چون گرم بازی و گل زدن هستند، متوجه نمی‌شوند.

۳. آشنایی با تاریخ

خواندن تاریخ مثل بالا رفتن به قلّه کوه است، هرچه بالاتر بروی، دید وسیع‌تر و تجربه بیشتر پیدا می‌کنی.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۳. سوره تین، آیه ۴.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

تاریخ، آئینه عبرت است.

قرآن در آیات متعدّد توجّه به تاریخ را سفارش فرموده است، از جمله: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱، «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ»^۲

از ناکامی‌ها و شکست‌ها عبرت بگیریم، زیرا هر ضرری می‌تواند تجربه را زیاد کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُلْدَعُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ»^۳

ناپلئون می‌گوید: آنقدر شکست خوردم تا شکست دادن را یاد گرفتم. مهم‌ترین کار در وقت شکست، این است روح فرد شکست نخورد، بلکه استقامتش بیشتر و خوشحال باشد که راه شکست تازه‌ای فرا گرفته است. در جنگ احد در اثر یک نافرمانی مسلمانان شکست خوردند، اما فتوحات بعدی نشانه درس گرفتن از این شکست بود.

۴. توجّه به نتایج کار

یکی از اموری که آدمی را برمی‌انگیزاند، توجّه به آینده است. در قرآن کریم تعبیری همچون «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» اشاره به آینده‌نگری و توجّه به آخر کار است. امید به آینده‌ی روشن، دردها و رنج‌ها را تسکین داده و اراده‌ی فرد را تحریک می‌کند.

گاهی بی‌عدالتی‌ها و بی‌حرمتی‌ها ممکن است انسان را به ورطه بی‌تفاوتی بکشاند و فرد را بی‌انگیزه کند و بگوید: برای چه کسی کار کنم؟

۱. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۲. سوره روم، آیه ۴۲.

۳. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۱۴.

چه کسی قدر کار من را می‌داند؟ و حال آنکه توجّه به سرانجام و عاقبت مهم است و توجّه به اینکه همه چیز در زمان حال خلاصه نمی‌شود و قضاوت در پیروزی حق بر باطل، با آیندگان است. آیندگان خواهند فهمید که ابراهیم علیه السلام در مبارزه با نمرود مشرک پیروز شد و امام حسین علیه السلام بر یزیدیان بی‌دین غالب گردید.

۵. دانش و تجربه

از عوامل اساسی در ایجاد نشاط و انگیزه، آگاهی و معرفت و تخصص نسبت به موضوع و کار است.

آگاهی تنها محفوظات نیست، بلکه بینش و دانش مقرون به تجربه است. در این صورت فردی که دارای تخصص است، از انجام کار لذت می‌برد. در حقیقت با عمل، خود را کشف می‌کند و خود را توانا می‌یابد. اما فرد بی‌تجربه کاری که می‌کند با نوعی ریاضت مواجه است. همانند کودکی که هنوز زبان باز نکرده و باید با تأمل و حوصله حروف و کلمات را ادا کند، اما پس از یادگیری دوست دارد ساعات زیادی حرف بزند. کسی که شناسنا نمی‌داند احتمالاً انگیزه رفتن به استخر را هم ندارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیتی به کمیل بن زیاد فرمودند: ای کمیل! هرگاه قصد انجام کاری را داری، با معرفت و بینش اقدام کن.

به ما سفارش شده که مسائل مورد نیاز را فرا بگیریم؛ به تجار سفارش شده «الْفَقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرَّة»^۱ ابتدا آگاهی و شناخت عمیق، سپس تجارت. در جبهه نیز باید رزمندگان با بصیرت باشند. در تبلیغ نیز به بصیرت سفارش شده است.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

﴿أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾^۱

خداوند اولین فرد هستی و قانون آخرین پیامبر را تا قیامت حجّت خود قرار داد تا حتی برای یک لحظه مردم بدون راهنما نباشند.

در سوره الرَّحْمَن نام راه و مکتب را قبل از انسان مطرح کرد و ابتدا فرمود:

﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾^۲ بعد فرمود: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾^۳

آری! اول شناخت بعد حرکت.

امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می دهد که افرادی را دوستان خود قرار بده که اهل تجربه و حیا و دارای اصالت خانوادگی، سابقه نیک، کم حرف و دوراندیش باشند.^۴

چنانکه به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسرم درست است که من به اندازه همه کسانی که پیش از من می زیسته اند عمر نکرده ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آنها به سیر و سیاحت پرداختم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان به من رسیده، با همه آنها از اول تا آخر همراه بوده ام.^۵

همچنین آن حضرت در این باره فرموده اند:

هر بزرگی نیازمند اندیشه و هر همکاری محتاج تجربه است.

تجربه ها، دانش های حاصل شده است.

گذشت روزگار به تجربیات می افزاید.

به کاری اقدام مکن مگر آنکه آزموده باشی.

نتیجه تجربه، انتخاب نیک است.

هرکه تجربه اش بیشتر، غرورش کمتر است.

هرکه کارش را با تجربه استوار سازد، از آسیب های مصون می ماند.

بهترین تجربه آن است که از آن الهام بگیری.

در هر تجربه ای درسی نهفته است.

موفقیت در پرتو قاطعیّت و قاطعیّت در سایه تجربه است.

هرکه خود را از تجربه دیگران بی نیاز بداند، از ارزیابی پیامدها ناتوان خواهد بود.

کم تجربه، فریب می خورد.^۱

حفظ و گردآوری تجربیات، نشانه خردورزی است و انتقال آن به نسلهای بعد، بزرگ ترین خدمت فرهیختگان می باشد و کتاب بهترین ابزار برای این رسالت بزرگ است؟

کتاب، نتایج تجربیات گذشتگان و سرمایه های هنگفت آنان را در کاوشهای علمی، بدون عوض و پاداشی، در اختیار ما می گذارد.

کتاب، محصول گرانبهای یک روزگار، زحمات و تحقیقات ارباب فضل و کمال و علما و رجال و فلاسفه و حکما و نوابغ جهان را، به رایگان، به نسلهای بعد منتقل می کند و دلهای مستعد و آماده را از آب حیات حقیقی سیراب می سازد و حیات ابدی می بخشد.

کتاب، نفیس ترین میراث نیاکان برای آیندگان است.

کتاب، بهترین و ساده ترین وسیله تبادل نظر و ارتباط بین نژادها و نسلهای بشر است.

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸. ۲. سوره الرَّحْمَن، آیه ۲.
 ۳. سوره الرَّحْمَن، آیه ۳. ۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
 ۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۱. غررالحکم، (تجربه).

کتاب، خانه و گنجینه با فضیلتی است که در هر زمان و مکان، درهای آن به روی همه کس باز است.

کتاب، مربی کاملی است که با آغوش باز، بدون توقُّع و طمع، انسان را به سرمنزل سعادت می‌رساند.

کتاب خوب، جوامع بشری را به مقام واقعی انسانی خود سوق می‌دهد و سعادت آنان را تضمین می‌کند.

کتاب، به پست‌ترین افراد بشر فرصت می‌دهد تا با اندیشه و فکر کامل‌ترین و شریف‌ترین افراد آشنا شود و بدون هرگونه تشریفات از آنان استفاده کند.

کتاب، نردبان مطمئنی است که انسان را به قله شامخ کمال و فضایل می‌رساند.

کتاب، روابط خلق و خالق مهربان را استوار می‌کند و انسان را با وظایفش آشنا می‌نماید و علاقه و محبت او را به پروردگارش محکم و بارور می‌سازد.

۶. قداست موضوع و واسطه‌ها

کارهای انسان از نظر ماهیت عمل مختلف است؛ برخی کارها مقدّس و برخی عادی هستند. غذا خوردن عملی عادی و نماز خواندن مقدّس است. آنگاه که آدمی موضوع عملش عبادی و مقدّس است، انگیزه و اشتیاق عملش بیشتر می‌شود. در جنگ تحمیلی همین که پیوندی میان دفاع و فتح راه کربلا پدید آمد، رزمنده‌ها با قوت قلب بیشتری می‌جنگیدند. کربلا و کربلایی شدن برای مردم ما از مقدّس‌ترین امور بوده و به راحتی و با طیب خاطر برای امام حسین علیه السلام بذل مال یا جان داشتند که جا دارد همواره از شهدا و خانواده شهدا یادی داشته باشیم.

مثال دیگر بناهای مذهبی است که صدها سال با زیبایی خیره‌کننده پا برجا هستند. روشن است که آن استحکامی که این بناها دارند، حتی منازل خود معماران نداشته است.

آنجا که کار و هدف مقدّس است، انگیزه‌ها به ابدیت پیوند می‌خورد. همچنین قداست واسطه‌ها انگیزه‌بخش است. مثلاً برای دعوت به کار و یا شرکت در مراسمی، گاهی یک فرد عادی دعوت می‌کند، که یک نوع انگیزه ایجاد می‌کند و گاهی دعوت از طریق افراد برجسته و محبوب و مقدّس صورت می‌گیرد که انگیزه قبول و پذیرش دعوت بیشتر می‌شود.

یا برای اصلاح ذات‌البین و آشتی دادن، گاهی افراد عادی واسطه می‌شوند و گاهی ریش‌سفیدان و چهره‌های محبوب و مقدّس، که در این صورت انگیزه آشتی قوت پیدا می‌کند.

در واسطه‌گری برای ازدواج، اگر افراد محبوب اقدام کنند به مراتب مؤثرتر از اقدام افراد عادی است.

۷. مقایسه با مطلوب

مقایسه کردن در کارهای مثبت محرّک انگیزه و تلاش و عمل است. در کارهای مثبت برای آنکه به غرور، سستی و تنبلی دچار نشویم، باید عمل خودمان را با عمل بزرگان مقایسه کنیم؛

به امام زین العابدین علیه السلام گفته شد که در عبادت خودتان را به مشقت می‌اندازید! حضرت فرمودند: عبادت ما کجا و عبادت علی کجا!

به حضرت علی علیه السلام گفتند: از فرط عبادت خودتان را به هلاکت می‌اندازید! فرمودند: عبادت من کجا و عبادت رسول خدا صلی الله علیه و آله کجا.

به پیامبر گفتند: شما با این مقام عصمت، این همه عبادت! فرمودند: «ما

عرفناك حقّ معرفتك^۱ عبادت من كجا و ادای حقّ خداوند كجا.

البته متأسفانه مقایسه‌های ما اغلب در امور اعتباری و وهمی است؛ مقایسه در تعویض ماشین، خانه، لباس، مقام و مناصب دنیوی است!

۸. آشنایی با قوانین و سنت‌های الهی

کسی که با قوانین الهی که حاکم بر فرد و جامعه است آشنا باشد، با بصیرت و دلگرمی و انگیزه کار خود را ادامه می‌دهد. مثلاً هنگام مواجهه با مشکلات، می‌داند که پس از سختی‌ها و مشکلات، راحتی و آسایش است. ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۲

اگر مورد تهمت و تحقیر قرار گرفت، می‌داند که خداوند از مؤمنان دفاع می‌کند. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۳

اگر با توطئه‌ها روبرو شد، می‌داند که خداوند رسواکننده و افشاگر درون افراد است. ﴿وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾^۴

اگر با حوادث تلخ روبرو شد، می‌داند که عاقبت با اهل تقوی است. ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۵

اگر در برابر دشمن قرار گرفت، می‌داند که خداوند قول یاری داده است. ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۶

اگر گرفتار سختی و زخم و جراحت در جبهه شد، می‌داند که در میان گروه مخالف نیز افرادی به این مشکلات گرفتارند، لکن ما امید به اجر الهی داریم

۱. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱.

۲. سوره حج، آیه ۳۸.

۳. سوره بقره، آیه ۷۲.

۴. سوره غافر، آیه ۵۱.

۵. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۶. سوره آل عمران، آیه ۳۸.

که گروه مخالف ندارد. ﴿وَتَزُجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَزُجُونَ﴾^۱

همه زنان می‌دانند که سنت الهی برای مادر شدن، تحمل سختی بارداری و زایمان است و چون با این قانون آشنا هستند خود را نسبت به آن آماده کرده و برای مادر شدن انگیزه دارند.

۹. دیدن آثار و نشانه‌ها

از اموری که انگیزه را بالا می‌برد، دیدن آثار و نشانه‌های عمل است. پیراهنی که بوی یوسف دارد، در یعقوبی که در فراقش آنقدر اشک ریخته تا کم بینا شده، هیجان به وجود می‌آورد.

زائران مکه و مدینه و عتبات همین که نگاهشان به گنبد و مناره‌های مشاهد مشرفه می‌افتد، حالاتشان تغییر می‌یابد.

دو دوست علاقه‌مند که مدت‌ها یکدیگر را ندیده‌اند، همین که به استقبال یکدیگر می‌روند و مرکب و ماشین و آثار دیگر متعلق به دوستشان را مشاهده می‌کنند، نشاطشان افزون‌تر می‌شود.

حضرت زکریا علیه السلام که تا دوران پیری دارای فرزند نشد و همسری عقیم و نازا داشت، هنگامی که آثار و برکات وجودی کودکی همچون حضرت مریم

و نزول مائده آسمانی دید، برای فرزندار شدن خود دست به دعا برداشت: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾^۲ البته هنگامی که دعایش مستجاب و

بشارت فرزند به او داده شد، مضطرب و نگران شده و از خداوند نشانه و آثار خواست: ﴿رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً﴾ خداوند فرمود: علامت این وعده آن است

که تا سه روز قدرت سخن گفتن از تو گرفته می‌شود: ﴿آيَتِكَ إِلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۸.

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ^۱ دیدن این اثر و نشانه زکریا را آرام کرد.

خداوند در قرآن به مؤمنان وعده نصرت و پیروزی و درآمد می‌دهد، ولی برای ایجاد انگیزه می‌فرماید: «فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ^۲» بخشی از آن وعده را زود هنگام برای شما قرار دادم تا مطمئن شوید تمام وعده‌ها عملی می‌شود.

۱۰. شناخت اهداف مخالفان

گاهی اعتراضات و گلابه‌های مخالفان، انگیزه انسان را نسبت به کار کم می‌کند. اگر ما ریشه و عمق اعتراض‌ها را بدانیم، به کار خود ادامه می‌دهیم و دلسرد نخواهیم شد. قرآن خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا^۳» بعضی از مردم در باره تقسیم زکات نیش و زخم زبان به تو می‌زنند، اما در حقیقت این اعتراضات برای آن است که از زکات چیزی نصیب آنان نمی‌شود و اگر مقداری از زکات به آنان داده شود، راضی می‌شوند.

۱۱. توجه به فداکاری بزرگان

از اموری که انگیزه را زیاد می‌کند، توجه به فداکاری و پشتکار دیگران است. به چند نمونه توجه کنید:

- ۱- خداوند به پیامبرش می‌فرماید: صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم قبل از تو صبر کردند. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ^۴»
- ۲- قرآن می‌فرماید: «وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ و مَا ضَعَفُوا و مَا اسْتَكَانُوا و اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۱ و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان طرفداران انبوهی کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم (دشمن) نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

۳- سالیان پیش منافقان کوردل در میان نمازگزاران نماز جمعه در دانشگاه تهران، انفجاری ایجاد کردند که جمعی از نمازگزاران نیز شهید شدند ولی رهبر جمهوری اسلامی با همان صلابت خطبه را ادامه دادند.

۴- هنگام تدریس آیت الله میرزا جواد تبریزی، شهر قم توسط هواپیماهای عراقی چنان بمباران شد که محل درس به شدت لرزید، ایشان فقط یک کلمه گفت: «لا اله الا الله» و سپس درس را ادامه دادند.

۵- آیت الله اعتمادی به محل درس آمد و بعد از تدریس به شاگردانش فرمود: اگر درس دیگری ندارید و خواستید، در تشییع جنازه مادرم شرکت کنید. من حاضر نشدم به خاطر فوت مادرم درس شما را تعطیل کنم.

۶- آیت الله ستوده بر خلاف معمول کمی دیر به درس آمد و پس از درس به شاگردان گفت: همسرم بیمار بود و از دنیا رفت، فکر کردم درس شما تعطیل نشود با چند دقیقه تأخیر به محل درس آمدم و اکنون که درس تمام شده به تشییع جنازه می‌روم.

۷- آیت الله بحر العلوم فرزندش را هنگام سحر بیدار کرد تا با هم به حرم حضرت علی علیه السلام بروند. در راه فقیری که از مردم گدایی می‌کرد را به او نشان داد و فرمود: این فقیر برای به دست آوردن مقدار کمی پول سحرخیزتر از ما بوده است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۴۱.

۲. سوره فتح، آیه ۲۰.

۳. سوره توبه، آیه ۵۸.

۴. سوره احقاف، آیه ۳۵.

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۶.

۱۲. همراهی با هستی

قرآن بارها از تسبیح، قنوت، سجده و اطاعت موجودات سخن به میان آورده تا به انسان بگوید حیوانات و نباتات و جمادات که پایین تر از تو هستند و برای شما آفریده شده‌اند، همگی مشغول بندگی خدا هستند و فرشتگان معصوم نیز پیوسته و بدون سستی و خستگی در حال اطاعت و عبادت هستند. تنها تو هستی که با بی تفاوتی از عبادت و بندگی خدا شانه خالی می‌کنی.

آری، توجه به اینکه همه هستی مطیع فرمان خدایند، می‌تواند انگیزه انسان را برای بندگی خدا بیشتر کند.

۱۳. فهمیدن فلسفه و راز امور

در فهمیدن لذتی است که در لذائذ دیگر نیست. گاهی کسالت و بی‌انگیزگی برای آن است که آثار و برکات و اسرار چیز را نمی‌دانیم. نمی‌دانیم چرا باید اینکار را بکنیم، چرا باید این درس را بخوانیم، چرا باید این رابطه را برقرار کنیم. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: اگر مردم خوبی و زیبایی و ارزش کلام ما را می‌دانستند، حتماً از ما پیروی می‌کردند.^۱

اگر از افرادی که نسبت به نماز کاهلی می‌کنند دلیل کارشان را پرسیم، خواهند گفت: چرا باید نماز بخوانیم؟ نماز چه اثری دارد؟ خداوند چه نیازی به آن دارد؟ و این بخاطر آن است که ناآگاهند و مزه و شیرینی نماز را نچشیده‌اند و این مسئولیت به دوش اهل علم و قلم و هنر است که مزه فهمیدن اسرار و لطائف را تا آنجا که ممکن است به دیگران بچشانند.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

قرآن برای دعوت به نماز می‌فرماید: نماز و عبادت تشکر از نعمت‌های اوست و هر عقل و وجدانی تشکر در برابر نعمت‌ها را لازم می‌داند. «اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ»^۱ در جای دیگر می‌فرماید: نماز، یاد خداست. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ و یاد خدا تنها وسیله آرامش دلهاست. «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳

در آیه دیگر می‌فرماید: نماز، سبب محو گناهان است. «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ»^۴

در جای دیگر می‌فرماید: نماز، انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۵ آری، همان گونه که اگر لباس ما سفید باشد روی زمین کثیف نمی‌نشینیم، اگر ما اهل نماز شدیم از بسیاری از آلودگی‌ها دوری خواهیم کرد.

اگر دانش آموز و دانشجو بداند که چرا باید ریاضی و شیمی بخواند و در آینده چه نیازی به این علوم دارد، بی شک انگیزه او در تحصیل تقویت خواهد شد.

۱۴. توجه به کوتاهی و گذران فرصت

بسیاری از افرادی که انگیزه‌ای برای کار ندارند یا در کارها سست و کاهل‌اند، خیال می‌کنند همیشه زنده هستند و نگران از دست دادن فرصت و توان خود نیستند. در صدر اسلام مرسوم شده بود که مسلمانان هر روز سوره عصر را برای همدیگر می‌خواندند و به یکدیگر گوشزد می‌کردند که

۱. سوره بقره، آیه ۲۱. ۲. سوره طه، آیه ۱۴.
 ۳. سوره رعد، آیه ۲۸. ۴. سوره هود، آیه ۱۱۴.
 ۵. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

فرصت‌ها در حال گذر و رفتنی است.

سفارش شده آنگونه نماز بخوان که گویا آخرین نماز تو می‌باشد. «صَلِّ صَلَاةَ مَوْدِعٍ»^۱

در قرآن بارها کلمه «بَعْتَهُ» آمده یعنی ناگهان مرگشان فرامی‌رسد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا بعضی مردگان با چشم باز و بعضی با چشم بسته جان داده‌اند؟ حضرت فرمودند: آن کسی که چشمش باز است، فرصت بستن و برهم گذاشتن نداشته و آنکه چشمش بسته است، فرصت باز کردن نداشته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوذر! جوانیت را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، بی‌نیازی را قبل از نداری، فرصت را قبل از گرفتاری و زندگی را قبل از رسیدن مرگ، قدر بدان.^۲

کسانی که کار نیک را به تأخیر می‌اندازند، از کجا خیر دارند که عمر طولانی دارند و زمانی بعدی هم توان انجامش را خواهند داشت؟ آری، اگر به کوتاهی و گذران عمر و از دست دادن فرصت‌ها توجه کنیم، انگیزه ما برای انجام بهتر و بیشتر و سریع‌تر بالا می‌رود و از امکانات و فرصت‌هایی که داریم، بهتر و بیشتر استفاده می‌کنیم.

۱۵. مبارزه با تبلیغات منفی

یکی از اهداف دشمن در طول تاریخ، ایجاد ترس و یأس و ضعف در دل مردم است که انگیزه درونی و حرکت بیرونی را کم کند. مؤمن برای حفظ روحیه‌ی خود باید مقابله به مثل کرده و روحیه و انگیزه خود را تقویت کند.

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۶۱. ۲. امالی طوسی، ص ۵۲۵.

به نمونه‌هایی از وسوسه‌ها و بهانه‌های ذکر شده در قرآن توجه کنیم:

متخلفان از جنگ تبوک، کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنند و به یکدیگر و به مؤمنان می‌گفتند: «لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ»^۱ در هوای گرم به جبهه جنگ نروید! خطاب می‌رسد: به آنان بگو: آتش دوزخ داغ‌تر است اگر می‌دانستند!

می‌گویند: در جبهه ما به فتنه و گناه می‌افتیم، «وَلَا تَفْتِنِي»^۲ قرآن می‌گوید: همین عذر و بهانه‌تراشی شما برای فرار، خود فتنه‌ای است که سرانجامش سقوط است.

در برابر القای ترس از دشمن، «يَحْشَوْنَ النَّاسَ»^۳ قرآن می‌فرماید: خدا سزاوارتر است که بترسید. «وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»

در برابر وسوسه انبوه بودن جمعیت دشمن، «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ»^۴ قرآن می‌فرماید: «عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ»^۵ بیست بر دویست پیروز است، البته به شرط مقاومت.

در برابر فرار از جبهه، قرآن می‌فرماید: «لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ»^۶ و می‌فرماید: مرگ به سراغتان می‌آید گرچه در ساختمانی محکم باشید. «وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ»^۷

در برابر خنده‌های تحقیر آمیز مجرمان به مؤمنان، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»^۸ قرآن می‌فرماید: روز قیامت اهل ایمان به کفار

۱. سوره توبه، آیه ۸۱. ۲. سوره توبه، آیه ۴۹.

۳. سوره نساء، آیه ۷۷. ۴. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۵. سوره انفال، آیه ۶۵. ۶. سوره احزاب، آیه ۱۶.

۷. سوره نساء، آیه ۷۸. ۸. سوره مطففین، آیه ۲۹.

خواهند خندید. ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾^۱
 در برابر شعار حمایت از بت هُبَل: «أَعْلُ هُبَل، أَعْلُ هُبَل!» شعار مسلمانان این
 بود: «الله أعلى وأجل، الله أعلى وأجل»
 در برابر شعار مشرکان که ما بت عَزَى داریم و شما ندارید: «ان لنا العزى لا
 عزى لكم»، مسلمانان شعار دادند: «الله مولانا و لا مولا لكم» خدا سرپرست
 ماست و شما این سرپرست را ندارید.
 خلاصه در برابر هر حرکت و تبلیغ تضعیف کننده دشمن، باید انگیزه‌ها و
 حرکت‌ها را با مقابله به مثل حفظ کرد.

قرآن در برابر کسانی که انفاق را غرامت و ضرر می‌پندارند، «مغرماً»^۲، گروه
 دیگری را معرفی می‌کند که انفاق را غنیمت و ذخیره قیامت می‌دانند.
 «مغنماً»^۳

قرآن در برابر برگشت و ریزش برخی افراد می‌فرماید: خود را نبازید که در
 عوض گروهی جذب شده و رویش پیدا خواهند کرد.

۱۶. آینده‌نگری

یکی از چیزهایی که به انسان انگیزه می‌دهد، توجه به آینده است. در
 قرآن آیات متعددی به این موضوع اشاره دارد، از جمله: ﴿وَالْعَاقِبَةُ
 لِلتَّقْوَى﴾^۴، ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۵ آینده از آن تقوی و اهل تقوی است. چنانکه
 پایان کار ستمکاران، هلاکت است. ﴿لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾^۶
 خداوند قول داده که ظالمان را هلاک کند؛

در جنگ حضرت ابراهیم علیه السلام و نمرود، آینده نیک با ابراهیم شد.
 در جنگ بین موسی علیه السلام و فرعون، آینده نیک با حضرت موسی شد.
 در جنگ میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان، آینده نیک با پیغمبر شد.
 در جنگ امام حسین علیه السلام و یزید ستمگر، آینده با امام حسین شد.
 خداوند به مؤمنان صالح وعده داده است که زمام امر جهان به دست آنان
 خواهد افتاد.^۱

۱۷. آثار کار در دنیا

انسان اگر آثار کار خویش را در همین دنیا مشاهده کند، انگیزه‌اش بالا
 می‌رود. قرآن می‌فرماید: ما در همین دنیا برکات خود را بر اهل ایمان و تقوا
 نازل می‌کنیم؛ ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾^۲
 گاهی به خاطر برداشتن مانعی از سر راه مردم، خداوند چند مانع را از سر
 راه ما برمی‌دارد.

در آیات و روایات متعددی می‌خوانیم که احسان به مردم، احسان به خود
 است، نظیر: ﴿إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ﴾^۳ و بخل به مردم، گره خوردن کار
 خود را به دنبال دارد، ﴿وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ﴾^۴ کسی که به دیگران
 خدعه می‌زند، در حقیقت خود را فریفته و به خود خدعه زده است. ﴿مَنْ
 غَشَّ غُشًّا﴾^۵

۱. سوره نور، آیه ۵۵. ۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.
 ۳. اسراء، ۷. ۴. محمد، ۳۸.
 ۵. کافی، ج ۵، ص ۱۶۰.

۱. سوره مطفین، آیه ۳۴. ۲. سوره توبه، آیه ۹۸.
 ۳. سوره توبه، آیه ۹۹. ۴. سوره طه، آیه ۱۳۲.
 ۵. سوره قصص، آیه ۸۳. ۶. سوره ابراهیم، آیه ۱۳.

۱۸. انجام وظیفه، نه نتیجه

بعضی ها که انگیزه ندارند، می‌گویند فایده این همه تلاش چیست، شاید به نتیجه نرسیدیم. اسلام می‌گوید: هدف این است که به وظیفه عمل کنیم و نتیجه‌اش هر چه می‌خواهد باشد.

امام خمینی می‌فرمود: ما در جنگ می‌خواهیم به وظیفه عمل کنیم، حالا به پیروزی برسیم، یا نرسیم. چنانکه امام حسین علیه السلام به وظیفه‌اش عمل کرد، گرچه در کربلا قطعه قطعه شد.

برخی که به دنبال حصول نتیجه هستند، انگیزه‌ای ندارند و حال آنکه نتیجه کار گاهی فوری و گاهی در دراز مدّت و گاهی به قیامت موکول شده است. نتیجه کار، گاهی دیدنی و مادّی و گاهی پنهانی و معنوی است، ما باید فرمانی را که از خداوند حکیم صادر شد، با علاقه و اخلاص عمل کنیم، خواه نتیجه آن را در دنیا احساس کنیم، یا نکنیم.

۱۹. مقایسه

در قرآن آیات بسیاری میان مؤمنان و کافران مقایسه کرده است. چنانکه امام علی علیه السلام گاهی برای تحریک و انگیزه دادن به یاران خود، آنان را با یاران معاویه مقایسه می‌کرد و می‌فرمود: آنان در راه باطل مقاومت دارند و شما در راه حق سست هستید.

فصل سوم:

راهکارهای مدیریتی

۱. برنامه‌ریزی و نظم

برنامه‌ریزی انسان را مقید می‌کند و موجب می‌گردد تا آسان‌تر بر راحت‌طلبی‌ها پیروز شود. به ویژه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، افراد سست و بی‌انگیزه را هم به دنبال خویش می‌کشاند. به عنوان مثال: اداراتی که برنامه منظم برای نماز دارند و اکثریت در نماز شرکت می‌کنند، دیگرانی را که سست هستند تشویق می‌کند.

نظم و برنامه‌ریزی دقیق حرکت ماشین‌ها و قطارها و هواپیماها، انگیزه مردم را در حضور به موقع بیشتر می‌کند. در ماه رمضان که خانواده برای روزه گرفتن برنامه دارند، برای اهل خانه روزه گرفتن آسان‌تر از غیر ماه رمضان است که برنامه‌ای برای روزه گرفتن در کار نیست.

وقتی برنامه‌ریزی باشد، آدم‌های بی‌انگیزه هم انگیزه‌دار می‌شوند. امام رضا علیه السلام فرمود: موقع نماز که شد، تا گفتند: «حیّ علی الصلاة» چنان به طرف مسجد بروید تا آن کسی که اهل مسجد و نماز نیست بگوید: همه که دارند نماز می‌خوانند، پس من هم نماز بخوانم! آری، باید در خانه و جامعه و اداره و مکان‌های عمومی چنان فضا سازی کنیم که همه‌ی افراد برای انجام تکالیف فردی و اجتماعی خود انگیزه بیشتری پیدا کنند.

نظم و هماهنگی برای انسان بسیار جذاب و دلپسند است.

زیبایی، محصول نظم و تناسب در اشیا می‌باشد. خداوند در آفرینش جهان همه چیز را به اندازه و با نظم آفریده است؛ «أَتَاكُلُّ شَيْءٍ خَلْقَنَاهُ بِقَدَرٍ»^۱ و آسمان را برافراشت و میزان و معیار قرار داد. «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»^۲ شب و روز و خورشید و ماه هرکدام را در جای خود قرار داد و رشد و تعالی انسان را در پرتو نظم و برنامه تعریف کرد.

اسلام عزیز، عبادات را در قالب نظم خاصی تنظیم فرموده است: نماز در وقت‌هایی خاص، روزه در ماهی خاص، حج در موسمی خاص، نماز قبل از وقت باطل و نماز اول وقت بهترین است و نماز با تأخیر مشمول کسری ثواب است و نما بعد از وقت مجازات دارد.

نظم در زندگی افراد، خوشایند ناظران است و انگیزه عمل را در آنان تقویت می‌کند.

بزرگی گفته است: برنامه‌ریزی، وقت انسان را زیاد می‌کند.

در حقیقت نظم و برنامه‌ریزی در هر کاری، بهره‌وری را بالا می‌برد.

۲. نظارت و کنترل

داشتن سازمان و تشکیلات و به ویژه توجه به حضور و غیاب افراد و نظارت و پیگیری، انگیزه را در افراد زیاد می‌کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه نماز صبح می‌خواندند، با نگاهشان جمعیت را حضور و غیاب می‌کرد و اگر کسی غایب بود، دلیلش را جویا می‌شد، اگر مسافرت بود برایش دعا می‌کرد و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفت.

به هر حال همین که مردم می‌دانستند توجه و نظارتی در کار است، برای

حضور در نماز جماعت انگیزه بیشتری پیدا می‌کردند.

قرآن در قصه‌ی حضرت سلیمان می‌فرماید: سلیمان بر تمام افرادی که تحت فرمانش بودند نظارت دقیق داشت، حتی بر پرندگان. روزی هدهد غایب بود، فرمود: هدهد کجاست؟ چرا هدهد را نمی‌بینم؟^۱ این نظارت و کنترل عامل مهمی در حفظ انگیزه و تعهد در افراد و جامعه است.

۳. دسترسی به امکانات

برای انجام هر کاری نیاز به مقدماتی است، از این رو داشتن حداقل امکانات، در ایجاد و حفظ انگیزه عامل مؤثری است. آدمی که از امکانات بی‌بهره است، نشاطش اندک و اراده‌اش سست می‌گردد. قرآن می‌فرماید: برای ترساندن دشمنان خدا هرچه در توان دارید آماده کنید. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۲

الْبَتَّةَ تَوَكَّلْ وَ اخْلَاصَ وَ اِمْدَادِهَايِ الْهَيْ، با تهیه تدارکات و تجهیزات منافاتی ندارد. قرآن در یکجا می‌فرماید: خدا پرندگان را در آسمان نگه می‌دارد. «مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ»^۳ و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ»^۴ پرنده با دو بال پرواز می‌کند. بنابراین گرچه خداوند پرنده را در فضا حفظ می‌کند، اما این حفاظت توسط دو بال و بال زدن خود اوست.

در تاریخ می‌خوانیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمعی از مسلمانان را به منطقه‌ای فرستادند تا از ابزار نظامی آنان بازدید کرده و شیوه بکارگیری آن را فراگیرند و به سایر مسلمانان یاد دهند.

۱. سوره نمل، آیه ۲۰.

۲. سوره انفال، آیه ۶۰.

۳. سوره ملک، آیه ۱۹.

۴. سوره انعام، آیه ۳۸.

۱. سوره قمر، آیه ۴۹.

۲. سوره الرحمن، آیه ۷.

بنابراین تهیه و دسترسی به امکانات و تجهیزات و مهارت‌ها، اراده انسان را نسبت به کار آسان‌تر و بیشتر و سریع‌تر می‌کند و منافاتی با حفاظت خداوند ندارد.

۴. همکاران علاقه‌مند

اگر همکاران، علاقه‌مند به کار و کارفرما و دیگر همکاران باشند، بازدهی کار رو به افزایش می‌نهد. مثل اینکه اگر فرزند انسان همکار و شاگردش باشد، روشن است که رابطه‌ی نسبی و عاطفی و روحی در بالا بردن سطح انگیزه‌ها اثر به‌سزایی دارد.

شاید اینکه در حدیث آمده است که از سعادت آدمی این است که فرزندش همکارش باشد، همین باشد. زیرا علاقه به کارفرما مانع کم‌کاری، بدکاری، هدر دادن وقت و امکانات است و سبب افزایش کمی و کیفی کار است. البته ممکن است افرادی از فامیل بودن یا رفیق بودن سوء استفاده نیز بکنند که در آن موارد باید شرایط و افراد را تغییر داد.

۵. وقت‌شناسی و مدیریت زمان

در برنامه‌ریزی‌ها وقت‌شناسی و تناسب عمل با زمان انجام آن اهمیت دارد؛ گاهی که در کار خاصی دچار کسالت و سستی می‌شویم، بهتر است زمان انجام آن کار را تغییر دهیم. چون تغییر در زمان یک کار، موجب ایجاد انگیزه بیشتری خواهد شد.

در اسلام به اهمیت وقت و وقت‌شناسی و مدیریت زمان تاکید فراوانی شده است:

رسول خدا ﷺ فرمود: خدای بزرگ زمان‌هایی را مانند اوقات نماز

برگزیده و روزهایی را مثل روز جمعه و ایام حج و شب‌هایی را مثل شب قدر و ماههایی را مثل ماه رمضان برگزیده است.

نماز، گناهان میان دو نماز را پاک می‌کند و نماز جمعه گناهان جمعه تا جمعه و ماه رمضان گناهان بین دو ماه رمضان را برطرف می‌کند و هیچ روز و شبی در دنیا بهتر از روز و شب دهه اول ذی‌الحجه نیست.^۱

بهترین زمان تعلیم و تربیت، دوران کودکی است. لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید: فرزندم در کودکی تو را تربیت کردم تا در بزرگی بهره‌اش را ببری.

تربیت در کودکی به مراتب آسان‌تر از دوران بزرگسالی است: حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: قلب کودک همانند زمین بی‌گیاه است، هرچه بر او عرضه شود می‌پذیرد. به همین جهت من پیش از اینکه قلب تو سخت شود و دلت مشغول گردد، به تأدیب تو اقدام نمودم.^۲

و نیز فرمود: آنکه در کودکی آموزش نبیند، در بزرگی پیشرفتی ندارد.^۳ و فرمود: علم در کودکی، همچون نقش بر سنگ (ماندگار) است.^۴ یا فرمود: در کودکی آموزش ببینید تا در بزرگسالی سروری کنید.^۵

تناسب کار با زمان مناسب، از نکات بسیار مهمی است که حضرت علی علیه السلام بر آن پافشاری دارد و می‌فرماید: آداب و رفتار زمان خود را به فرزندانتان تحمیل نکنید، چراکه آنان برای زمانی متفاوت با زمان شما آماده می‌شوند.^۶

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۳. غررالحکم.

۴. کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵. شرح نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۶. همان.

۶. فضا سازی و مدیریت مکان

تغییر مکان گاهی انگیزه را زیاد می‌کند. مکانی که ما در آن هستیم، در روحیه و عمل ما اثر مطلوب یا نامطلوب می‌گذارد. آراستگی، روشنایی و نور؛ گرما و سرما، دور و نزدیک بودن، آمن و ناآمن بودن، آثار تاریخی، تفریحی، معنوی و تجهیزات، هر یک در ایجاد نشاط و انگیزه و استحکام اراده سهمی دارد.

مکان هر کاری باید متناسب با آن کار باشد؛ مکان عبادت، مکان مطالعه، مکان کار و فعالیت، مکان خواب و استراحت، محل گفتگو و مذاکره، محل گردش و تفریح، هر کدام ویژگی‌ها و استانداردهای خود را می‌طلبد تا انگیزه در آن کار و فعالیت را افزایش دهد.

در تاریخ آمده است که در زمانی می‌خواستند در نقطه‌ای از شهر بیمارستانی بسازند، با دانشمند بزرگ اسلامی جناب زکریای رازی مشورت کردند. ایشان فرمود: قطعه گوشتی را چهار قسمت کنید، و در چهار منطقه شهر آویزان کنید، هر کجا این گوشت دیرتر فاسد شد، پیداست هوای آنجا بهتر است، در آنجا بیمارستان بسازید.

ما باید در جاهایی که پارک و فضای سبز وجود دارد، کتابخانه درست کنیم و محل فکر و اندیشه و آموزش را با طراوت و سرسبز کنیم. به فضای سبز مدرسه و آموزشگاه‌های فرزندان توجه کنیم و تأثیرش را در موفقیت بیشتر آنان مشاهده کنیم. حال آنکه ما کتابخانه را در محلی نامناسب، اتاق پذیرایی را که سالی چند بار مهمان داریم، مفصل درست می‌کنیم، اما اتاق مطالعه و درس فرزندانمان را که در طول سال از آن استفاده می‌کنند تنگ و نامناسب.

۷. دوستان هم سلیقه

رفقای هم‌فکر و هم سلیقه، انگیزه‌های یکدیگر را تقویت می‌کنند. حضرت موسی علیه السلام همکاری برادرش هارون را از خداوند درخواست کرد.^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان افرادی که با هم سنخیت داشتند، عقد برادری خواندند؛ مانند سلمان و ابوذر، ابوبکر و عمر، امام علی و خودش و همچنین بین بانوان همفکر و هم سلیقه، عقد خواهری خواندند. لذا در پیشامدها و کارها، افراد هم سلیقه با هم شریک می‌شدند.

بخش مهمی از توفیقات فرهیختگان به خاطر همفکری و همکاری همسران و خانواده آنان است. راستی اگر مدرک دکتری یا اجتهاد را به مردی می‌دهند، سزاوار است یک دکترای افتخاری هم به همسر همدل و هم‌فکر و زمینه‌ساز او داده شود.

نمونه همفکری در کار خیر: پیامبر اکرم و حضرت خدیجه، امام علی و حضرت فاطمه، حضرت ابراهیم و هاجر و اسماعیل صلوات الله علیهم و نمونه همفکری در کار شرّ: ابولهب و همسرش می‌باشد.

رسول خدا می‌خواست دور مدینه را خندق بکند فرمود: ده نفر ده نفر شوید و شروع کنید به کندن خندق و هر کدام بروید و ده نفر مثل خودتان را پیدا کنید.

از چیزهایی که انگیزه نیک انسان را زیاد می‌کند، داشتن دوست بهتر و بالاتر از خود است. مثلاً اگر آن دوست نمره هفده آورد من هم می‌خواهم نمره هفده بیاورم، اگر او بیست آورد، من هم بیست بیاورم. یعنی ایجاد مسابقه و رقابت مثبت و رشد و ترقی در کمالات. اما اگر رفیقش از خودش

۱. سوره طه، آیه ۳۰.

پایین تر باشد، سست می شود. در بسیاری از موارد افراد وقتی دیدند دوست و رقیبشان فعال است، آنها هم فعال تر می شوند.

۸. مقبولیت مدیر

مدیری که نزد کارکنانش از مقبولیت علمی، ایمانی و رفتاری برخوردار است، خود به خود در قلب آنان جای پیدا کرده و انگیزه کارمندانش را برای کار، حفظ و تقویت می کند.

زیردستان فطرتاً از کسی متابعت می کنند که وی را قبول داشته باشند. اما مدیری که در ذهن زیردستانش جایگاهی ندارد، کم کاری، مسامحه و سستی در آن محیط دور از انتظار نیست.

دانش آموزانی که مدیر و معلمشان محبوب و مورد قبول آنان است، انگیزه درس خواندن و تلاش برای پیشرفت در آنها بیشتر است.

۹. امنیت شغلی

کشاورزی که می داند دولت محصولش را خریداری می کند و کارش هدر نمی رود، انگیزه اش برای کار کردن، روز به روز افزون می شود. کارمندی که می داند هر ماه مبلغ معینی درآمد خواهد داشت، از نظر روحی و ذهنی دغدغه و اضطراب نخواهد داشت، با فراغ بال کارش را انجام می دهد.

کارگری در خانه امام رضا علیه السلام کار می کرد. حضرت به سرکارگش فرمود: چقدر مزد با وی طی کرده ای؟ وی گفت: آدم بیچاره ای است که هر چه به وی بدهی قبول می کند. حضرت ناراحت شدند و فرمودند: مگر من به تو نگفته بودم که مزد کارگر را از ابتدا مشخص کن. البته در پایان کار که خواستی مزدش را بدهی، چیزی هم اضافه پرداز.

۱۰. جرأت و شجاعت

ترس و اضطراب، انگیزه را تضعیف می کند، اما جرأت و جسارت، انگیزه بخش است. انسان های شجاع از اقدام و عمل لذت می برند. چه بسیار افرادی که جرأت و شجاعتی نداشته مجرد مانده و ازدواج نکرده اند، یا از رانندگی می هراسند.

شرط موفقیت در هر کاری جسارت است، تاجر ترسو هیچگاه تجارتش رونق نمی گیرد. در حدیث آمده است که تاجر بدون جرأت، ثمری جز گرسنگی نخواهد داشت.

انبیای الهی و پیشوایان دینی، دارای روحیه حماسی بوده اند.

بر والدین لازم است که فرزندان خود را شجاع و با جرأت تربیت کنند و با انواع تمرین ها و تجربه ها و رفاقت ها، آنان را از خجالت و ترس نابجا دور نمایند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: از هر کاری می ترسی، خود را در آن قرار بده، چون ترس آن، از خود عمل بیشتر است.

بسیاری از چیزهایی که انسان از آن می ترسد، خیالی و واهی است.

قرآن از انسان های شجاع و دلیر تعریف کرده و آنان را ستوده است؛ مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که در برابر بت پرستان سوگند یاد کرد که بت ها را نابود سازد و همه ی بت ها را شکست. «وَ تَاللّٰهِ لَآكِيدَنَّ اَصْنَامَكُمْ»^۱

یا شجاعت حضرت داود نوجوان در برابر جالوت ستمگر؛ «وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ»^۲ این نوجوان دلیر چنان حمله کرد که رهبر کفر را کشت و خداوند به خاطر این جرأت و جسارتی که داشت او را به

۱. سوره انبیاء، آیه ۵۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۱.

مقام نبوت و پادشاهی رسانند.

۱۱. محیط و فضای عاطفی

در محیط‌های کار گروهی و اجتماعی، اگر میان افراد صمیمیت و رفاقت برقرار باشد، همهی افراد هنر و توان واقعی‌شان را عرضه می‌کنند، خستگی احساس نکرده و سعی دارند در انجام وظیفه از یکدیگر پیشی بگیرند، در غیر این صورت انگیزه چندانی برای سعی و تلاش ندارند. حتی در مسافرت، انگیزه همکاری بیشتر شده و خوشی و لذتشان زیادتر می‌شود. همچنین در محیط‌های خانوادگی که میان خانواده روابط عاطفی بیشتری حاکم باشد، اعضای خانواده برای کمک به یکدیگر تلاش دوچندان کرده و از خیررسانی به یکدیگر لذت می‌برند. اما اگر جمعی که با یکدیگر کار می‌کنند، بدون عاطفه و صمیمیت و تنها براساس وظایف مشخص شده قرارداد کار کنند، حتی در حد انجام وظایف هم آنگونه که شایسته است موفق نخواهند بود.

۱۲. عدالت

جامعه‌ای که در آن عدالت حاکم است، کار کردن به ویژه تولید و ابتکار مقرون به پیشرفت است. خانواده‌ای که در آن تبعیض نباشد، اداره‌ای که افرادش براساس لیاقت انتخاب شده باشند، کارگاهی که هرکس به قدر استعداد و تلاشی که کار می‌کند از منافع آن بهره‌مند شود، در چنین مجموعه‌هایی انگیزه و نشاط کار بیشتر شده و حس مسابقه در کار روز به روز شعله‌ورتر می‌گردد. در مقابل اگر ظلم و تبعیض برقرار باشد، استعدادها کم فروغ شده و گرد یأس و تنبلی روحیه آنان را فرا می‌گیرد. وقتی رابطه جای

ضابطه را بگیرد، انگیزه‌ها به شدت لطمه می‌بینند.

توجه به سخنان بلند و حکمت‌های فاخر امام علی علیه السلام در این زمینه، نشان دهنده نقش عدل در ایجاد انگیزه است:

عدل، زندگی است. «الْعَدْلُ حَيَاةٌ»

عدل، عامل اصلاح جامعه است. «الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ»

هیچ چیز مثل عدل، آبادانی به دنبال ندارد. «مَا عَمَرَتِ الْبُلْدَانَ بِمِثْلِ الْعَدْلِ»

با عدل برکات چند برابر می‌شود. «بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ»

هرکس بر اساس عدل و عدالت رفتار کند، خداوند رحمتش را بر او

سرازیر و فراگیر می‌سازد. «مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ»

هرکس با عدل رفتار کند، فرمانش تأثیرگذار می‌شود. «مَنْ عَدَلَ نَفَذَ حُكْمَهُ»

کسی که به عدل رفتار کند، منزلت و محبوبیتش بیشتر می‌شود. «مَنْ عَدَلَ

عَظُمَ قَدْرُهُ»

کسی که بر اساس عدل رفتار کند، خداوند زمامداریش را حفظ و نگه

می‌دارد. «مَنْ عَمَلَ بِالْعَدْلِ حَصَنَ اللَّهُ مُلْكَهُ»^۱

حتی در خانه‌ای که والدین رفتار عادلانه دارند، فرزندان انگیزه و نشاط

بیشتری برای کار و تلاش در هر زمینه‌ای دارند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود: بین فرزندانان به عدل رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید با

شما به عدل رفتار شود. «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ»^۲

۱. غررالحکم.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۱۳. همیاری

تعاون و همکاری، عامل انگیزه‌های فردی و اجتماعی است. فرض کنید خانم خانه‌داری بخواهد تحصیل کند یا حرفه‌ای را فراگیرد، اگر مرد خانه از آن استقبال کند و کمک کار او باشد و فرزندان نیز بخشی از کارهای مادر را تقبل کنند، در چنین جو همکاری، مادر نیز انگیزه و تلاشش چندبرابر می‌شود. اما اگر عکس‌العمل خانواده منفی باشد، از انگیزه و تلاش او کاسته می‌گردد.

همچنین بچه‌های خانواده‌ای که بزرگترهای آن گرفتار تضاد و تناقض و اختلاف هستند، در زندگی فاقد اراده‌ای محکم خواهند بود و در این صورت در کارشان انگیزه استوار و قوی نخواهند داشت.

قرآن کریم درباره همکاری والدین و فرزندان به همکاری اسماعیل و پدرش ابراهیم در ساختن و بازسازی کعبه و پاکیزه نگه داشتن مسجد برای عبادت‌کنندگان اشاره می‌کند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: رحمت خدا بر پدری که با فرزندش در خوبی‌ها همکاری کند.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که به امور خانه کمک می‌کند، خداوند نامش را در دیوان شهیدان می‌نویسد.^۳

۱۴. ایجاد رقابت و مسابقه

رقابت‌های مثبت، تأثیر بسیار نیکویی در پیدایش و تقویت انگیزه دارد. البته رقابتی که در آن گناه و تحقیر و تخریب دیگران و انتقام‌گیری و تهمت و سؤ‌ظن نباشد.

دنیا، میدان مسابقه است و اسلام به مسابقه در جنبه‌های مختلف زندگی تأکید دارد. باید سعی کنیم در خانه و میان اعضای خانواده، در اداره و محیط اجتماعی، مدرسه و دانشگاه و کارخانه، فضای مسابقه و رقابت پدید آید.

حضرت سلیمان برای آوردن تخت بلقیس از منطقه سبأ، میان کارگزاران خود رقابت ایجاد کرد و فرمود: کدام یک از شما می‌تواند سریع‌تر آن را بیاورد؟ یکی گفت: قبل از بلند شدن از جایگاهت آن را می‌آورم. ﴿قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ﴾^۱ و دیگری گفت: در یک چشم بهم زدن می‌آورم. ﴿قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾^۲

تشویق به رقابت در کارهای خیر را قرآن با جملات «سَابِقُوا»^۳، «فَاسْتَبِقُوا»^۴ و «سَارِعُوا»^۵ مطرح کرده است و حضرت علی عليه السلام در دعای کمیل از خداوند می‌خواهد که در میدان مسابقه شرکت کند. «حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ» خدایا من در میدان‌های مسابقات بر همه پیشینیان سبقت بگیرم و از همه شتابندگان، به درگاہت زودتر آیم.

همچنین اسلام به مسابقه تیراندازی، اسب سواری، شنا و کشتی تشویق

۱. سوره نمل، آیه ۳۹. ۲. سوره نمل، آیه ۴۰.

۳. سوره حدید، آیه ۲۱. ۴. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۷. ۲. فقه الرضا، ص ۳۳۶.

۳. جامع الاخبار، ص ۱۰۲.

کرده و توجه ویژه‌ای به نوع جایزه دارد. در دنیای امروز به برنده یک تندیس، یا گلدان یا مدال و وسایل مصرفی جایزه می‌دهند، اما پیغمبر ما برای برندگان مسابقات، جوایز کاربردی و تولیدی مفید اهدا می‌کرد. همچون شتر حامله و یا درخت خرما میوه‌دار.

جای بسیار تأسّف است که امروزه به جای رشد و پیشرفت و رقابت سالم، مسابقات معمولاً منفی و در فضایی آلوده از کینه و حسادت بوده و همه به دنبال تخریب و تضعیف یکدیگرند و در تجمل‌گرایی و چشم هم‌چشمی و به رخ کشیدن دارایی خود از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

قرآن می‌فرماید: در کارهای خیر از هم سبقت بگیرید، «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱ یا در توصیف مؤمنان عابد می‌فرماید: «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۲ فلانی خدمت می‌کند، من چرا خدمت نکنم. او درسش را می‌خواند، نماز می‌خواند، رابطه با خدا دارد، من چرا چنین نباشم؟ قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۳، یک عده‌ای از خود گذشتند و دیگران را بر خود مقدم داشتند. حال بنگر خود کجای راهی؟!

پیامبر عزیز اسلام از طریق برگزاری مسابقه در مسائل مختلف معنوی، علمی، آموزشی، تفریحی و ورزشی، انگیزه ایجاد می‌کرد.

آن حضرت، خود در مسابقات اسب سواری و تیراندازی شرکت می‌کرد و یا برای آن مسابقات جایزه می‌داد.^۴

خبر رسید که عده‌ای از مشرکان به قصد دستبرد به گوسفندان مردم به

اطراف مدینه آمده‌اند. پیامبر و جمعی از اصحاب برای سرکوبی آنان از مدینه خارج شدند و مشرکان را فراری دادند. در راه برگشت، قتاده عرض کرد: یا رسول الله مایلید با هم مسابقه بدهیم؟ پیامبر فرمود: بله. مسابقه دادند و پیامبر برنده شد.^۱

از انس بن مالک پرسیدند: آیا در زمان رسول خدا شما مسابقه داشتید؟ گفت: آری، یکبار پیامبر با اسبی که بر آن سوار بود مسابقه گذارد و پس از برنده شدن بسیار خوشحال بود.^۲

روزی رسول خدا ﷺ به صحرا رفت و چوپانی که به قدرت و زور بازو مشهور بود، به آن حضرت گفت: حاضری با من کشتی بگیری؟ حضرت پرسید: جایزه چه باشد؟ گفت: یک گوسفند. پیامبر با او کشتی گرفت و بر او پیروز شد.

جوان اعرابی گفت: یکبار دیگر؟ حضرت فرمود: جایزه چیست؟ گفت: گوسفندی دیگر. حضرت دوباره با او کشتی گرفت و او را بر زمین زد. بادیه‌نشین گفت: تاکنون کسی نتوانسته بود پشت مرا به زمین برساند، اکنون دینت را بر من عرضه کن. پیامبر، اسلام را به او عرضه کرد و او مسلمان شد و آن حضرت دو گوسفندش را به او بازگرداند.^۳

۱۵. چشم‌پوشی از لغزش‌ها

عفو و اغماض نسبت به کسی که مسئولیتی را بر عهده داشته و درست انجام نداده، فرصتی است تا فرد با انگیزه‌ای دو چندان کار را از سر گیرد. کودکان و نوجوانان باید وارد میدان عمل شوند تا در میان یک دور آزمون

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۴.

۳. سوره حشر، آیه ۹.

۴. کافی، ج ۵، ص ۴۹.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۰.

۲. عوالی اللالی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۲.

و خطا، تجربه بیاموزند و بزرگترها از خطاهای آنان درگذرند.

پس باید به افراد مجال و فرصت عمل داد. پدر یا رئیس و مدیر اداره یا جامعه اگر از سعه صدر بی بهره باشد، افراد زیردستش را از رشد محروم کرده است.

انگیزه‌ای که از طریق تنبیه، ترس و مجازات پدید آید، دوام ندارد و چنین انگیزه‌ای برای رشد شخصیت مفید نیست. تشویق، عفو، تسامح، از عوامل بسیار مهم در پرورش و ایجاد انگیزه محسوب می‌شود. قرآن این درس را در ضمن قصه حضرت یونس علیه السلام یادآوری فرموده است.

هنگامی که حضرت یونس علیه السلام از هدایت مردم زمانه‌اش مأیوس گردید، با حالت قهر از آنها جدا شده و سوار بر کشتی دور شد. کشتی دچار طوفان شد و چاره کار را در سبک کردن بار و سپس نفرات کشتی دیدند، که برای نجات همگان، برخی فدای دیگران شوند. قرعه زدند و آن حضرت انتخاب شد. وی را گرفتند و به دریا افکندند و نهنگی حضرت یونس را بلعید.

قرآن می‌فرماید: یونس درون شکم ماهی و در آن ظلمات، به مناجات پرداخته و از اینکه چرا مردم را تنها گذارده، از خدا طلب بخشش می‌کرد. سرانجام پس از گذشت چند روز، نهنگ وی را به ساحل دریا افکند و دوباره مأموریت پیدا کرد به آن شهر برگردد.

از طرفی مردم آن شهر که پس از رفتن پیامبر از میانشان متنبه شدند، به درگاه خداوند توبه کرده و ایمان آورده بودند، خداوند نیز عذاب را از آنان برداشت و دوباره حضرت یونس را به سوی آنان فرستاد.

۱۶. کار متناسب با استعداد

عامل استعداد در میان بقیه‌ی عوامل، نقش کلیدی دارد. کاری که به عهده‌ی افراد واگذار می‌شود حتماً باید با استعداد و توانایی‌های آنان متناسب داشته باشد که هرکاری استعداد خاص را می‌طلبد.

بسیارند افرادی که در رشته‌ای که استعداد ندارند کار می‌کنند. این مسأله در مراکز آموزشی نظیر دانشگاه‌ها کاملاً مشهود است.

چه بسا افرادی که استعداد ادبیات دارند و در رشته‌ی پزشکی یا مهندسی درس می‌خوانند. روشن است که سرنوشت چنین دانشجویانی چه خواهد شد. اینان اگر پزشک شوند به دلیل عدم علاقه، پزشک خوبی نخواهند بود. می‌گویند: داروین پدرش پزشک بود و دوست داشت پسرش نیز طبیب شود. او را به دانشکده‌ی پزشکی فرستاد، اما پسر موفقیتی نداشت، پدرش او را به کلیسا فرستاد تا کشیش شود. در آن رشته هم شکست خورد، زیرا این رشته هم مطابق ذوق و استعداد وی نبود. سرانجام به رشته‌ی علوم طبیعی رفت و در این رشته موفق شده و نبوغ خاصی پیدا کرد.

بنابراین هرکس باید استعداد و تمایلات ذاتی خود را کشف کند. مثلاً بنده استعداد شعر و شاعری ندارم و از این جهت کمتر شعر می‌خوانم.

متأسفانه اعتباراتی که به غلط در جامعه هزینه می‌شود، عامل مهمی در انحراف استعدادهاست. گاهی مواجه می‌شویم با دخترانی که استعداد خیاطی فوق‌العاده‌ای دارند، اما چون دختران فامیل دیپلم گرفته‌اند یا دانشگاه رفته‌اند، با زور می‌خواهد دیپلم یا لیسانس بگیرد.

تبلیغات اجتماعی در این نوع ارزش‌سازی، فوق‌العاده مؤثر است. باید رسانه‌های جمعی و مقررات و خدمات و تحصیلات دولتی و انواع بیمه‌ها و

مزایا و جایگاه اجتماعی و تبلیغات، فرهنگ مردم را آنگونه هدایت کنند که مردم بدانند که یک خیاط یا آشپز موفق، قطعاً از یک مهندس ناموفق سهم بیشتری در رفع نیازمندی‌های جامعه دارد.

۱۷. توصیه دیگران

سفارش افراد متعدد نسبت به کاری که بر عهده‌ی انسان است یا قرار است بر عهده‌ی وی گذاشته شود، موجبات پدید آمدن انگیزه است. توصیه‌های دیگران، نقش فلش راهنما و جرقه‌ای در ذهن انسان را دارد. گاهی خود من نامه‌های متعددی از طرف مخاطبین برنامه‌هایم دریافت می‌کنم و جهت برنامه‌ها را به سمت آن توصیه‌ها تغییر می‌دهم.

در اسلام توصیه به خوبی‌ها و پذیرش توصیه دلسوزان، جزو وظایف و فرهنگ عمومی است. «تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر» نظیر توصیه رهبران دینی به مردم و پذیرش آن از سوی مردم. چنانکه توصیه‌های خداوند به انبیا و سفارش‌های پیامبران و امامان به مردم، بخشی از معارف دینی ماست. حتی برخی بزرگان از دیگران تقاضای نصیحت و توصیه داشتند.

۱۸. نقش الگویی مسئولان

خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»^۱، استقامت کن همان گونه که پیامبران بزرگ استقامت کردند. از روشهای مرسوم قرآن کریم برای تربیت، معرفی الگو است؛ از جمله: حضرت ابراهیم و پیروانش را به عنوان الگوی برتر معرفی می‌کند. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»^۲

پیامبر اسلام را به عنوان الگوی برتر معرفی می‌کند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱

الگوی پاکدامنی را حضرت یوسف، الگوی مقاومت را همسر فرعون، الگوی صبوری در بیماری و مشکلات را حضرت ایوب، الگوی مبارزه با طاغوت را حضرت موسی، الگوی حکومت صالحان را حضرت سلیمان، الگوی قضاوت صالحان را حضرت داود، الگوی سازندگی را ذوالقرنین و الگوی ایثار و فداکاری فردی و خانوادگی را امام علی و خانواده‌اش بیان کرده است.

روایت «التاس علی دین ملوکهم»^۲ که مردم بر دین رؤسایشان هستند، اشاره به این است که مسئولان در رشد و ایجاد انگیزه در زیردستان نقش فوق‌العاده مهمی دارند. مسئولی که منظم، نسبت به بیت‌المال دقیق، وقت‌شناس و قبل از هر دستوری خود عامل به دستور است و قبل از همه‌ی کارمندان در اداره و محل کار حاضر می‌شود، طبیعتاً پرسنلی منظم، وقت‌شناس و دقیق تربیت خواهد کرد.

هیچ زبانی گویاتر از زبان عمل نیست. مدیری که عامل است، خودش به تنهایی سازمان تبلیغات هم هست. اما اگر مدیر نالایق یا وقت‌شناس و بی‌نظم و بدون عمل بود، پرسنل به خود حق می‌دهند که بی‌دقت، بی‌نظم، و کم کار باشند.

حق تعالی وقتی به دیگران دستور درود فرستادن بر پیامبرش را صادر می‌فرماید، ابتدا نقش خودش و فرشتگان را بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» و بعد بخشنامه صادر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ»

۱. سوره احقاف، آیه ۳۵. ۲. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱. ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷.

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^۱

خدمت مقام معظم رهبری بودم، ایشان هنگام نماز فرمود: می‌خواهیم نماز بخوانیم با یک لامپ کافی است. فیلمبرداری که نمی‌خواهیم بکنیم، مهمان خارجی هم که نداریم، می‌خواهیم نماز بخوانیم، یک لامپ بس است. از آن وقتی که من این را دیدم، خودم هم که می‌خواهم نماز بخوانم، لامپ‌های اضافه را خاموش می‌کنم. آری، رفتار مسئولان در زیردستان اثر می‌گذارد.

۱۹. مشورت و مشاوره

مشورت و مشاوره، باعث استحکام و تقویت انگیزه می‌شود. زمانی که در اصل موضوع یا انجام عملی دچار تردید می‌شویم، با خبرگان به مشورت می‌نشینیم. حاصل این نشست‌ها، تقویت اراده و اطمینان ماست. رای و نظر اکثریت هم همین نقش را دارد، با این فرق که میان مشورت و رأی اکثریت تفاوت است؛ زیرا شور یعنی بهترین رأی، نه بیشترین رأی. در مشورت از بهترین رأی مطلع می‌شویم خود تصمیم می‌گیریم که کدام رأی را انتخاب کنیم، اما در رأی اکثریت لزوماً اکثریت بهترین‌ها نیستند. منتها ما گاهی راهی برای شناخت بهترین‌ها پیدا نمی‌کنیم، آن وقت می‌گوئیم بهترین راه حل، رأی اکثریت است.

نکته دیگر اینکه در مشورت سلسله مراتب وجود ندارد. نقش دیگر مشورت در ازدیاد انگیزه، کم کردن موانع است. از جمله موانع، وجود حسودان و تنگ‌نظران است. مشورت حسادت را از بین

می‌برد. شخصی که طرف مشورت قرار می‌گیرد، احساس می‌کند مورد احترام واقع شده و در صورت موفقیت، خود را در آن سهیم می‌بیند و مانع تراشی نمی‌کند.

۲۰. استفاده از تجربیات دیگران

یکی از عواملی که انسان را از تردید خارج می‌کند و انگیزه را محکم می‌سازد، حرکت در راهی است که دیگران آن را پیموده و تجربه کرده‌اند. معنی این سخن نفی ابتکار نیست. زیرا همه‌ی انسان‌ها به دلیل ظرفیت‌های مختلف، دارای جسارت ابتکار و ابداع نیستند و لازم است راه‌های دیگران را دنبال کنند. خانمی که در آشپزی یا خیاطی یا آرایشگری مهارت کافی پیدا نکرده، بهتر است از الگوهای انجام شده تقلید کند. کسی که هنوز مقدمات لازم برای تحقیقات را کسب نکرده، فکر نظریه‌پردازی را نباید از سرش خارج کند.

آرامشی که در سایه تبعیت از راه‌های رفته در انسان پدید می‌آید، همچون موتوری است که محرک اقدامات بعدی محسوب می‌شود.

امام علی علیه السلام در دستورالعمل به استاندارش مالک اشتر می‌نویسد: با افرادی طرح دوستی بریز که اهل تجربه باشند.^۱

و به فرزندش امام حسن علیه السلام یادآوری می‌کند که با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده و او را از تلاش بیشتر بی‌نیاز ساخته‌اند، تا خیراتی که نصیب آنان شده به او هم برسد.^۲

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

همچنین آن حضرت میوه و نتیجه تجربه را انتخاب و گزینش خوب دانسته و فرموده است: در هر تجربه‌ای درسی است و هرکه خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، چشم‌انداز آینده را نخواهد دید.^۱
بهترین وسیله اطلاع از تجربیات گذشتگان، کتاب و مطالعه آن است.

۲۱. تنوع

تنوع در انجام یک کار و به طور کلی در حیات تکوینی و تشریحی، یک اصل است.

در دنیا به دلیل تکرارهایی که وجود دارد، روح انسان دچار ملالت می‌گردد. یکی از راه‌های رفع ملالت و کسالت و تقویت نشاط و شادابی، تنوع بخشیدن به کار و محیط کار و امثال آن است.

تنوع در لباس، نشاط ایجاد می‌کند؛ لباس کار، لباس جنگ، لباس عبادت، لباس استراحت، لباس مهمانی، لباس احرام و لباس عروسی، هر کدام به شکل و رنگ و مدل خاصی است.

تنوع در صدا، یک نماز را آهسته بخوان، یک نماز را بلند.

انسان، نوگرا و تنوع‌طلب است، از این رو خداوند جهان آفرینش را با تنوع در اختیار بشر گذاشته است؛

تنوع در خاک و زمین، «و فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ»^۲،

رنگارنگی گیاهان، «يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ»^۳،

تنوع در میوه‌ها، «فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا»^۴،

تنوع در شکل و رنگ و زبان انسان‌ها، «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

۱. غرالحکم.

۲. سوره رعد، آیه ۴.

۳. سوره زمر، آیه ۲۱.

۴. سوره فاطر، آیه ۲۷.

اِخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^۱

به راستی اگر همه آدمها مثل آجرهای یک ساختمان یک شکل و یک قد و یک اندازه بودند، زندگی چه وضعی پیدا می‌شد؟!

با کمی دقت می‌بینیم که شکل درختان، برگ درختان و گل و شکوفه آنها، حتی رنگ سبز آنها گوناگون و متنوع است. یک مهندس کشاورزی می‌گفت: در یک باغ موزه در پاریس بیش از پنج هزار نوع انگور موجود بود.

تنوع در دنیای حشرات، پرندگان، چرندگان و به ویژه تنوع در موجودات دریایی، انسان را به شگفتی وامی‌دارد.

۲۲. تذکرات مفید هنگام کار

تکرار نصایح اخلاقی بزرگان ملال‌آور نیست، بلکه سازنده است. قرآن کریم یکی از رسالت‌های پیامبر اسلام را یادآوری و تذکر می‌داند. «فَذَكِّرْ أَمَّا أَنْتَ مُذَكَّرٌ»^۲ و یا می‌فرماید: تذکر بده اگر نفعی در آن می‌بینی. «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَى»^۳ با آیات قرآن به کسی که از هشدارهای الهی می‌ترسد، تذکر بده. «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدٌ»^۴

امیرمؤمنان علیه السلام در طول روز به بازار می‌رفت و بازاریان را متذکر مسائل حلال و حرام و حقوق مشتری می‌ساخت.

بسیار بیجا و خوب است در همه‌ی سازمان‌ها و ادارات و نهادها و محیط‌های اجتماعی، تذکراتی مختصر و مناسب و با سلیقه انتخاب شده و منتشر گردد. تصور کنید که روزانه چند بار در محیط کار، بیمارستان، مدرسه و... سخنان سازنده‌ی بزرگان دین متناسب با زمان و محیط تذکر داده شود،

۱. سوره روم، آیه ۲۲.

۲. سوره غاشیه، آیه ۲۱.

۳. سوره اعلی، آیه ۹.

۴. سوره ق، آیه ۴۵.

چه انگیزه‌ای در مخاطبان ایجاد می‌کند. مثلاً در محیط‌های کار اقتصادی، اهمیت لقمه‌ی حلال و نقش آن در تربیت فرزندان مورد تذکر واقع شود.

۲۳. سعه صدر در مدیریت

مدیری که ظرفیت لازم برای برخورد با زیردستانش را دارد، موفق‌تر است. بی‌شک رفتار مدیر در جلب قلوب زیردستان و بیدار کردن وجدان اخلاقی بی‌نهایت مؤثر است.

در حدیث آمده است: «آلَةُ الرَّئِيسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»^۱ سعه صدر، ابزار ریاست و مدیریت است.

چه نشاط‌هایی که در اثر سعه صدر نداشتن و تنگ‌نظری‌ها و برخوردهای زودگذر و سطحی از بین می‌رود.

بسیاری مواقع باید طوری با اشتباهات دیگران برخورد کرد که انگار اتفاقی نیفتاده است. بنابراین در محیط‌های کار برای زنده نگه داشتن نشاط و روحیه زیرمجموعه‌ها، بر مدیر لازم است که سعه‌ی صدر و ظرفیت بالایی از خویش نشان دهد.

هنگامی که حضرت سلیمان علیه السلام و لشکریانش به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه‌ای خطاب به آنها گفت: به لانه‌های خود داخل شوید تا سلیمان و لشکرش ندانسته شما را پایمال نکنند. حضرت سلیمان علیه السلام با سعه‌ی صدر و سینه‌ای به فراخی دریا بجای اینکه از سخن مورچه‌ای کوچک عصبانی یا رنجیده شود، به سخنان او تبسمی کرده و دست به دعا برداشت.^۲

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام مطلع شد که به پیامبری برگزیده شده، اولین خواسته‌اش از خداوند، سعه صدر بود. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^۱ پیداست که آن حضرت مهم‌ترین شرط رهبری و موفقیت را داشتن سعه صدر می‌دانسته است.

چنانکه سیره اولیای خدا و بزرگان و علما، بخصوص بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام نیز سعه صدر و پرهیز از تندخویی بوده است.

۲۴. پاداش بر اساس تلاش

اگر هرکس به میزان تلاش خود مزد دریافت کند، در محیط‌های کار و فعالیت، انگیزه‌ها افزایش می‌یابد.

اسلام می‌فرماید: هرکس بیابانی را احیا و آباد سازد، از آن خودش خواهد بود. هرکس درختی بکارد یا چاه ونهری حفر کند، به حکم خدا و رسولش ملک اوست.^۲

اگر مغازه‌داری به شاگردش بگوید: به میزان اجناسی که می‌فروشی درصدی از سود به تو تعلق پیدا می‌کند، آن شاگرد اگر تا دیروز انگیزه‌اش کم بود، از امروز زیاد می‌شود.

یکی از دلایل بی‌نشاطی و کسالت در محیط‌های اداری ما این است که تلاش کارمند در افزایش کار اداری، تأثیری در دستمزدش ندارد. و از آنجا که طبع انسان بر راحت‌طلبی است، افراد ترجیح می‌دهند که کار کمتری انجام دهند. حال تصور کنید مدیر اداره بتواند بر اساس محصول کار افراد، پاداش و دستمزد را تعیین کند، در این صورت از کارمند بی‌حال و بی‌حوصله

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۷. ۲. سوره نمل، آیه ۱۹.

۱. سوره طه، آیه ۲۵.

۲. استبصار، ج ۳، ص ۱۰۷.

دیروز، کارمندی زرنگ و پرکار پدید خواهد آمد.

۲۵. شروع با امور ساده

برای تقویت انگیزه و تداوم راه برای رسیدن به هدف، باید از امور ساده آغاز کنیم. اگر می‌خواهیم در آینده معمار شویم، یا یک فیلم‌ساز بزرگ، نویسنده‌ای توانا، خلبانی ماهر و یا هر هدف دیگری را دنبال می‌کنیم نیازمندیم که مقدمات لازم را یکی پس از دیگری پشت سر بگذاریم. این مراحل طبیعتاً از ساده به پیچیده سیر می‌کند. اما اگر این سیرکاری رعایت نگردد و استادکار یا معلم، مدیر، رئیس اداره، این ظرافت و ظریفیت را فراموش کند از همان ابتدا زدگی و ملالت به بار خواهد آمد و نشاط و انگیزه‌ای برای ادامه کار نخواهد بود.

باید کارها را از نقطه‌ای ساده و دلنشین شروع کرد. اولین روزی که دانش‌آموز با محیط مدرسه روبه‌رو می‌شود، در آینده‌ی تحصیلی او سهم بسزایی دارد. در تمام مکاتب تعلیم و تربیت تأکید شده است که معلم کلاس اول باید عاشق کار معلّمی باشد و بچه‌ها را عمیقاً دوست بدارد. این همه تأکید به چه منظور است؟ چون برخوردهای روز اول ضمانتی در روند کار محسوب می‌شود.

آغاز کار با امور شیرین و دلنشین، انگیزه‌بخش است. شروع تفسیر قرآن با سوره و آیاتی مناسب و تفسیری ساده، انگیزه و نشاط حضور در درس را بیشتر می‌کند.

بچه‌های کاشان دوست دارند که بدانند فیض کاشانی یا کمال الملک که بود؟ بچه‌های تبریز دوست دارند بفهمند که علامه طباطبایی، علامه امینی و استاد شهریار که بودند؟ یعنی برای هر کسی شناخت نخبگان و چهره‌های

منطقه خودش، شیرین و دلنشین تر است.

بنابراین اگر خواستیم نشاط پیدا کنیم، حتی در مطالعه از کارهای ساده و شیرین شروع کنیم. چون گاهی ابتدا به مطالعه کتابی علمی و فنی و تخصصی، روح انسان را آزرده می‌کند. حرکت از آسان به مشکل، بهره‌وری را نیز بالا می‌برد.

۲۶. آموزش ضمن خدمت

انسان با توجه به علم و دانشی که دارد، به انجام کاری مشغول می‌شود، اگر پس از اشتغال و هنگام انجام کار به مشکلات جدید و ناآشنا برخورد کند، ممکن است دلسرد شده و انگیزه‌اش کم شود که آموزش‌های ضمن خدمت می‌تواند گره‌گشای آن مشکلات باشد و فرد را از تحیر و رکود و بی‌انگیزه و بی‌نشاط شدن نجات دهد.

این امر به خصوص در مراکز آموزشی و برای رشد آگاهی‌ها و مهارت‌های معلّمان و مربیان بیشتر نیاز است تا به دانش و روش‌های جدید مجهز شوند.

۲۷. ورود در هر کاری از راهش

قرآن می‌فرماید: ﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۱، برای ورود به خانه‌ها از درب آن وارد شوید. یعنی هر کاری را از راهش وارد شوید.

رمز موفقیت در هر کاری، ورود و انجام ماهرانه آن است. چنانکه عامل اصلی شکست بسیاری از افراد نیز این بوده که ناشیانه، کاری را شروع کرده یا از راهش وارد نشده‌اند. البته راهکار هر عملی را باید با مطالعه و آموزش و تجربه و پرسش از متخصصان و مشورت با دیگران بدست آورد.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲۸. انصاف مدیر و مسئول

از اموری که انگیزه افراد را از بین می‌برد، بی‌انصافی در برخوردها و قضاوت‌ها است. ما باید انصاف را از قرآن یاد بگیریم. قرآن کریم وقتی از اهل کتاب انتقاد می‌کند، می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ» برخی از آنها نه تمام آنان. حتی در کنار انتقاد، از برخی آنان ستایش می‌کند: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ»^۱ برخی اهل کتاب را اگر بر مال فراوانی امین گردانی، آن را به تو برمی‌گرداند و برخی از آنان را اگر بر دیناری امین گردانی، آن را به تو برنمی‌گرداند.

۲۹. پذیرفتن پیشنهادات

اگر کسانی که با ما کار می‌کنند احساس کنند ما آنان را کارشناسی دلسوز می‌دانیم و پیشنهادات بر حق آنان را گوش می‌دهیم و عمل بلکه آنان را تشویق می‌کنیم و بر نظریه شخصی خود تعصب نداریم و بهترین نظر را انتخاب می‌کنیم، با انگیزه و قدرت بیشتری کار خود را انجام می‌دهند. قرآن می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۲ پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن دیگران گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینان همان خردمندانند.

۳۰. پیشگام شدن مسئولان

اگر کارفرما و مسئول و مربی پیشگام باشد و خود به آنچه می‌گوید، پیش از دیگران عمل کند، انگیزه دیگران بالا می‌رود.

وقتی خداوند دستور صلوات بر پیامبر را صادر می‌کند، ابتدا می‌فرماید: خدا و فرشتگان پیوسته بر پیامبر صلوات می‌فرستند: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»، آنگاه به مؤمنان دستور صلوات می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱

انبیا مأمور بودند قبل از دیگران به گفتار و دعوت خود عمل کنند. «وَ أَمْرٌ لِأَنَّ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ»^۲

پیامبر اکرم ﷺ در کندن خندق در جنگ احزاب، اولین کلنگ را خود به زمین زد و هرگاه رزمندگان به زمین سفتی می‌رسیدند، از آن حضرت استمداد می‌جستند. در جنگ‌ها، آن حضرت از همه مسلمانان پیشگام‌تر و به دشمن نزدیک‌تر بود.

۳۱. آسان جلوه دادن امور

یکی از عواملی که انگیزه‌ها را بالا می‌برد آن است که در بیان و عمل، امور را ساده کنیم و قید و بندهای غیر لازم را برداریم. از بهترین کلماتی که شنیده‌ام این است:

تکلف گر نباشد خوش توان زیست

تعلق گر نباشد، خوش توان مرد

قرآن می‌فرماید: ما قرآن را آسان و روان کردیم تا تذکر پذیری شما آسان باشد. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»^۳ به ما نیز سفارش شده کلامی ساده و روان داشته باشیم. «قَوْلًا مَّيْسُورًا»^۴

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶. ۲. سوره زمر، آیه ۱۲.

۳. سوره قمر، آیه ۱۷. ۴. سوره اسراء، آیه ۲۸.

۱. سوره آل عمران، آیه ۷۵. ۲. سوره زمر، آیه ۱۸.

قرآن کریم در وصف پیامبر اسلام می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾^۱ به مردم اعلام کن که من خود و دیگران را به زحمت نمی‌اندازم. هرچه تجمّلات و توقّعات بیشتر شود، انگیزه‌ها کمتر می‌شود. اگر مهمانی‌ها و ازدواج‌ها ساده باشد، تحقّق آنها بیشتر خواهد شد. گاهی این قیود و آداب و عادات و رسوم دست و پاگیر از نیاکان به جا مانده است. گاهی برخاسته از توهمات و خیالات خودمان است. گاهی بخاطر چشم و هم‌چشمی پیش می‌آید.

جمعیت مساجدی که امام‌جماعت، نماز را روان و به دور از تکلف می‌خواند، بیشتر از مساجدی است که نمازجماعت آن با انواع امور مخلوط شده است.

۳۲. توجّه به امور فراموش شده

مدیر خوب نباید فقط به کارهای انجام گرفته توجّه کند و آمار آنها را اعلام کند، بلکه باید فهرست کارهایی را که می‌توانسته انجام دهد، ولی انجام نداده و یا می‌توانسته بهتر، سریع‌تر، ارزان‌تر، زیباتر، با امکانات و نیروی انسانی کمتر انجام دهد ولی غافل مانده و فراموش شده نیز توجّه کند. اولیای خدا که بهترین عبادت‌ها را داشته‌اند، در مناجات‌ها نقاط ضعف خود را با خداوند مطرح می‌کردند.

قرآن، علم بشر را اندک می‌داند، ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۲ حتی پیامبرش را فارغ‌التحصیل نمی‌داند و سفارش می‌کند که از خداوند علم زیاد بخواهد. ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^۳

نگاه به راه‌های رفته نباید سبب غرور و رکود شود، بلکه باید به راه‌های نرفته نگرینست تا همّت پیمودن آن را در خود ایجاد کنیم. البته توجّه به راه‌های رفته هم می‌تواند الهام‌بخش باشد که این راه را که خودت طی کردی، می‌توانی بهتر و عمیق‌تر هم باشی. چنانکه قرآن می‌فرماید: شما که ایمان آورده‌اید، گامی بلندتر، محکم‌تر و عمیق‌تر بردارید و ایمان خود را تقویت کنید. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾^۱

۳۳. تأمل و تجدید نظر

از اموری که انگیزه کارکنان را بالا می‌برد آن است که بدانند مسئول و مدیر تعصّب خاصی در مورد یک فرد یا نظریه و فرضیه ندارد، او را اهل تأمل و تجدید نظر بداند.

کارفرمایش شعار اینکه حرف مرد یکی است را قبول ندارد. استقامت و ایستادگی در هر راهی برای او ارزش نیست و آن استقامتی ارزش دارد که براساس حق باشد. ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾^۲ وگرنه بت پرستان هم در برابر انبیا شعار می‌دادند: ﴿وَاصْبِرُوا لِهَتِكُمْ﴾^۳ بر بت‌ها مقاومت کنید. یا می‌گفتند: ﴿أَنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا﴾ ما راهی را می‌رویم که نیاکان ما رفته‌اند.

۳۴. بررسی پیوسته مشکلات

برای بالا بردن انگیزه افراد باید دو اتاق فکر داشته باشیم؛ یکی امکان ارتباط دائمی و فراوقتی افراد جهت طرح و بیان و رسیدگی به ناله‌ها و نامه‌ها و شکایت‌ها و دیگری بررسی طرح‌های جدید که از هر سو می‌رسد،

۱. سوره ص، آیه ۸۶. ۲. سوره اسراء، آیه ۸۵.

۱. سوره نساء، آیه ۱۳۶. ۲. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۳. سوره انبیا، آیه ۶۸.

۳. سوره طه، آیه ۱۱۴.

بپردازد. همین اندازه که افراد بدانند گوشی برای شنیدن ناله آنها وکسانی برای پیگیری کار آنها وجود دارد، انگیزه پیدا می‌کنند.

۳۵. نظارت بر ناظرین

اگر مردم بدانند که بر کار ناظرین نیز نظارت می‌شود، دقت کار بیشتر می‌شود. در قرآن می‌خوانیم که هرگاه از شقاق و اختلاف میان زن و شوهر نگران شدید، یک داور از طرف مرد و یک داور از طرف زن مسأله را بررسی و داوری کنند و اگر این داوران قصد جدی برای اصلاح داشته باشند، خداوند به آنان توفیق می‌دهد. در پایان می‌فرماید: داوران بدانند که بر داوری آنان خداوند علیم و خبیر ناظر است. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»^۱ یعنی قاضی و داور نیز باید زیر نظر باشد.

در دعای کمیل می‌خوانیم: «و كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّهِمْ مِنْ وَرَائِهِمْ وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ»، خداوند! تو فرشتگان را مأمور ثبت و ضبط کارهای من قرار داده‌ای و خود نیز بر آنان ناظر و شاهد هستی تا چیزی مخفی نماند.

۳۶. پاک دلی و جرأت

بسیاری از افراد بی‌انگیزه می‌گویند: پیشنهادات و نظرات ما پی در پی رد می‌شود، بخاطر آنکه مسئولان نمی‌خواهند بپذیرند که از دیگران طرح و حرف نو صادر شده است و یا می‌گویند: گرچه طرح ما با زبان پذیرفته شد، ولی مدیر، جرأت عمل ندارد.

بنابراین پذیرفتن طرح‌ها برای بالا بردن نشاط و انگیزه بسیار کارساز است و به همین دلیل مدیر باید گزارش کارها را از افرادی بگیرد که گرفتار

۱. سوره نساء، آیه ۳۵.

حسادت و زبونی نباشند وگرنه افراد حسود حاضر نیستند کمالات دیگران را به زبان یا قلم و گزارش درآورند و افراد زبون نیز به خاطر روحیه تملق و خودباختگی، حاضر نیستند حقیقت را آنگونه که باید گزارش دهند. زیرا با گرفتن یک هدیه و یا به خاطر ضعف روحی که دارند، مسائل را حتی در مورد پیامبر اسلام واژگونه جلوه می‌دهند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ»^۱ در حقیقت پیش از این نیز در صدد فتنه جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند تا آنکه حق آمد و امر خدا آشکار شد (و پیروز شدید) در حالی که آنان ناخشنود بودند.

۳۷. درجه و منصب

یکی از عوامل تقویت انگیزه، رسیدن به درجات و مناصب بالاتر است. بی شک نظام ارزیابی و ارزشیابی می‌تواند تأثیر شگرفی در تقویت انگیزه‌ها داشته باشد و از کودک دبستانی تا استاد دانشگاه را شامل می‌شود.

البته قرآن درجات را تنها در دنیا و نزد مردم و عنوان و مدیریت و مزایای مادی نمی‌داند، بلکه درجه واقعی را رسیدن به مقامات و درجات معنوی می‌داند و امتیاز را در علم، تقوی، جهاد، سابقه، سبقت، هجرت، اخلاص، امانتداری و تزکیه نفس می‌داند.

در حدیث می‌خوانیم: «الْفَقْرُ وَ الْغِنَى بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ»^۲ در قیامت معلوم می‌شود که فقیر و غنی واقعی کیست.

۱. سوره توبه، آیه ۴۸.

۲. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵.

۳۸. احساس خطر

گاهی برای ایجاد انگیزه باید انسان احساس خطر کند. مثلاً سؤال نمایندگان از وزرا یا استیضاح و عزل از مقام یا خطر توقیف اموال و سقوط اجتماعی، انسان را وادار به درست کاری می‌نماید.

قرآن به کسانی که اهل انفاق نیستند، می‌فرماید: درهم و دینار آنان در قیامت داغ شده و بر پیشانی و پهلوی آنان گذاشته می‌شود و به آنان گفته می‌شود: این همان گنجینه شما در دنیا می‌باشد که انفاق نکردید. ﴿هَذَا مَا كُنْتُمْ﴾^۱

۳۹. سازماندهی و تشکیلات

اگر هر کسی بداند مسئولیت و شرح وظایف او چیست، سلسله مراتب کدام است و در برابر چه کسی پاسخگو است، انگیزه پیدا می‌کند.

رسول خدا ﷺ نماز صبح را که می‌خواند بلند می‌شد و با چشم حاضر و غایب می‌کرد. از حاضران احوالپرسی می‌کرد و درباره علت غیبت غائبان سؤال می‌کرد؛ اگر در سفر بود برایش دعا می‌کرد و اگر بیمار بود به عیادتش می‌رفت. وقتی مردم احساس می‌کردند حساب و کتابی در کار است، انگیزه و نشاط آنان برای حضور بیشتر می‌شد.

حضرت سلیمان از همه دست اندرکاران سان می‌دید، ﴿وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُودُهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۲ پرنده‌ها را هم زیر نظر داشت و از علت غیبت آنها پرسش می‌کرد.^۳

۴۰. پذیرفتن کار ناقص

اگر می‌خواهیم جوانی را به کسب و تجارت تشویق کنیم، جنسی را در اختیارش قرار می‌دهیم و به کسی دیگر می‌گوییم: آن جنس را از او خریداری کن و سودی به او بده تا در این جوان انگیزه کار و کاسبی ایجاد شود.

گاهی اوقات دختری که در خانه برای اولین بار غذا می‌پزد، شور یا بی‌نمک یا بی‌مزه و بد پخته است، اما این کار ناقص را باید پذیرفت تا او تشویق شود.

به پیامبر ﷺ گفتند: یا رسول الله نگذارید بلال اذان بگوید، چرا که او حرف «شین» را «سین» می‌گوید. به جای «أَشْهَدُ...»، «أَسْهَدُ» می‌گوید. رسول خدا ﷺ فرمود: اشکالی ندارد، من «سین» او را به جای «شین» قبول دارم.

یکی از علمای نجف، کاهوه‌های نامرغوب بقالی را می‌خرید، بعد هم می‌برد و به حیوانی می‌داد. به او گفتند: این چه کاری است که انجام می‌دهید؟ گفت: این بقال، نیازمند است و من اگر اینها را از او نخرم، کنار خیابان می‌نشیند و گدایی می‌کند، من برای اینکه او به گدایی نیفتد و به کارش ادامه دهد، و از طرفی گداپروری نکنم، جنس‌های نامرغوبش را می‌خرم.

به ما دستور داده‌اند در تعقیب نماز با خدا اینگونه مناجات کنیم: خدایا این نمازی بود که بجا آوردم، نه بخاطر نیاز تو، بلکه به خاطر بزرگداشت تو. خدایا اگر در آن نقصی یا اشکالی بود، به فضل و کرم بر من ببخشای.

۲. سوره نمل، آیه ۱۷.

۱. سوره توبه، آیه ۳۵.

۳. سوره نمل، آیه ۲۰.

۴۱. عرضه به کارشناس

اگر به من بگویند: آقای قرائتی، این بحث تلویزیونی تو را در اختیار فلان فقیه و فلان عالم قرار می‌دهیم، بنده حواسم را بیشتر جمع می‌کنم. انسان اگر بداند کارش را می‌بینند و اظهار نظر می‌کنند، با انگیزه و دقت بیشتری کارش را انجام می‌دهد.

به ما گفته‌اند: هفته‌ای یکبار حضرت مهدی علیه السلام کارهایتان را می‌بیند؛ اگر کارهای خوبی انجام دادید، آن حضرت خوشحال می‌شود و اگر عملکردتان بد و ضعیف باشد، امام غصه می‌خورد. پس بیائیم خوب درس بخوانیم، خوب کار کنیم و قلب امام زمان علیه السلام را از خود شاد کنیم.

۴۲. تهدید

گاهی برای ایجاد انگیزه می‌توان از تهدید بهره برد. تا خطاکار به خاطر هراس، از ارتکاب جرم منصرف شود. قرآن کریم همسران پیامبر را تهدید می‌کند که مبادا گرد فحشا بگردند و چنانچه مرتکب شوند، مجازاتی دوچندان در انتظار آنان خواهد بود. «یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبیّنة یضاعف لها العذاب ضعفین وکان ذلک علی الله یسیرا»^۱

حتّی خداوند برای بیان خطر شرک، پیامبرش را تهدید می‌کند که اگر شرک بورزی اعمال تباہ می‌شود. «لئن اشرکت لیحبطن عملک»^۲

۴۳. قطع رابطه

یکی از شیوه‌های ایجاد انگیزه و بازداشتن افراد از اخلاق ناپسند، قطع رابطه و قهر کردن است. شخصی نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام از رفتار

فرزندش شکایت کرد. امام فرمود: فرزندت را زن و برای ادب کردنش با او قهر کن، ولی مراقب باش قهرت به درازا نکشد.

هنگامی که پیامبر اکرم مسلمانان را برای جنگ تبوک فراخواند، سه تن به بهانه‌های گوناگون از رفتن به جبهه سرباز زدند و زمانی که پیامبر از جنگ بازگشت با آنان قطع رابطه کرد.

دیگر مسلمانان نیز به پیروی از پیامبر با آنان قهر کردند، حتّی خانواده آنان با سردی برخورد می‌کردند به گونه‌ای که زندگی بر آنان تنگ شد و از کوتاهی خود پشیمان شده و توبه کردند.

خداوند مهربان نیز توبه آنان را پذیرفت و برای پیامبرش پیغام فرستاد که این سه نفر را با آغوش باز بپذیر.^۱

۴۴. اخطار

یکی از راههای ایجاد انگیزه، اخطار است. گاهی ناظم مدرسه به دانش آموزان اخطار می‌دهد که اگر این کار خلاف را تکرار کنی، جای تو در این کلاس و مدرسه نیست. این اخطار عامل بازدارندگی می‌شود و انگیزه اصلاح را فراهم می‌کند.

امام علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود این گونه می‌نویسد: گزارش رسیده است که کاری از تو سرزده که اگر به راستی مرتکب آن شده باشی بی‌تردید پروردگارت را به خشم آورده‌ای، تو در برابر فرمان امام خویش عصیان ورزیده‌ای و امانت خود را به ابتذال کشانده‌ای، شنیده‌ام که سپرده‌های مردم را به مصرف خویش رسانده‌ای. پس بی‌درنگ ترازنامه مالی و حسابت

۱. سوره احزاب، آیه ۳۰.

۲. سوره زمر، آیه ۶۵.

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۶۷.

را نزد من بفرست و این را بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم بزرگتر و سخت‌تر است.^۱

فصل چهارم:

راهکارهای اجتماعی

۱. تشویق اجتماعی

تقدیر و تشویق عملی، عامل مهمی در ایجاد انگیزه‌ی کار در جامعه است. نقل است که حضرت رسول ﷺ در یکی از جنگ‌ها عمّامه‌شان را بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشتند. برای هر مسلمانی به دست آوردن عمّامه رسول خدا ﷺ از هر مدال و پاداشی شوق آفرین‌تر بود.

گاهی در جبهه‌ی جنگ، رسول خدا ﷺ پرچم جنگ را از پرچم‌دار می‌گرفتند و به یک نفر دیگری می‌دادند. وقتی مورد سؤال واقع می‌شدند، می‌فرمودند: چون او در حفظ قرآن ساعی و کوشاتر است.

تشویق نباید تنها جنبه مالی داشته باشد، بلکه به تناسب نوع کار و سنّ مخاطب باید تشویقی مناسب انتخاب شود، گاهی رسول خدا ﷺ به برندگان مسابقات درخت خرما یا شتر آبستن می‌دادند.

پیامبر اکرم ﷺ همین که وارد مسجد شدند، گروهی را دیدند که مشغول نماز مستحبی و گروه دیگر در حال مذاکره علمی بودند. حضرت هر دو را تشویق کردند، اما خود به گروه علمی ملحق شدند.

برادر و خواهر رضاعی حضرت، به نوبت مهمان وی شدند. پیامبر ﷺ به خواهر رضاعی خویش بیشتر احترام گذارد. افراد حاضر علت را پرسیدند. فرمودند: این خواهر به پدر و مادرش بیشتر احترام و ادب می‌کرد.^۱

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۱.

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق، گاهی به یک نفر چند شتر جایزه می داد.^۱

همچنین موارد زیر دلالت بر لزوم تشویق دارد:

- تمام آیاتی که در مدح انبیا علیهم السلام آمده است. نظیر «نِعْمَ الْعَبْدُ»^۲ که برای تجلیل از آنان و تشویق به پیروی از آنان و پیمودن راهشان است.

- آیاتی که حاکی از بیان محبت خداوند در مورد افراد و گروه‌هایی است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۳، خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد. «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۴، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۵ خداوند پرهیزکاران و عدالت‌ورزان را دوست دارد.

- پاداش‌ها و وعده‌های الهی در سراسر قرآن، تشویق است.

- تجلیل و یادکردی از یاران با وفا. چنانکه امام علی علیه السلام فرمود: «أَيُّنَ عَمَّارٍ وَ أَيْنَ ابْنِ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ»^۶ کجایند مردان باوفایی همچون عمّار و ابن تیهان و ذوالشهادتین.

- امام صادق علیه السلام هرگاه شاگردش هشام بر آن حضرت وارد می شد با این که نوجوان بود، از او تجلیل کرده و می فرمود: «هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»^۷ او با دل و زبان یاور ما می باشد.

نکاتی درباره تشویق

۱. به دنبال تکلیف کردن، تشویق کنید: «حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۸ از اموالشان

صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن)، زیرا دعای تو، مایه آرامش آنان است و خداوند شنوا و داناست.

۲. تشویق به موقع و بجای نیکوکار، تنبیهی برای خلافکار است: امام علی علیه السلام فرمود: «أَزْجُرُ الْمُسِيءَ بِغَوَابِ الْحُسَيْنِ»^۱ با پاداش دادن به نیکوکار، خطاکاران را مجازات کن.

۳. تشویق بیش از حد، چاپلوسی و تشویق کمتر از حد، حسادت است.^۲

۴. تمام تشویق‌ها را به شخصی خاص، آن هم در زمان و مکان و شرایط خاص نثار نکنیم و از پیشگامان تاریخ و ایثارگران غافل نشویم. همان‌گونه که در زیارت‌نامه‌ها ابتدا به پیامبران و اولیای پیشین سلام می‌کنیم و آنگاه به عزیزی که به زیارتش رفته‌ایم سلام می‌دهیم.

۵. در کنار تشویق، سعی کنیم که ادامه راه را نیز تذکر دهیم.

۶. ممکن است به خاطر مصالحی به جای تشویق مورد بی‌مهری قرار بگیریم، رنجیده نشویم. گاهی امام صادق علیه السلام از دوستانشان انتقاد می‌کردند. بعداً به او پیام می‌دادند که بی‌توجهی من تا کتیکمی بوده است، چون دشمن در مجلس حاضر بود و تو شناخته می‌شدی.

۷. اگر خواستیم شاگردی را تشویق کنیم، از زحمات استاد و معلم و نویسنده و مؤسس و مدرسه و... غافل نشویم.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷. ۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۵.

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۲۹. ۲. سوره ص، آیه ۳۰.

۳. سوره بقره، آیه ۲۲۲. ۴. سوره آل عمران، آیه ۷۶.

۵. سوره مائده، آیه ۴۲. ۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۷. اعلام الوری، ص ۲۸۰. ۸. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۲. تنبیه اجتماعی

یکی از سرچشمه‌های انگیزه، دور کردن ضرر از خویش است. انسان از یک طرف هوی و هوس و طمع و غریزه دارد و از طرفی دیگر، بدی کار زشت را می‌داند؛ یکی از عواملی که انگیزه او را در کار زشت کم می‌کند، تنبیه است. چنانکه قرآن می‌فرماید: دست دزد را قطع کنید؛ «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»^۱ به زناکار شلاق بزنید و اگر زنای محصنه بود، او را اعدام کنید. «الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا...»^۲

قرآن می‌فرماید: حیات جامعه در اجرای قانون قصاص است؛ «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»^۳

نکاتی درباره تنبیه

۱. تشویق بر تنبیه مقدم است.
۲. تنبیه از جرم بیشتر نباشد.
۳. تنبیه فوق طاقت نباشد.
۴. تنبیه با جرم مناسب باشد. چنانکه: کیفر کسی که سخن حق را کتمان کرده این است که خدا با او سخن نگوید. «لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ»^۴
- کیفر مسخره کننده، مسخره شدن است. «يَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ»^۵
- کیفر مکر و حيله، مکر و حيله است. «وَمَا مَكْرُوهًا وَمَا مَكَرَ اللَّهُ»^۶
- کیفر خدعه و فریبکاری، خدعه است. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ»^۷

کیفر تبه‌کارانی که در دنیا به مؤمنان می‌خندیدند، «ان الَّذِينَ اجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»^۱ این است که در آخرت در انتظار خنده آنان باشند. «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ»^۲

۳. تحسین (تشویق کلامی)

تحسین یعنی نیکو شمردن کار، در تقویت انگیزه نقش داشته و احساس بزرگی و شخصیت به مخاطب می‌دهد و می‌کوشد پس از تحسین، کار خوب را تکرار کند.

تحسین شخصیت سرکوب شده را احیا می‌کند و انسان را برای ادامه کار خوب دلگرم می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پدرم امام زین العابدین علیه السلام هنگامی که جوانان در حال کسب دانش و دانش آموز را می‌دید، آنان را نزد خود فرامی‌خواند و می‌فرمود: آفرین بر شما، شما ذخیره‌های دانش، نونهالان امروز جامعه هستید ولی بزودی از بزرگان جامعه آینده خواهید شد.^۳

پسر بچه نابالغی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطسه کرد و گفت: «الحمد لله». پیامبر به او فرمود: «بارک الله فيك»^۴ آفرین بر تو باد.

۴. تلقین

پزشکی که به بیمار می‌گوید: بیماری شما ساده است و شما رو به بهبود هستید و سایر کسانی که بیماری شما را داشته‌اند سالم شده‌اند، در بیمار امید ایجاد می‌کند، ولی اگر پزشک یا اطرافیان بیمار با کلمات و ژست خود

۱. سوره مطففین، آیه ۲۹. ۲. سوره مطففین، آیه ۳۴.
 ۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۲. ۴. کافی، ج ۲، ص ۶۵۵.

۱. سوره مائده، آیه ۳۸. ۲. نور، ۲.
 ۳. سوره بقره، آیه ۱۷۹. ۴. سوره بقره، آیه ۱۷۴.
 ۵. سوره توبه، آیه ۷۹. ۶. سوره آل عمران، ۵۴.
 ۷. سوره نساء، آیه ۱۴۲.

به بیمار تلقین کنند که بیماری او خطرناک است، این کار اثر نامطلوب در روحیه و روان و حتی بیماری او می‌گذارد.

بعضی‌ها با تلقین، به خود و دیگران پیام منفی منتقل می‌کنند. فرزندم! استخر نرو، شنا نکن یک وقت غرق می‌شوی، کوه نرو، ممکن است سقوط کنی. نتیجه این می‌شود که بچه ترسو و ناتوان تربیت می‌شود.

نباید به بچه گفت: تو نمی‌دانی، نمی‌توانی، حتی نباید گفت: بچه، باید گفت: مرد فردا.

تلقین مثبت نیز همینطور است: من می‌توانم این کار را بکنم، من انشاءالله این کار را خواهم کرد.

بسیاری از فرازهای اذان که هر صبح و شام گفته می‌شود، تلقین است؛ «أشهد أن لا اله الا الله»، گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست. «أشهد أنّ محمداً رسول الله»، گواهی می‌دهم که پیامبرم حضرت محمد ﷺ است. «أشهد أنّ علياً حجة الله»، گواهی می‌دهم که امامم امیرمؤمنان علی ﷺ است. این جملات هم تلقین به خویش است و هم به دیگران، حساب کنید یک نمازگزار شش بار در هر اذان و اقامه شهادت می‌دهد و می‌گوید «أشهد»، این تلقین‌ها به او انگیزه می‌دهد که در راه خدا و پیامبر و ائمه گام بردارد.

رجزهایی که رزمندگان اسلام در میدان جنگ می‌خواندند، حالت تلقین داشت. همچون رجزهای زیبایی که در واقعه عاشورا قهرمانان کربلا خواندند. فرزند امّ البنین حضرت قمر بنی هاشم می‌خواند:

والله إن قطعتموا يميني
أني أحامي أبداً عن ديني

به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید، هرگز از پشتیبانی دینم دست بر نمی‌دارم.

همچنین علی اکبر ﷺ با صدای بلند می‌گفت: من علی فرزند حسین بن علی هستم. به خدای کعبه ما به پیامبر سزاوارتر هستیم.

یا حضرت قاسم می‌خواند:

إن تنكروني فأنا ابنُ الحسن ابن النبي المصطفى المؤمن

هرکس مرا نمی‌شناسد بداند من فرزند حسن، فرزند پیامبر برگزیده امین هستم.

یا نوجوان عاشق شهادت عمرو بن جناده می‌خواند:

اميري حسينُ فَنِعَمَ الامير سُرور فُوادِ بَشِيرِ نَسِيرِ

امیر و فرمانده من حسین است و چه امیر خوبی است، مایه شادمانی دل پیامبر، بشارت دهنده و اندازکننده.

سلام و رحمت خدا بر بنده صالحش حضرت امام خمینی که وقتی با جوانان روبرو می‌شد، این جمله را تکرار می‌کرد: ما می‌توانیم و می‌فرمود: این مسئله خلافی است که به ذهن دانش آموزان و دانشجویان ما تلقین کرده‌اند که به غیر از رفتن به امریکا و فرانسه و انگلستان در جای دیگر امکان ندارد به موفقیت رسید و به جایی رسید.^۱

۵. تعاون و همکاری

از عوامل انگیزه‌بخش، همکاری و همدلی است. بهترین مثال، «امر به معروف و نهی از منکر» است. اگر یک نفر منکری را تذکر داد و دیگری نیز به کمک وی شتافت و نفر سومی هم به یاری برخاست، انگیزه‌ی نفر اول چند برابر می‌شود و بالعکس اگر همکاری و پشتیبانی مردم همراه نباشد، روحیه

۱. خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام خمینی، ص ۹۰

و اراده فرد تضعیف می شود.

در تاریخ آمده است که قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعدادی از جوانان مکه هم پیمان شدند و تصمیم گرفتند که از مظلوم در برابر ظالم دفاع کنند. با آنکه آن جوانان کافر بودند، اما چون کارشان انسانی و خوب بود، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز با آنان هم پیمان و شریک شد.

در اسلام سفارش شده که در کارهای خیر یکدیگر را یاری کنید، ولی در گناه و کارهای خلاف، یاری گر یکدیگر نباشید. **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِيمَانِ وَالْتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾**^۱

هنگامی که خداوند به موسی فرمان تسلیخ داد، موسی از خداوند درخواست کرد که برادرش هارون را همراه و شریک من گردان. **﴿أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي﴾**^۲ زیرا او بیانی فصیح تر از من دارد. **﴿هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي﴾**^۳

فرض کنید امام جماعت مسجدی بخاطر سالمندی توان و حوصله ارتباط علمی و عاطفی با نسل نو را ندارد، اما اگر یک روحانی جوان را در امور فرهنگی و علمی و عاطفی به همکاری دعوت کند، مسجد رونق پیدا کرده و برای نسل نو انگیزه بیشتری برای حضور در مسجد پیدا می شود.

چنانکه اگر شخصی در عید قربان توان قربانی کردن یک گوسفند را ندارد، می تواند با افراد دیگر شریک شده و گوسفندی را قربانی کنند. در قرآن می خوانیم: **﴿أَمَّا السَّقِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ﴾**^۴

یکی از حکمت های نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید و مراسم بزرگ

حج، همین حرکت دسته جمعی است که انگیزه ها را بالا می برد. آری، تمام امور سخت و مشکل را می توان با همکاری دوستان و بستگان حل نمود.

همکاری و مشارکت اعضای خانواده، انگیزه یکایک آنان را برای تلاش و کوشش بیشتر بالا می برد. قرآن کریم از همکاری حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل در بازسازی کعبه خبر می دهد. در حدیث می خوانیم: یکی از نشانه های سعادت انسان این است که فرزندش همکاری با او باشد.^۱

۶. امر به معروف

امر به خوبی ها، سبب دلگرمی و تقویت انگیزه در نیکوکاران است. اگر در جامعه مردم یکدیگر را به خوبی ها سفارش کنند، **﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾** و از آن خسته نشده و پایداری کنند، **﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾**^۲ و یکدیگر را به رحم و مهربانی سفارش کنند، **﴿وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾**^۳ این توصیه های پی در پی و از افراد گوناگون، انگیزه ی کار نیک را بالا می برد.

چنانکه برای تشویق و دلگرمی به ادای واجبی همچون زکات، قرآن به پیامبرش دستور می دهد که هنگام گرفتن زکات از مردم، بر آنان درود بفرست، سپس می فرماید: درود تو برای مردم آرام بخش است.^۴

۷. تفریح و ورزش

تفریح و اوقات فراغت در زندگی، موجب نشاط و سبب حفظ انگیزه است. خداوند در تکوین و تشریح به ضرورت تفریح مهر تأیید زده است،

۱. سوره عصر، آیه ۳.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۵۷.

۴. سوره بلد، آیه ۱۷.

۱. سوره مائده، آیه ۲.

۲. سوره طه، آیه ۳۲.

۳. سوره قصص، آیه ۳۴.

۴. سوره کهف، آیه ۷۹.

البته ورزش و بازی و تفریحات آرام‌بخش و سالم که نتیجه‌اش نشاط باشد، نه بعضی از تفریح‌هایی که همراه با هیجان و استرس و عصبانیت و ناسزا و کینه و رقابت‌های منفی و ضرر به جسم یا مال یا هدر دادن امکانات یا همراه با گناه و عوارض دیگر باشد.

کسانی که لابلای کارشان استراحت و تفریح می‌کنند، کار را با نشاط بیشتری انجام می‌دهند و کسانی که همواره مشغول کار هستند، نشاط کمتری داشته و کیفیت کار آنان کاسته می‌شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: هرعضوی از بدن استراحتی لازم دارد، «لکل عضو من البدن استراحة»^۱

در حدیث زیبایی امام کاظم علیه السلام فرمود: سعی کنید که اوقات شبانه روز خود را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی برای عبادت و راز و نیاز با خدا، ساعتی برای امر معاش و کسب درآمد، ساعتی برای ارتباط و رفت و آمد با افراد مطمئن و ساعتی برای تفریحات سالم و لذت‌های حلال. پس از آن امام فرمود: و با این قسمت آخر است که برای انجام سه قسمت اول نشاط پیدا می‌کنید.^۲

شاید بتوان گفت از دلائلی که اسلام عزیز بر سفر و مسافرت تاکید و سفارش زیاد کرده، ایجاد نشاط در کار و انگیزه بیشتر است.

در سیره امامان معصوم گردش و تفریح به باغستان‌ها و مراکز سرسبز طبیعت به چشم می‌خورد. صفوان می‌گوید: امام صادق علیه السلام را در باغ برادرش عبدالله دیدم، از آن حضرت علت حضورش را پرسیدم، امام

فرمود: «طلب النزهة»^۱ برای گردش و تفریح به اینجا آمده‌ام. البته شوخی و تفریح باید مناسب با کرامت انسانی و به دور از گناه و معصیت باشد. امام علی علیه السلام فرمود: وای بر کسی که برای خنداندن جمعی، فردی را مسخره کند.^۲

امام کاظم علیه السلام فرمود: برای خودتان از آنچه که میل دارید بهره‌ای قرار دهید، ولی با سه شرط: اول اینکه حلال باشد، دوم آنکه با کرامت و مروت انسان سازگار باشد و سوم اینکه اسراف و زیاده روی نشود. در پایان فرمود: با این بهره و نشاطی که به دست می‌آورید به انجام امور دینی بپردازید.^۳

۸. آراستگی و زیبایی

از عواملی که موجب انگیزه و نشاط است، آراستگی و زیبایی ظاهری است. انسان‌ها از دیدن مناظر زیبا، پوشیدن لباس زیبا، ظاهر آراسته، خانه تمیز و مرتب لذت می‌برند.

اسلام از ما خواسته است که محل عبادت و مساجد را پاکیزه و زیبا نگاه داریم. چرا مردم و حتی بچه‌ها دوست دارند در مراسم جشن و عروسی شرکت کنند، برای اینکه همه در آنجا تمیز و مرتب و آراسته هستند. لذا قرآن سفارش کرده مسجد و اهل مسجد آراسته و زیبا باشند. «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۴

همان‌گونه که نگاه به آب و سبزه نشاط آور است، نگاه به ظاهری زیبا و مرتب و آراسته هم نشاط می‌آورد.

از امیرمؤمنان نقل شده که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم در حالی که

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲۳.

۴. سوره اعراف، آیه ۳۱.

۱. غررالحکم.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۰.

انگشتی نقره بانگین عقیق به دست داشت و با ما نماز خواندند، نماز که تمام شد حضرت انگشترشان را به من دادند و فرمودند: علی جان، انگشتر را به دست راست کن و با آن نماز بخوان که به اندازه هفتاد نماز پاداش دارد. انگشتر تسبیح و استغفار می‌کند و ثوابش برای صاحبش است.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس با گذاردن عمّامه بر سر دو رکعت نماز بخواند، خداوند فرشتگانی را به سوی او می‌فرستد تا برایش حسنات بنویسند و گناهان او را پاک کنند و درجات او را بالا ببرند.^۲

در سیره پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم که آن حضرت دو لباس مخصوص نماز داشتند و آنها را فقط به هنگام نماز می‌پوشیدند.^۳

مستحب است که نمازگزار، خوش بو باشد و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد.^۴ در حدیث آمده است که زن وقتی به نماز می‌ایستد خود را با وسایل زینتی اش از قبیل طلا و نقره زینت کند و مردی که به مسجد می‌رود معطر باشد و لباس‌های تمیز بپوشد.

اگر محیط‌های عبادی و معنوی با زیبایی ظاهری مزین شود، باعث ایجاد رغبت و شوق بیشتر در انسان‌ها می‌شود.

چندی قبل از شهرداری پرسیدند که این همه کارهای روبنایی که در شهرها انجام می‌شود، فایده‌اش چیست؟ وی گفت: از نظر شهرداری این کارها روبنایی تلقی نمی‌شود، تصوّر کنید مردی از خانه‌اش بیرون بیاید و پشت درب سطل زباله‌ای مشاهده کند که گریه‌ها آن را برگردانده و بوی تعفن از آن به مشام می‌رسد. جوی آب را لجن فراگرفته باشد، دیوارهای

شهر زشت و کثیف باشد. این مناظر در روح و نشاط شهروند اثر منفی دارد. اما اگر با مناظر زیبا روبه‌رو شود، جوی‌های تمیز، دیوارهای زیبا، میادین پر گل و خیابان‌های تمیز را مشاهده کند، قطعاً در کارایی و ایجاد انگیزه او سهم به‌سزایی دارد.

در کتب حدیث بابی وجود دارد به نام «باب الزیّ و التجمّل» که در آن روایاتی آمده است که انسان باید به لباس و سر و بدن و نظافت ظاهری خود توجه کند.

پیامبر اکرم ﷺ همواره مسواکش را به همراه داشت. هزینه عطر حضرت از هزینه‌های دیگرش بیشتر بود.

لباس خود را در تابستان در دیگ آب می‌جوشاند. از مرغ بیرون استفاده نمی‌کرد تا مبادا این مرغ غذای آلوده خورده باشد. عمامه‌ی خود را با نگاه به آئینه و اگر آئینه نبود با نگاه به آب تنظیم می‌کرد. روزی که عطر نداشت روسری همسرش را که معطر بود با کمی آب نم‌دار کرد و آن را به سر و صورت خود کشید.

به زنان و مردان سفارش می‌کرد که خود برای همسرانشان آراسته‌کنند. روزی در حال نماز نگاهش به دیوار مقابل افتاد که با آب دهان کثیف شده بود، آن حضرت قرائت نماز را قطع و بدون اینکه روی از قبله برگرداند گامی جلو گذاشت و با شاخه خرما که در دسترس بود جای آب دهان را محو و دوباره گام به عقب گذارد و قرائت نماز را ادامه داد.^۱ آری، زیبایی و آراستگی لباس و مدرسه و محل کار، در نشاط خود و اطرافیان انسان و همچنین نشاط در کار و تلاش مؤثر است.

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. جامع الاخبار، ص ۷۷.

۳. کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴. توضیح المسائل امام، مسئله ۹۱۲.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۹. توجه به سود و درآمد

کسب سود و درآمد از عوامل مهم ایجاد انگیزه است. بزرگان گفته‌اند: سرچشمه تمام کارهای انسان، جلب منفعت و دفع ضرر است. وقتی انسان سودی را در کاری ببیند، به انجام دادن آن اشتیاق پیدا می‌کند. خداوند صدها بار در قرآن کریم با وعده اجر و مزد و پاداش، به بندگانش انگیزه عمل داده است و برای کسانی که تلاش و کار بیشتر و بهتری ارائه دهند، پاداش دو برابر؛ ده برابر؛ صد برابر؛ هفتصد برابر و بیشتر نیز اعلام فرموده است.

امام علی علیه السلام در نامه به استاندارش می‌فرماید: ارزاق کارمندان را فراوان قرار بده، «اسبغ علیهم الارزاق»^۱ (چون اگر چشم و گوش آنها سیر باشد، در صورت تخلف، می‌توانی با آنها برخورد کنی).

پدري می‌گفت: به فرزندم پولی برای تهیه خوراکی مدرسه‌اش دادم، اما او در مسیر راه فقیری را دیده و آن را به فقیر داده بود، هنگامی که از مدرسه برگشت و بیان کرد که آن پولش را به نیازمندی داده است، من ده برابر آن پول را به او دادم و گفتم: قرآن می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا»^۲ اگر کسی کار خوب انجام بدهد، پاداش ده برابر دارد.

یکی از علما می‌گفت: در حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه نشسته بودم که شخصی آمد و از من پنج ریال کمک خواست. من هم به او دادم، در حالی که به جز آن پولی نداشتم. مدتی نگذشته بود که شخصی نزد من آمد و پنج تومان به من هدیه کرد. از وقتی که آن پول را گرفتم چند دقیقه‌ای نگذشته بود که فردی پنج تومان قرض از من خواست. من آن پنج تومان را دادم و آن شب را گرسنه خوابیدم. صبح هنگامی که در حرم حضرت

معصوم علیه السلام مشغول زیارت بودم، فردی پنجاه تومان به من عطا کرد. چیزی نگذشته بود فرد دیگری آمد و گفت: من یک گرفتاری پیدا کرده‌ام آیا می‌توانی پنجاه تومان قرض به من بدهی؟ به او اینگونه پاسخ دادم: دارم ولی از دادن آن معذورم، چون پنج ریالی اول را برای خدا دادم، پنج تومان شد. پنج تومان را هم برای خدا دادم که پنجاه تومان شد، اما در این مورد دیگر قصد قربت ندارم، چون می‌دهم که پانصد تومانی بیاید.

۱۰. احساس مؤثر و مفید بودن

از عوامل مهم در انگیزه و نشاط افراد، توانا دیدن خود در رفع نیازمندی‌های اجتماعی است. اگر افراد حس مفید بودن داشته و بدانند کاری که می‌کنند چه کمکی در رشد جامعه دارد، احساس رضایت و خرسندی خواهند کرد. اگر طبیب توجه داشته باشد که وقتی بیماری را مداوا می‌کند، در ثواب کارهای او شریک است، انگیزه او در درمان و طبابت، افزایش می‌یابد.

متذکر شدن اهمیت مشاغل در رفع نیازهای اجتماعی، به صاحبان مشاغل غروری مقدس عطا می‌کند. اگر هر فردی با هر شغلی که دارد؛ نانوا با پختن نان، نجار با درست کردن درب و پنجره، معمار با ساختن خانه، رفتگر با تمیز کردن کوچه و خیابان، خود را در جامعه مؤثر بداند، و باور کند که اگر کار او نبود یک بخش از نیازها زمین می‌ماند، نه تنها دست از تلاش برنمی‌دارد، بلکه انگیزه و نشاطش چند برابر می‌شود. آنگاه که از کار روزانه خود نیز فارغ می‌شود، خدای را شکر می‌کند که توانسته باری را از دوش جامعه‌ی اسلامی بردارد.

تذکر این نکته می‌تواند تنبیهی به صاحبان مشاغل کاذب نیز باشد. مثلاً به

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۶. ۲. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

یک سیگار فروش تفهیم می‌شود که فروش سیگار نه تنها هیچ نوع خدمتی به جامعه نیست، بلکه جامعه را آلوده و مسموم می‌کند.

۱۱. جایزه

جوایز نقش تحریک‌کننده‌ای دارند. بی‌تردید یکی از رموز استفاده از جوایز در مناسبات اجتماعی، پدید آوردن تحرک اجتماعی است. البته جایزه برای شروع کار و حرکت خوب است، اما نمی‌تواند تداوم به آن بخشد. جایزه مثل هل دادن ماشین است؛ وقتی ماشین روشن شد، باید خودش بتواند به راهش ادامه دهد.

مسئله مهم دیگر نوع جایزه است که باید کارشناسی شده و متناسب با مخاطب از جهت سن و سال و جنسیت و موقعیت شغلی و اجتماعی افراد باشد.

۱۲. رسانه‌های جمعی

امروزه نقش رسانه‌ها از نقش ارتش‌ها بیشتر و جنگ سرد از جنگ نظامی، کارآمدتر است. با صدا و سیما و مطبوعات می‌توان ملتی را اصلاح یا فاسد کرد. با ابزار تبلیغ، راه‌های ناهموار را به راحتی هموار می‌سازند. بسیاری از ناهنجاری‌ها و عادات غلطی که در جامعه وجود دارد، با فرهنگ سازی توسط رسانه‌ها قابل رفع است. صدا و سیما می‌تواند با نمایش تئاتر یا فیلم، ازدواج‌های ساده را به یک ارزش تبدیل نماید. ساده‌زیستی را به عنوان یک ارزش اجتماعی گسترش دهد. اشتیاق به تولید را در آحاد جامعه پدید آورد. بنابراین قدرت و نقش رسانه‌ها در ایجاد و تقویت انگیزه‌ها نباید دست کم گرفته شود.

۱۳. محیط تمیز و پاکیزه

گرچه این عامل به طور کلی در ضمن بحث زیبایی گذشت، اما چون مستقلاً هم اهمیت دارد، ما این عامل را جداگانه مطرح می‌کنیم.

محیط‌های کار و فعالیت ما باید تمیز و حتی المقدور وسیع باشند. باید مدارس و محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ها بهترین مکان‌ها از جهت نور و وسعت و تمیزی باشند. نمازخانه‌ها در ادارات، کارگاه‌ها و محلات باید تمیزترین محیط‌ها باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام، دین پاکیزگی است، پس شما هم پاکیزه باشید، زیرا کسی داخل بهشت نمی‌شود مگر شخص پاکیزه.^۱ همچنین فرمود: تا می‌توانید پاکیزه باشید که خداوند متعال اسلام را بر پاکیزگی بنا فرموده است.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خانه‌های خود را از تار عنکبوت پاک و تمیز کنید که وانهادنش در خانه‌ها موجب تنگ‌دستی است.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: شستن ظرفها و جاروب کردن خانه، در جلب رزق و روزی مؤثر است.^۴ و در سخنی دیگر فرمود: همانا خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.^۵

رسول خدا ﷺ برای محیط‌های اجتماعی ارزش ویژه‌ای قائل بود و می‌فرمود: هرکس روزهای پنجشنبه و شب‌های جمعه، مسجد را تمیز کند و به اندازه ذره‌ای خاکروبه از مسجد بیرون ببرد، خداوند او را می‌آمرزد.^۶

۱. کنز العمال، ج ۹، ص ۲۷۷.

۲. نهج الفصاحه، ص ۲۳۷.

۳. الدعوات، ص ۱۱۶.

۴. خصال صدوق، ج ۱، ص ۵۴.

۵. نهج الفصاحه، ص ۱۳۹.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱۴. ورزش

گاهی نداشتن انگیزه و نشاط، به خاطر ناتوانی جسمی است و ورزش، تن آدمی را با نشاط و سالم و نیرومند ساخته و کسالت را برطرف می‌کند. چنانکه گفته‌اند: عقل سالم در بدن سالم است.

کسی که ورزش می‌کند، با انگیزه و نشاط بیشتری کارهایش را انجام می‌دهد. زن و مرد، پیر و جوان همه باید ورزش کنند.

از عوامل رکود و بی‌نشاطی، ورزش نکردن است که متأسفانه دنیای صنعتی، از ورزش و حرکات فیزیکی کاسته است. در حالی که بیشتر عبادات ما همراه با حرکت و تلاش است.

بهترین جایزه ورزشکار، سلامتی جسم و روان خود اوست. بنابراین هر چه ورزشکار و محیط ورزشی بیشتر باشد، نیاز به زندان و بیمارستان کمتر شده و باعث لطافت و شادابی جسم و روح می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ورزش و بازی کنید، که من دوست ندارم در دین شما سختی و زمختی بینم.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من بدن خود را برای سختی‌ها و تشنگی و گرسنگی همانند درخت‌های صحرائی، مقاوم و پر قدرت تربیت کرده‌ام.

هر که کار فکری بیشتری دارد، نیازش به ورزش بیشتر است. ورزش، کمک به مغز است. با این که وزن مغز دو درصد وزن بدن است، بیست درصد اکسیژن مصرفی را به کار می‌برد و هر چه تنفس و خون‌رسانی بهتر باشد، آمادگی فکری بیشتر خواهد بود.

ورزش، توانائی، تعهد و قبول مسئولیت، دقت و پشتکار را در جوانان

تقویت می‌کند.

روش مبارزه با حریف، سرعت تصمیم‌گیری و پیروزی بر رقیب، لذت کار دسته جمعی، از آثار ورزشهای جمعی است.

کسی که ورزش می‌کند، آمادگی و انگیزه بهتری برای کارهای سخت و سنگین داشته و در برابر امراض مقاوم‌تر و برای انجام عبادات و کمک به محرومان، جهاد، ظلم و ظالم ستیزی و... نشاط بیشتری دارد. و این در صورتی میسر است که وظایف و حقوق اندام‌ها را بدانیم.

در بازی، تخیلات و عواطف، حضور قطعی دارند، اما در کار، تنها فعالیت‌های ذهنی و هوشی و محاسباتی و مهارتی مطرح هستند و می‌تواند موضوع هر دو یعنی بازی و کار، یکی بوده و بازی هدفدار باشد.

خداوند متعال برای انتخاب رهبر و مدیر یک جامعه، شرط قدرت و سلامت جسمی را در کنار توان علمی و آگاهی او قرار داده است. در مورد انتخاب طالوت به فرماندهی فرمود: «زاده بسطة فی العلم و الجسم»^۱

البته ورزش‌های ما باید آموزش دهنده و تقویت کننده راه و رسم زندگی صحیح باشند، مانند آموزش درست راه رفتن، نشستن، جابجایی اجسام سنگین، درست نفس کشیدن و...

خانواده‌ها بچه‌ها را از بازی منع نکنند، بلکه بازی‌ها را جهت‌دار کنند. چون بازی از جهت جسمی باعث استحکام استخوان‌ها و ورزیدگی اعضا و چابکی آنها می‌شود و از جنبه روانی و ذهنی باعث تحریک کنجکاوی، رشد حواس، فعالیت هوشی و تحقق ابتکار می‌شود و از جنبه عاطفی به درک تفاوت مهر با خشونت و تعادل احساسات منجر می‌شود، و حس حق

۱. نهج الفصاحه، ص ۵۳۱.

۱. بقره، ۲۴۷.

جویی و همکاری و تعاون تقویت می‌گردد.

بزرگان علم اخلاق و تربیت گفته‌اند: کودک باید پس از بازگشت از محیط درس، اندکی خود را با بازی‌های طبیعی و سالم سرگرم کند تا مجدداً به وجد و نشاط آید و چنانچه کودک را از بازی باز دارند، روحش خسته و پژمرده خواهد شد.^۱

۱۵. کار گروهی و جمعی

انجام کار به صورت گروهی، انگیزه و نشاط بیشتری از انجام آن به شکل انفرادی دارد. ورزش‌های گروهی مانند کوهنوردی، فوتبال، والیبال و... همواره در یک تعادل طرفینی قرار دارند. گویا هر فردی به دیگری روحیه می‌دهد. ما وقتی دسته‌جمعی کاری را انجام می‌دهیم، کمتر احساس خستگی می‌کنیم. در ماه رمضان، روزه گرفتن ساده‌تر است. زیرا همه روزه هستند و همراهی با جمع، رنج گرسنگی و تشنگی را کاهش می‌دهد. اسلام نیز همواره بر اجتماع تأکید ورزیده است. از جمله می‌فرماید: «یدالله مع الجماعة»^۲

کار دسته‌جمعی در بخش تحقیق و یا تولید و یا خدمات، انگیزه را چندین و چند برابر می‌کند. از ابتکارات بسیار جالب امام خمینی علیه السلام تأسیس بسیج و جهادسازندگی بود که غوغایی در انگیزه و نشاط ملت انقلابی به پا کرد.

۱۶. مراعات افراد ضعیف

قرآن می‌فرماید: «الآن خَفَّ اللَّهُ عنكم وَ عَلِمَ أَنَّ فِیکُمْ ضَعْفًا»^۱ خداوند چون ضعف شما را دید، به شما تخفیف داد.

با افراد ضعیف باید با مدارا و تخفیف برخورد کرد. مرحوم پدرم در جلسه قرائت قرآن، به افراد بی‌سواد می‌گفت: همان سوره قل هو الله را که حفظ هستید بخوانید تا آنها هم انگیزه پیدا کنند در جلسه شرکت کنند.

اگر می‌خواهیم مسجد بسازیم، نگوئیم هر کسی باید حداقل فلان مقدار پول بدهد، بلکه کاری کنیم آن کس که توان مالی کمی هم دارد انگیزه پیدا کند به اندازه توانایی خود مشارکت کند.

اسلام عزیز می‌گوید: برای اقامه نماز اگر می‌توانی بایست، نمی‌توانی بنشین و گرنه خوابیده نماز بخوان. نماز شب که یازده رکعت است، می‌توانی به خواندن سوره حمد اکتفا کنی یا نشسته بخوانی و اگر حال نسداری دو رکعت بخوان و بخواب.

۱۷. تمرین و عادت

برخی اعتقاد دارند که عادت، امری مذموم و ناپسند است، در حالی که عادت‌ها دو گونه‌اند: عادت مثبت و عادت منفی. عادت به کارهای خوب، پسندیده و مورد تأیید است و نقش عمده‌ای در ایجاد و تقویت انگیزه داشته و اراده و گرایش انسان را به کار جدی‌تر می‌کند. چنانکه راننده‌ای که با ماشین و جاده عادت کرده، انگیزه بیشتری برای رانندگی داشته و برای او آسانتر است.

۱. سوره انفال، آیه ۶۶.

۲. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۷۲.

۱. امام محمد غزالی، ص ۳۹.

گاهی تمرین و ممارست و عادت، انگیزه کار را بالا می‌برد. رسول خدا ﷺ فرمود: زبان‌تان را به استغفار عادت دهید.^۱

۱۸. حرکت تدریجی

یکی از اموری که انگیزه و نشاط کار را بالا می‌برد، آن است که کار به طور منطقی و تدریجی پیش رود. چنانکه حکم تحریم شراب و قمار به تدریج و در چند مرحله نازل شد؛ ابتدا آن را کاری دارای منافع مادی معرفی کرد که گناهِش از سودش بیشتر است،^۲ پس از چندی از نزدیک شدن به نماز در حال مستی منع شد،^۳ سرانجام آیه ۹۰ سوره مائده شراب و قمار را عملی شیطانی و ممنوع دانست.

بعضی در مرحله اول از آن دوری کردند، عده‌ای پس از نزول آیه دوم و جمعی بعد از آیه سوم. این ماجرا نشان می‌دهد که انسان‌ها متفاوتند، شاید بتوان آنها را به میوه‌ها تشبیه کرد: بعضی مانند توت خیلی زود رسیده و به سادگی چیده می‌شوند، بعضی مانند انارند که کمی دیرتر رسیده و چیدنشان کمی زحمت دارد و بعضی مانند گردو دیرتر می‌رسند و چیدنشان بسیار سخت است. ولی در هر حال همه میوه و مفید هستند.

فایده برنامه‌های تدریجی این است که همه را وارد مجموعه می‌کند و به همه بهره می‌رساند.

۱۹. تکیه به توانمندی‌های خود

بسیارند افرادی که با انگیزه وارد کاری می‌شوند، ولی به تدریج انگیزه آنان کم می‌شود و این به خاطر آن است که روز اول در محاسبات خود به جای تکیه بر توان خود، روی کمک دیگران حساب باز کرده بودند و همین که دیگران آنان را رها می‌کنند، انگیزه خود را از دست می‌دهند. لذا لازم است برنامه‌ریزی کارها بر اساس توانایی خود باشد و کمک دیگران تکمیل‌کننده باشد، تا اگر کمکی نکردند، انسان فلج و وامانده نشود. به گونه‌ای باشیم که اگر کمک شدیم کار بهتر پیش رود، ولی اگر کمک نشدیم ورشکسته و بی‌انگیزه نشویم.

۲۰. تقدیر و تشکر منصفانه

گرچه تقدیر و تشکر انگیزه‌بخش است، اما اگر مقدار آن کم و زیاد شده و شرایط تقدیر و تشکر مراعات نشود، به جای ایجاد انگیزه، افراد را حساس و ناراحت می‌کند، چنانکه خداوند نسبت به افرادی می‌فرماید: «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱، «لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ»^۲، «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»^۳ شاید آنان اهل رشد و هدایت و تقوی باشند. اما نسبت به افراد دیگری به جای کلمه لعل و شاید می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»^۴، «هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۵، «هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۶، آنان قطعاً به درجه رشد و هدایت و تقوی رسیده‌اند.

بنابراین در تقدیر و تشکر باید اصولی را در نظر گرفت از جمله:

۱. منصفانه باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: تشکر بیش از حد، تملق و کمتر

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۶. ۲. سوره انبیاء، آیه ۳۱.
 ۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷. ۴. سوره حجرات، آیه ۷.
 ۵. سوره بقره، آیه ۱۷۷. ۶. سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۱. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۳. ۲. سوره بقره، آیه ۲۱۹.
 ۳. سوره نساء، آیه ۴۳.

۱. از حد، حسادت و عجز و تشکر به اندازه، انصاف است.^۱
۲. از همه زحمت‌کشان باشد. گاهی گروهی تلاش می‌کنند، ولی از بعضی قدردانی می‌شود که این نوع تشکر به جای دلگرمی، سبب دلسردی افرادی می‌شود.
۳. علنی باشد. تا هم نشانه تواضع و انصاف تشکرکننده باشد و هم سبب نشاط مورد تشکر و هم انگیزه‌ای برای بینندگان باشد.
۴. جامع و کامل باشد. هم کتبی، هم شفاهی، هم مادی و هم معنوی، هم رسمی و هم غیر رسمی.
۵. از کار واقعی باشد. تشکر اگر از کار نمایشی و آماری و خودنمایی‌ها و خود اظهاری‌ها باشد، مردم را به نفاق و تظاهر سوق می‌دهد.
۶. غرورآفرین نباشد. باید به گونه‌ای باشد که سبب غرور و رکود شخص مورد تشکر نشود و به او اعلام شود که راه رسیدن به مراحل بالاتر برای شما باز است.
۷. از صمیم قلب باشد، نه منافقانه.
۸. مفید و ماندگار باشد. بهتر است تشکر به گونه‌ای باشد که آثارش ماندگار و پر بهره باشد، نه با چیزهایی که زود از بین می‌رود و کم فایده است. مثلاً اگر خواستیم از ورزشکارانی که در دنیا مدال گرفته‌اند تشکر کنیم، سهمی از یک کارخانه تولید لباس ورزشی را به نام آنان کنیم تا ماندگار باشد، یا در آن کارخانه چند نفری از دوستان ورزشکار اشتغال یابند تا سود همیشگی برای او و برای روز سالمندی او قرار داده شود و تولید لباس ورزشی، بیشتر و قهراً ارزان‌تر شود.

۱. نهج البلاغه، حکمت‌ها.

جایزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برندگان مسابقات، درخت خرما یا شتر حامله بوده که هر دو وسیله تولید هستند، ولی جوایز امروز مصرفی و دکوری و بی ثمر و لحظه‌ای و زود گذرند.

۲۱. ارتباط با افراد انگیزه‌دار

اگر اطرافیان و دوستان و همکاران ما، افراد با نشاط، پر تلاش، بلند همت و با انگیزه باشند، انسان را با انگیزه می‌کنند. حضرت علی رضی الله عنه نام یاران مخلص و فداکارش را با ناله و آه می‌برد تا شاید مخاطبین با یاد آنان و فداکاری‌هایشان، انگیزه پیدا کنند.

بخشی از آیات قرآن، تجلیل یا انتقاد از افراد است تا ما با تلاوت و تدبیر در آنها، راه خود را پیدا کنیم.

در روایات می‌خوانیم که با افراد ترسو مشورت نکنید، زیرا در شما ترس ایجاد می‌کنند. با افراد بخیل دوست مباش که عامل ایجاد بخل در تو می‌شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با کسانی معاشرت کنید که دیدار آنان شما را به یاد خدا بیندازد و سخن آنان در رفتار شما تأثیر گذارد و رفتار آنان شما را مشتاق آخرت کند.^۱

امام صادق رضی الله عنه فرمود: معاشرت نکنید مگر با عالمی که شما را از پنج چیز به سوی پنج چیز ببرد: از شک به یقین، از کبر به تواضع، از ریا به اخلاص، از میل و رغبت شخصی به خداترسی و از فریب به خیرخواهی.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳.

۲. مصباح الشریعه، ص ۲۰.

۲۲. مالکیت خصوصی

از اموری که نشاط و انگیزه را بالا می‌برد، مالکیت خصوصی است. انسان اگر بداند که نتیجه تلاش او به جیب خودش می‌رود، انگیزه و ژستکارش بیشتر می‌شود. انگیزه‌ای که انسان برای ساختن خانه خود دارد با انگیزه‌ای که برای ساختن خانه دیگران دارد، تفاوت زیاد دارد.

اگر مردم بدانند که بعد از مرگ اموالشان به دست دولت می‌افتد، چرخه اقتصاد کند می‌شود، ولی اگر بدانند که ثمره کار و تلاش آنان بعد از مرگشان به دست کسانی می‌رسد که نسل و ذی‌حق آنها هستند و نسبت به آنان مسئولیت دارند، انگیزه و تلاش اقتصادی آنها کند نمی‌شود.

۲۳. برخورد محترمانه

احترام به شخصیت انسان‌ها، در آنها انگیزه ایجاد می‌کند. خداوند در حدود هشتاد آیه از قرآن کریم، اوامر و نواهی خود را با این جمله احترام‌آمیز شروع کرده است: «یا ایها الذین آمنوا...» امام علی علیه السلام فرمود: «اجملوا فی الخطاب تسمعوا جمیل الجواب»، دیگران را خوب خطاب کنید تا پاسخ خوب بشنوید.

هشام بن حکم، جوان باهوش و فرهیخته شیعه که در استدلال با مخالفان موفق بود، سن کمی داشت ولی از اندوخته علمی بالایی برخوردار بود. وارد جلسه‌ای شد، امام صادق علیه السلام و شماری از اصحاب برجسته و با فضل و دانش ایشان گرد آن حضرت حلقه زده بودند، چون چشم امام به هشام افتاد از جا برخاست و او را احترام کرد و در کنار خود جای داد.

فصل پنجم:

راهکارهای عاطفی

۱. تحریک غیرت و حمیت

افراد غیور در مواقعی که احساس می‌کنند آبرو، ناموس، شرف، مکتب، مقدّسات، وطن و شخصیت آنان در معرض خطر است، انگیزه مقابله در آنها بیدار می‌شود.

قرآن کریم برای تحریک احساسات مسلمانان می‌فرماید: چرا در راه خدا و برای نجات مستضعفان جنگ و مقاتله نمی‌کنید. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمودند: دین ندارد کسی که شکمش سیر و در همسایگی او گرسنگانی باشند و او بی تفاوت باشد.^۲

امام حسین علیه السلام در عصر عاشورا که تمام اصحابش شهید شده بودند و غریب و تنها روی زمین افتاده بود، دید دژخیمان سپاه عمر سعد به خیمه‌ها حمله کردند، فریاد زد:

«يا شيعَةَ آلِ أبي سُفيانِ إنْ لمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ»^۳ ای پیروان خاندان ابوسفیان، اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید لا اقل آزادمرد باشید.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۰۹.

۱. سوره نساء، آیه ۷۵.

۳. لهورف، ص ۱۱۹.

۲. توجه به یاد نیک

از دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام این بود که: خدایا نامم در میان آیندگان به نیکی باقی بماند. «واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین»^۱ انسان اگر بداند در قبال کاری که انجام می‌دهد نامش به خیر و نیکی برده می‌شود، حس تلاش در او زنده می‌گردد.

یاد نیک، برای دیگران نیز انگیزه‌بخش است، در یکی از مساجد عکس بچه‌های شاگرد اول مدرسه را نصب کرده بودند. همین کار به ظاهر کوچک، سبب رقابت در میان بچه‌های محله شده بود و آنان را برای بهتر درس خواندن و حضور بیشتر در مسجد تشویق و با انگیزه می‌کرد. جوان فلسطینی و لبنانی وقتی می‌بیند دوستش که خود را به آب و آتش زده تا ملتش عزیز بماند، در پایتخت کشوری دیگر خیابانی به نام او ثبت می‌شود، اشتیاق پیدا می‌کند تا او نیز نام و یاد و راهش را ادامه دهد.

۳. تأثیرگذاری راه و رسم پدران

آشنایی و توجه به شغل و کار یا آئین و رسوم پدران و نیاکان، موجب گرایش فرزندان به آن کار و فعالیت‌ها شده و در آنان انگیزه ایجاد می‌کند. بسیاری از بچه‌ها اشتیاق دارند که شغل و راه و رسم پدرانشان را ادامه دهند؛ فرزند نجار دوست دارد نجار شود، فرزند عالم، هنرمند، پزشک، متخصص و... دوست دارد کار پدر را ادامه دهد. به هر حال کارهایی که پدران و اجداد انجام داده‌اند، غالباً به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. بسیاری از رسم و رسومات خوب اجتماعی و فرهنگی مثل برگزاری مجالس

بزرگداشت اهل بیت و یا فعالیت برای حمایت از محرومان و یتیمان و بیماران و یا تأسیس مراکز آموزشی پژوهشی میراثی است که از نسل‌های قبل به نسل‌های بعد رسیده و بچه‌ها از کودکی آموخته‌اند و انگیزه برای ادامه کار پیدا کرده‌اند.

۴. گرایش‌های ملی و قومی

استفاده‌ی صحیح از احساسات قومی و ملی می‌تواند در ایجاد روحیه نشاط و انگیزه مؤثر باشد. افراد زیادی هستند که در مورد محله‌ای که در آن زندگی کرده‌اند، ده یا شهری که در آن متولد شده و یا کشوری که در آن بزرگ شده‌اند، حساس بوده و احترام و اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل هستند. مثلاً دوست دارند اگر می‌خواهند مدرسه و درمانگاهی بسازند، در همان مناطق بسازند. حال اگر این احساسات در مسیر درست بهره‌برداری شود، باعث آبادانی شده و گرنه بسیار خطرناک است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد سه پرچم آماده کرد: پرچمی را به عنوان نماینده مهاجرین به دست علی بن ابی طالب رضی الله عنه داد و پرچمی را به نماینده قبیله اوس و پرچم دیگری را به نماینده خزرجیان سپرد. این حس وطن دوستی، می‌تواند وحدت جمعی پدید آورده و انگیزه‌ها را تقویت کند.

۵. هنر

اگر در کارها به هنر توجه شود و هنرمندانه اجرا شود، انگیزه و نشاط بیشتر می‌شود. اگر اذان مؤذن، قرائت امام جماعت، ساختمان و فضای مسجد، هنرمندانه باشد، جاذبه مردم به مسجد بیشتر می‌شود.

۱. سوره شعراء، آیه ۸۴.

خطّ زیبا و متون و اشعار زیبا، در جذب افراد بسیار مؤثر است. حتی در دب و دیوار حیاط مدرسه می‌تواند هنری و الهام‌بخش باشد. به هر حال هنر در ساختمان، نوشته، سخن، خط و فیلم، ایجاد انگیزه می‌کند.

با فیلم و نمایش می‌توان انگیزه‌ها را بالا برد، به جای حرف با عمل هنرمندانه بیشتر می‌توان مردم را به کار خیر دعوت کرد. پیرمردی وضوی غلط بود، امام حسن و امام حسین علیهما السلام که خردسال بودند، وقتی دیدند وضوی پیرمردی غلط است تصمیم گرفتند او را آگاه کنند. با خود گفتند اگر مستقیم به او بگویند، ممکن است ناراحت شود، لذا دست به حرکت نمایشی زدند و نزد پیرمرد رفته و گفتند: ما وضو می‌گیریم، تو بین وضوی کدام یک از ما صحیح است. پیرمرد پس از مشاهده وضوی آنها متوجه خطای خود شد و گفت: وضوی شما درست است، وضوی من غلط است. استفاده از وسایل کمک آموزشی نیز نوعی هنر است، چنانکه حضرت علی علیه السلام برای یادآوری آتش قیامت از آهن داغ شده استفاده کرد و هنگامی که عقیل برادر نابینای حضرت امیر، از آن حضرت درخواست کرد که یا علی، تو رئیس حکومت هستی، من هم برادر تو هستم، وضع مالی من خوب نیست، یک چیزی بیشتر به من بده! حضرت برای یادآوری آتش جهنم، آهن داغ شده‌ای را به او نزدیک کرد و او را متذکر درخواست اشتباهش نمود. یعنی به جای گفتار، هنرمندانه از ابزار کمک آموزشی استفاده کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به یارانش که در حال کندن خندق و یا ساختن مسجدی بودند، سفارش کرد هنگام کار، سرود موزون و خوش معنایی را به صورت دسته جمعی بخوانند. بدون شک این کار در انگیزه و نشاط افراد تأثیر دارد.

۶. استفاده از ادبیات

اصولاً ادیبانه و خوب سخن گفتن، هم در خود ما و هم در طرف مقابل احساس خوشایندی پدید می‌آورد. یکی از ابعاد اعجاز قرآن ادبیات، فصاحت و بلاغت این کتاب آسمانی است، حتی مخالفان این کتاب نمی‌توانستند شوق و شغف خود را از زیبایی شگفت‌آور ادبی این کتاب پنهان کنند.

سخن نیکو وقتی در قالب ادیبانه ارائه شود، جاذبه را دوچندان می‌کند. گاهی انتقادی که به جای صراحت، با زبان اشاره و تمثیل مطرح شود، توفیق اصلاح بیشتری به همراه خواهد داشت.

استفاده از ادبیات در گفتار و نوشتار، اثری روح‌افزا داشته و انگیزه و نشاط افراد را افزون می‌کند.

۷. تأمین نیازهای طبیعی

تأمین نیازهای طبیعی و غریزی، انگیزه را تقویت می‌کند. چه بسا کسانی که با ازدواج و تشکیل خانواده، نشاط و انگیزه مضاعفی برای کار کردن پیدا می‌کنند. وقتی کارمند و شاگردی که جوان پاک و با کمالی است، مدیرعامل و یا صاحب مغازه و استادکارش، مقدمات ازدواجش را فراهم می‌کند، عشق او را به کار و تلاش دوچندان می‌کند.

قرآن قصه شیرینی نقل می‌کند؛ حضرت موسی علیه السلام وقتی تحت تعقیب مأموران فرعون قرار گرفت و به سمت مدین فرار کرد، هنگام ورود به شهر، به چاه آبی رسید که چوپانان برای گوسفندان خود آب برمی‌داشتند و دو دختر هم کناری ایستاده بودند و مراقب گوسفندان خود بودند. وقتی حضرت علت را از آنان پرسید، گفتند: پدر پیری داریم که توان کار ندارد و ما

کار می‌کنیم، ولی برای آنکه با مردان اختلاط پیدا نشود، باید صبر کنیم تا آنان ابتدا به گوسفندانشان آب بدهند، آنگاه ما گوسفندانمان را سیراب کنیم.

موسای جوانمرد جلو آمد و گله آنان را آب داد و آنگاه غریبانه به گوشه‌ای رفته و دست به دعا برداشت و از خدا استمداد نمود.

این خدمت خصوصیتی داشت، از جمله:

۱. خدمت در حال فرار از رژیم فرعون.
۲. خدمت در شهر غریب.
۳. خدمت بدون منت.
۴. خدمت به افراد ناشناس.
۵. خدمت بدون مزد و تقاضا.
۶. خدمت بدون مأموریت و ابلاغ.
۷. خدمت در حال نیاز و گرسنگی.
۸. خدمت بدون توقع پاداش.
۹. خدمت بدون آنکه از قبل وام‌دار باشد.
۱۰. خدمت بدون تبلیغات و سر و صدا.
۱۱. خدمت در آفتاب و هوای بسیار گرم (چون بعد از آب دادن به گوسفندان در سایه‌ای پناه گرفت).
۱۲. خدمت یک نفره و بدون کمک.
۱۳. خدمت با تکیه بر توانمندی‌های خود.

دختران که زودتر از هر روز به خانه برگشتند، ماجرا را برای پدر تعریف کردند. حضرت شعیب رضی الله عنه دخترانش را به دنبال موسی فرستاد تا او را به

نزدش آورده و ضمن تشکر مزدی به او بدهد.

وقتی موسی به نزد حضرت شعیب رسید و ماجرای فرار و غربت خود را بیان داشت، حضرت شعیب به او پیشنهاد ازدواج با دخترش را داد، در قبال آنکه هشت سال یا ده سال چوپانی کند.

و بدین سان حضرت شعیب با این پیشنهاد مشکل بی خانمانی، ازدواج و اشتغال موسی را حل کرد.

در جامعه ما نیز جوانان مؤمن و خوبی داریم که با وجود تخصص و غیرت کاری در آنان، اما شغل و خانه‌ای نداشته و ناامید شده و از جامعه بریده‌اند، اگر کسی آنان را یاری کند، انگیزه و تلاش آنها چند برابر می‌شود.

اگر ماشین‌های سالم با هم مسابقه گذاشتند، هنری نکرده‌اند؛ هنر این است که ماشین سالم، ماشینی را که در جاده مانده است، بکسل کند.

نیازهای طبیعی انسان وقتی از طرق سالم تأمین نشود، اضطراب و رنج‌های درونی و انواع بیماری‌ها را در پی خواهد داشت. بسیاری از افراد که انگیزه‌ی لازم برای انجام کاری را ندارند، به تعبیر دانشمندی، دارای پارازیت‌های روانی هستند. این پارازیت‌ها اراده را سست می‌کند، وحدت شخصیت را برهم می‌زند و چندگانگی و تعدد شخصیت ایجاد می‌کند. از این رو لازم است مربیان به ویژه پدران و مادران این مسئله را جدی بگیرند. مسئولین جامعه هم موظف هستند شرایط تسهیل و رفع این نیازها را فراهم کنند. مردم خیرخواه نیز هزینه کردن و سرمایه‌گذاری در این راه را از هر کار خیری در پیشگاه الهی مفیدتر بدانند.

ازدواج به موقع، از جوان بدون انگیزه، بیکار، پر خواب و تنبل، جوانی با انگیزه و مفید به حال جامعه خواهد ساخت.

۸. عشق و محبت

از قوی‌ترین عوامل انگیزه‌بخش، محبت است. زمانی که خانه‌های مردم از خشت و گل بود، به خاطر محبت به خدا و اولیای خدا، مساجد و کلیساها و حسینیه‌ها و مهدیه‌ها و حرم‌های اولیای خدا را با بهترین آجر و سنگ و چوب می‌ساختند. گلوله در درب بعضی از مساجد که چند قرن قبل ساخته شده فرو نمی‌رود، ولی چارچوب درب بعضی از ادارات با یک مشت از جا کنده می‌شود، زیرا نجار درب مسجد براساس محبت و عشق ساخته و مسئول خرید اداره، براساس مأموریت و مناقصه و مزایده و اضافه کار و مانند آن.

انگیزه فداکاری والدین برای فرزند که قدیمی‌ترین، پایدارترین، جامع‌ترین و عمیق‌ترین علاقه‌هاست، محبت به فرزند است.

علاقه والدین بخصوص مادر، علاقه‌ای است که فقیر و غنی، شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد نمی‌شناسد و زیبایی فرزند در آن تأثیر ندارد. حتی بعد از مرگ فرزند این علاقه در قلب آنان پابرجاست.

آری، به خاطر محبت، کار بهتر، سریع‌تر، بادوام‌تر، ارزان‌تر انجام می‌گیرد. میزبان هرچه بیشتر به مهمان علاقه داشته باشد، غذای بهتری تهیه می‌کند. شاید رمز اینکه مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مودت اهل بیت قرار داده شده: «**قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰی**»^۱ و صدها حدیث درباره محبت خداوند و پیامبر و اهل بیت او آمده، همین باشد. تا آنجا که می‌فرمایند: «**وَهَلِ الدِّیْنُ اِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ**»^۲ آیا دین جز علاقه به خوبان و خوبی‌ها و نفرت از بدان و بدی‌هاست؟

اگر محبت باشد، انسان زود خسته نشده و در برخورد با سختی‌ها قهر نمی‌کند و از کار خود دست برنمی‌دارد. آخرین توان خود را بکار گرفته و از دیگران نیز کمک می‌گیرد.

علاقه او، دیگران را نیز علاقه‌مند و با نشاط می‌کند. در یک تحقیق علمی ثابت شده که وقتی افراد با اشتها و میل غذا بخورند، کسانی هم که به آنان نگاه می‌کنند به اشتها می‌آیند.

قرآن حتی از نماز بدون علاقه و باکسالت منافقان انتقاد می‌کند و به جای کلمه «**اقاموا**»، کلمه «**قاموا**» را بکار می‌برد: «**قَامُوا كَسَالًا**»^۱ همچنین قرآن از کمک به فقرا که براساس کراهت و بی‌نشاطی باشد، انتقاد کرده است. «**و هم کارهون**»^۲

وقتی که ما کسی را دوست داریم، سعی می‌کنیم در رفتار هم شباهت به وی پیدا کنیم. این عشق عامل بسیار مهمی در ایجاد انگیزه است. دانش‌آموزی که دوستدار معلمش باشد، سربازی که عاشق فرمانده و کارگری که مرید کارفرمایش باشد، انگیزه پیدا می‌کند حتی در گفتار و کردار تشبیه به وی پیدا می‌کند.

۹. روابط عاطفی

از عواملی که نشاط و انگیزه را بالا می‌برد، ارتباط عاطفی است. از امتیازات حقوق اسلام بر حقوق شرق و غرب آن است که حتی قتل را سبب قطع محبت و عاطفه نمی‌دانند. قرآن در آیه قصاص می‌فرماید: قصاص حق شماست، سپس در ادامه می‌فرماید: «**فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ اَخِيهِ شَيْءٌ**

۱. سوره شوری، آیه ۲۳. ۲. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۶۳.

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۲. ۲. سوره توبه، آیه ۴۸.

فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ^۱ قاتل برادر دینی تو است. پس می‌توانی از قصاص او درگذری و دیه دریافت کنی آن هم بر اساس احسان و معروف.

در کدام کتاب حقوقی دنیا در ماده‌ای که سخن از قصاص قاتل است، کلمات «عفو، برادر، معروف و احسان» به چشم می‌خورد. این سیمای مکتب اسلام است.

در اسلام هر سخن و کاری که علائق اجتماعی را زیاد می‌کند، یا واجب شمرده شده یا مستحب. نظیر عیادت بیمار، سوغاتی سفر، تشکر از دیگران، سلام کردن، دست دادن، دید و بازدید، هدیه، قرض الحسنه، بدرقه، دعا کردن، و در مقابل هر کاری که علاقه افراد به یکدیگر را محو یا کم می‌کند، حرام یا مکروه شمرده شده است، نظیر غیبت، سخن چینی، بخل، تکبر و منت‌گذاری.

روشن است که تحکیم علائق اجتماعی و روابط عاطفی، انگیزه و نشاط افراد را برای تلاش و خدمت افزون می‌کند.

۱۰. استقبال مردمی

از اموری که انگیزه‌ها را بالا می‌برد، توجه و استقبال مردم است که از قدیم گفته‌اند: «مستمع، صاحب سخن را بر سر شوق آورد».

اگر مردم حضور و توجه نداشته باشند، حتی حضرت علی علیه السلام خانه‌نشین می‌شود. همان گونه که اگر نخ به دنبال سوزن نباشد، سوزن قدرت مانور در پارچه را ندارد.

البته برای جلب نظر مردم انجام هر کاری درست نیست و باید از راههای مشروع و منطقی مردم را به صحنه آورد.

۱۱. استفاده از چهره‌های محبوب و فرهیخته

از عوامل بالا رفتن انگیزه، استفاده از چهره‌های محبوب است. مثلاً هر چه سخنران جلسه مهم‌تر باشد، انگیزه برگزار کنندگان و شرکت کنندگان بیشتر می‌شود.

هدیه پیراهنی که امام رضا علیه السلام درباره‌اش فرمود: من هزار بار قرآن را در آن ختم کرده و هزار شب این پیراهن را پوشیده‌ام و نماز خوانده‌ام. برای افرادی مثل دعبل که بیست سال بخاطر حمایت از اهل بیت آزار و اذیت دیده و سخت تحت تعقیب حکومت بنی عباس بوده، ارزش و اهمیت ویژه‌ای دارد.

قرآن به پیامبرش می‌فرماید: از مردم زکات بگیر و برآنان درود بفرست. سپس می‌فرماید: «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ^۱» و سلام و درود تو، برای آنان آرام‌بخش است. آیه نمی‌فرماید هر درودی آرام‌بخش است، درود تو که ای پیامبر که شخصیت محبوب و یگانه‌ای، آرام‌بخش است.

در فرانسه بر سردر هر خانه‌ای که مدتی یکی از فرهیختگان در آن سکونت داشته، تابلویی سنگی نصب شده که فلان شخصیت در فلان تاریخ برای مدتی در اینجا زندگی کرده است.

بعد از انقلاب که مسئول سوادآموزی شدم، حدود نیمی از مردم بی‌سواد بودند. خدمت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی رهبر رسیدم و گفتم:

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۸.

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

کار معلمین سوادآموزی سخت است، زیرا باید به روستاها هجرت کنند، در خانه‌ها را بزنند، افراد بزرگسال بی سواد را شناسایی و دعوت کنند و با حقوق کم و غیر رسمی این کار سخت را انجام دهند، لکن اگر شما که رهبر محبوب همه هستید، به این معلمین از طریق بنده که نماینده‌ی شما هستم سلام مخصوص برسانید، دست‌اندرکاران سوادآموزی با این سلام گرم شما، خوشحال و دلگرم و با انگیزه‌تر می‌شوند. حضرت امام فرمود: سلام مخصوص مرا به این افراد برسانید.

و من در سفرها حامل این پیام سلام بودم و همین که سلام را ابلاغ می‌کردم، احساسات خوب معلمین را بخاطر این تفقد و سلام شاهد بودم. آری گاهی یک ابلاغ سلام و تشکر از سوی افراد برجسته، تأثیر زیادی در بالابردن نشاط و انگیزه افراد دارد.

۱۲. تکریم و احترام

از اموری که انگیزه‌ها را بالا می‌برد، برخوردارهای نیک است. از جمله: در سخن، بهترین کلام را بگوییم. «يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ اگر مسأله ناروایی دیدیم، با بهترین شیوه با آن برخورد کنیم. «إِدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲ با نامی که دوست دارند، مردم را صدا بزنیم. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی کودکان را با احترام و کرامت و کنیه خانوادگی صدا می‌زد. بیش از ظرفیت و توان و ذوق و ابزاری که دارند، تکلیف نخواهیم. تکریم و احترام و تقدیر خصوصی، مانند روغن‌رسانی به ماشین است که

حرکت آن را تند و بدون اشکال می‌کند.

تکریم افراد حتی با آنان هم غذا شدن و رفتار یکسان داشتن و نظرخواهی و مشورت با آنان، روحیه و انگیزه‌ها را بالا می‌برد.

۱۳. بیان و نمایش سختی‌ها

هر انسانی می‌داند افرادی در جامعه فقیر یا یتیم یا گرفتارند، اما اگر در تلویزیون صحنه‌هایی از فقر و نیاز و گرفتاری‌ها مطرح شود، انگیزه بینندگان برای کمک بیشتر می‌شود.

قرآن می‌فرماید: «يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ»^۱ یتیمی که فامیل تو است. «أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ»^۲ یا فقیری که فرش ندارد و روی خاک نشسته است. با طرح مسأله خویشاوندی و خاک‌نشین، ایجاد انگیزه در مخاطب می‌کند.

قرآن پیامبر اسلام را مأمور می‌کند که یاد بزرگان و سختی‌های آنان را مطرح کند؛ خواه مرد باشند یا زن. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»^۳ «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»^۴

همان‌گونه که در روایات برای عزاداری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و اصحاب گرامش سفارش بسیار شده، برای آنکه ما بدانیم در مبارزه با طاغوت و بیعت نکردن با ستمگر تا کجا باید مقاومت کنیم و شنیدن فاجعه کربلا برای ما درس و عبرت باشد، تا در فشار سختی‌ها و محاصره اقتصادی و نظامی تسلیم نشویم. همان‌گونه که در کربلا قطع آب که بالاترین فشار اقتصادی بود و محاصره نظامی هفتاد و دو نفر توسط دهها هزار نفر، موجب تسلیم شدن آنان در برابر دشمن نشد.

۱. سوره بلد، آیه ۱۵. ۲. سوره بلد، آیه ۱۶.
۳. سوره مریم، آیه ۴۱. ۴. سوره مریم، آیه ۱۶.

۱. سوره اسراء، آیه ۵۳. ۲. سوره مؤمنون، آیه ۹۶.

۱۴. توجه به گرایشات روحی

خداوند در هر شخصی ذوقی قرارداده که اگر گرایش‌ها و استعدادهاى خود را بشناسد و در آن مسیر گام بردارد، موفق خواهد شد. چه بسا افراد نابغه‌ای که اگر بر خلاف ذوقش به انجام کاری گمارده شود و تغییری در مسیر دل خواهش حاصل شود، حتی به اندازه یک فرد عادی مفید نباشد. بنابراین یکی از عوامل انگیزه‌بخش، گام نهادن در راهی است که طبق ذوق و گرایش روحی انسان باشد.

۱۵. وجدان

وجدان یکی از نیروهای برانگیزنده در انسان است. امام صادق علیه السلام هنگام گذر از منطقه‌ای فرمودند: ببینید این کسی که کنار جاده افتاده چه مشکلی دارد؟ گفتند: آب می‌خواهد، فرمود: به او آب بدهید. گفتند: آقا مسلمان نیست. فرمود: مسلمان نباشد، انسان که هست. شما وجدان و احساس که دارید.

حق دو قسم است؛ یک حق اسلامی و یک حق انسانی. حق اسلامی یعنی چون مسلمان هستیم، باید انجام دهیم. حق انسانی یعنی چون انسان هستیم باید انجام دهیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مردم دو دسته‌اند؛ یا برادر دینی تو هستند و یا هم نوع تو. سید رضی یکی از دانشمندان بزرگ اسلامی، همین که به قبرستان غیر مسلمان‌ها رسید، پیاده شد، گفتند: آقا اینجا قبرستان غیر مسلمانان است، چرا پیاده شدی؟! فرمود: من یک استادی داشتم که مسلمان نبود و اما حق معلمی به گردنم دارد و در اینجا دفن است و من به احترام این استاد غیر مسلمانم، در اینجا پیاده راه می‌روم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شخصی که تصمیم به گناه داشت فرمود: آیا حاضری دیگری به ناموس تو نظر بد داشته باشد. حضرت با این سؤال، وجدان او را بیدار کرد. او خجالت کشید و دست از گناه برداشت.

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم بین خود و مردم، خویشان را قاضی و میزان قرار بده و آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم بپسند و آنچه را برای خویش نمی‌پسندی، برای آنان هم نپسند.^۱

«والحمد لله رب العالمین»

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.